



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



آنگر بر آنگر باد، سوزدین استغاثه
چو آنگر نوسنده و نوسنده آنگر چو آنگر

دوّمین

کتابخانه مسجد قرآنی قم

عبد پرومند اعلم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

نویسنده:

عباس برومند اعلم

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی
۷	مشخصات کتاب
۱۲	مقدمه ناشر
۱۸	تعاریف
۱۸	اشاره
۲۰	مسجد
۲۰	بررسی لغوی واژه مسجد
۲۳	بررسی اصطلاحی واژه مسجد
۲۶	تمدن اسلامی
۲۶	بررسی لغوی واژه تمدن اسلامی
۲۷	بررسی اصطلاحی واژه تمدن اسلامی
۳۰	مسجد در صدر اسلام
۳۰	اشاره
۳۳	جایگاه مسجد در قرآن و سنت
۳۳	مسجد در آیات الهی
۴۰	مسجد در احادیث و روایات
۴۵	مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه
۵۴	مسجد نماد اسلامی شدن شهرها در فتوحات
۵۷	چگونگی تأسیس مسجد در مدینه
۵۷	مسجد قبا
۶۰	ورود به مدینه و مأموریت ناقه
۶۲	مشارکت عمومی در ساخت مسجد
۶۶	طرح بنای مسجد

۷۰	کارکردهای مسجد در صدر اسلام
۷۰	اشاره
۷۴	کارکرد دینی و تبلیغی
۸۱	کارکرد علمی، آموزشی و فرهنگی
۸۸	کارکرد سیاسی، اجتماعی و قضایی
۸۸	کارکرد سیاسی
۱۰۰	کارکرد اجتماعی و قضایی
۱۰۴	منبر، یکی از مهمترین اجزاء مسجد
۱۰۸	تحول ساختاری در کارکردهای مسجد در دوره میانه تاریخ اسلام
۱۰۸	اشاره
۱۱۲	سلب کارکرد سیاسی از مساجد و علل آن
۱۲۰	تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن
۱۲۴	اثرات جریان صوفیه و خانقاه در کارکرد مساجد
۱۲۹	مسجد مهد هنر معماری اسلامی
۱۳۷	علل ظهور این کارکرد جدید
۱۴۴	سخن آخر
۱۴۹	فهرست منابع و مآخذ
۱۵۲	درباره مرکز

درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه: برومند اعلم، عباس، 1358 -

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی / عباس برومند اعلم .

مشخصات نشر: تهران: ستاد اقامه نماز، 1380.

مشخصات ظاهری: [143] ص .

فروست: ستاد اقامه نماز؛ 135. آثار برگزیده سومین مسابقه جوانان نویسنده و نویسندگان جوان؛ 1.

شابک: 4000 ریال : 1-17-7309-964

یادداشت: چاپ قبلی: ستاد اقامه نماز، 380 (فروست).

یادداشت: کتابنامه: ص . [142 - 143]؛ همچنین به صورت زیرنویس .

عنوان دیگر: جایگاه مسجد در تمدن اسلامی .

موضوع: مسجد ها

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره: BP2611380 / ب 4د4

رده بندی دیویی: 297/75

شماره کتابشناسی ملی: 2091047

ص: 1

شناسنامه:

ص: 2

عنوان صفحه

مقدمه *** 7

تعاریف *** 11

مسجد *** 13

تمدن اسلامی *** 19

مسجد در صدر اسلام *** 23

جایگاه مسجد در قرآن و سنت *** 26

مسجد در آیات الهی *** 26

مسجد در احادیث و روایات *** 33

مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه *** 38

مسجد نماد اسلامی شدن شهرها در فتوحات *** 47

چگونگی تاسیس مسجد در مدینه *** 50

مسجد قبا *** 50

ورود به مدینه و ماموریت ناقه *** 53

مشارکت عمومی در ساخت مسجد *** 55

طرح بنای مسجد *** 59

کارکردهای مسجد در صدر اسلام *** 63

کارکرد دینی و تبلیغی *** 67

کارکرد علمی، آموزشی و فرهنگی *** 74

کارکرد سیاسی، اجتماعی و قضایی *** 81

کارکرد سیاسی *** 81

کارکرد اجتماعی و قضایی *** 93

ص: 3

منبر، یکی از مهمترین اجزاء مسجد *** 97

تحول ساختاری در کارکردهای مسجد در دوره میانه تاریخ اسلام *** 101

سلب کارکرد سیاسی از مساجد و علل آن *** 105

تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن *** 113

اثرات جریان صوفیه و خانقاه در کارکرد مساجد *** 117

مسجد مهد هنر معماری اسلامی *** 122

علل ظهور این کارکرد جدید *** 130

سخن آخر *** 137

فهرست منابع و مآخذ *** 142

ص: 4

نماز میدان فراخ و عرصه‌ی پهناوری است که روح و اندیشه‌ی انسان در آن وسعت می‌یابد و به گستردگی آن فرصت پرواز پیدا می‌کند. نماز به عنوان تجلی نهاد عبادی دین

و نمود بندگی انسان مسلمان، در عصرهای مختلف میان نسلهای مسلمانان با قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و جغرافیای متفاوت، پدیدآور عالی‌ترین و فاخرترین نمونه‌های فرهنگی، هنری و معماری بوده است که خود بستر ظهور ماندگارترین حرکت‌های اصیل اسلامی، انسانی در حوزه‌های سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد شده است.

با آنکه در دورانهای مختلف، گرایش‌ها و باورها در معرض تعرض اندیشه‌های بیگانه و یا تحت فشار فرهنگ‌های مهاجم قرار گرفته و در رفتار و کردار و عواطف آحاد مردم تاثیر گذاشته است، اما هیچگاه شعله‌های اعتقاد و ایمان به خدا و راهبران الهی در دل مردم افسرده نشده است و معالم هدایت و شعائر دینی در کانون‌های قدسی آن همچون مساجد و حرم‌های مطهر به خاموشی و خمودی نگرائیده است. در اوج فشار و هجوم، رویشی تازه از ایمان و اعتقاد در میان مسلمانان مخصوصاً نسل جوان آن پدید آمده است که بهاری مجدد را نوید داده و دوباره، شکوفایی و رشد و حیات مجدد در سبزه زار حیات مسلمانی رخ نموده است.

در روزگار انقلاب اسلامی که پیر فرزانه‌ای آن را راهبری نمود، نسل جوان، فریادگران پرخروشی بودند که ندای توحید و عدالت و کرامت انسانی را در مصاف‌های مبارزه و درگیری با پیشوایان شرک و ظلم و بردگی سردادند و در میدان مقابله با آنها با استعانت از نماز مقاومت کردند تا سرفرازی و فرازمندی انسان مؤمن به خدا را در برابر دیدگان مبهوتان قدرت طاغوتها به نمایش گذاشتند و نقاب از چهره اقتدار پوشالی ابرقدرتها برگرفتند.

باز فهمی منشأ این قدرت الهی در نسل انقلابگر دو دهه اخیر ایران اسلامی و بسط و توسعه آن در میان نسل دوم و سوم انقلاب و همچنین توده‌های مسلمان و محرومان و مستضعفان سایر نقاط دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یقیناً این بازفهمی

نیازمند بازشناسی و آسیب شناسی جریان دینگرایی و دلدادگی به ارزشها و آرمانهای اسلامی و قرآنی است. پدیده ی بازگشت به دین در دوره ی رواج ارزشهای غربی و سلطه ی حاکمان دین ستیز نه این چنین است که معلول سخت گیری و دیکتاتوری آن دوره باشد، بلکه بازگشت به دین، رجوع به فطرت دینی و حاصل روشننگری های دیرپای عالمان و اندیشمندان اسلامی بود که بذر اعتقاد و ایمان را در فطرتها سیراب می ساختند.

امروز نیز باز فهمی دین نیازمند بازشناسی و روشننگری و سیراب سازی اندیشه ها و جانها از آبشخور زلال معارف اسلامی است. آمیختگی با خرافه، دلدادگی به اسطوره و احساس سیرابی با هیجان و عاطفه، نهاد دین و باور به آن را در معرض خطر پوسیدگی و از درون پاشیدگی قرار می دهد. اما تعقل و تدبر در آموزه های دینی و الگو و اسوه قراردادن پیشوایان معصوم (علیهم السلام) و پاسخگویی به پرسشهای درونی و بیرونی به کمک اندیشه و فکر، حاکمیت نهاد دین را استحکام بخشید و دینداران را در مواجهه با شبهه و تردید ها تقویت می کند.

مسابقه نویسندگان جوان و جوانان نویسنده، گامی در جهت آماده سازی مخاطبان جوان در میدان تدبیر و اندیشه و بازشناسی و باز فهمی راز قدرت انقلاب اسلامی در مواجهه با قدرتهای مادی جهان معاصر است. آنان در چنین مجالی فرصت می یابند توسن فکر خویش را در عرصه های مختلف به حرکت در آورند، به زوایای مختلف سربکشند و با سرپنجه قلم، گزارش کاوشهای علمی خود را بنگارند.

در سومین مسابقه نویسندگان جوان نیز انبوهی از جوانان نویسنده به فکر و تأمل و تحقیق و پژوهش پرداختند و دریافت های خود را در قالب های متنوعی از نوشته ها و سروده ها به صورت کتاب عرضه داشته اند.

در این میان همت ما نیز بر این بود که همچون آینه دارانی سیمای زیبای اندیشه و فکر جوانان دلداده ی زیبای مطلق را به همه ی دوستداران زیبایی گفت وگو با او بنمایانیم.

آنچه شما خوانندگان در این مجموعه می بینید ما به ازای تجلی آن جمال و برون داد این همت است. توفیق نمازیان را در گسترش فرهنگ بندگی پروردگار بندگان خواستاریم.

دکتر محمدیان

معاون تحقیق و تألیف

ص: 6

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (1)

مسجد این خانه خدا در روی زمین، نهادی است که به امر الهی و به دست مبارک پیامبر بزرگوار اسلام در نخستین روزهای تاسیس حکومت اسلامی، در مدینه بنیان نهاده شد و از همان آغاز همچون دین مبین اسلام، جامع و همه جانبه بود.

مسجد که نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می شود از همان بدو تاسیس علاوه بر اینکه پایگاه دینی و معبد مسلمین به شمار می رفت، نخستین کانون فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی مسلمین نیز بود و پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم در این مکان استوار شد چرا که مقرر حاکمیت پیامبر در آن قرار داشت و بعدها نیز اصول و مبانی دین اسلام از همین نهاد مقدس به مردم عرضه می شد.

بدین ترتیب مسجد که خود يك نهاد تمدن اسلامی بود به زودی، به عنصر

ص: 7

مادی و عینی در کنار عنصر فرهنگی اسلام تبدیل شد و در تمدن سازی دخیل گشت و به تدریج با توسعه گسترده تمدن اسلامی جای خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی باز کرد به طوری که هر کجا و در هر شهر و قریه ای که مسجدی وجود داشت، آن منطقه جزء قلمرو فکری و فرهنگی و البته گاه سیاسی اسلام شمرده می شد.

مساجد با کارکردهای متعددی که داشت، آنچنان در درون جامعه اسلامی نهادینه شد که مؤمنان آن را بر خانه های خویش ترجیح می دادند، در واقع ویژگی اصلی مسجد این بود که همچون اسلام با همه شؤون زندگی مردم سر و کار داشت و البته به همه آنها جهت الهی و دینی می داد و این با روح اسلام نیز سازگار بود چرا که اسلام جوهره همه فعالیت های مسلمین در جامعه اسلامی را عبودیت می دانست.

این نهاد مقدس نیز همانند سایر نهادهای تمدن اسلامی و همچون خود تمدن اسلامی فراز و فرودهای فراوانی را طی کرد تا به زمان حال رسید، روزگاری در دوران صدر اسلام، مسجد قلب تپنده امت و جامعه اسلامی و مقر حاکمیت و حضور بزرگترین فرستاده الهی (صلی الله علیه و آله وسلم) و مرکز بی بدیل همه فعالیتها و امور جاری مردم بود، و مردم همه جهت گیری های خود را از آن اخذ می نمودند، پس از ارتحال نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در دوران خلفای راشدین نیز اوضاع تا حدود زیادی به همین منوال بود، اما با به قدرت رسیدن بنی امیه، و حاکمیت آنها بر جهان اسلام توأم با انحرافات و بدعت های فراوانی که در همه ابعاد اسلام اتفاق افتاد، تحولات فراوانی نیز در کارکردهای مسجد آغاز گشت و این تحولات منفی به تدریج ادامه یافت تا جایی که در دوران حاکمیت بنی عباس و بعد از آن از مرکز جامعه به

حاشیه رانده شد و اهم کارکردهای خود را از دست داد و دیگر نه پایگاه حاکم بود نه پایگاه حضور مردم، این وضعیت تا دوران حال ادامه یافت و تلاشهای پراکنده و مقطعی برای احیای موقعیت آن نیز ثمری نداشت و اکنون ما وارث این روند تاریخی هستیم.

اما امروز شرایط متفاوت است و ما اگر هم بخواهیم نمی توانیم نسبت به شرایط مساعد جامعه بی اعتنا باشیم، امروز در قسمتی از جهان اسلام انقلابی به پیروزی رسیده است که کانون جوشش آن، مساجد بوده و حکومتی بر سرکار آمده است که داعیه دار پایه گذاری نظامی مبنی بر احکام اسلام ناب است و الگوی این حکومت، نظام حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مدینه النبی است و کدام نهاد در مدینه النبی مهم تر از مسجد و کدام مکان مرکزی تر و راهبردی تر از مسجد بود؟ و مگر می شود داعیه تأسیس حکومت اسلامی داشت و به بازگرداندن وضعیت مساجد به حال مساجد صدر اسلام نیاندیشید؟

مبنای ما در نگارش این نوشتار نیز همین بود؛ چرا که معتقدیم نمی توان بدون شناخت پیشینه و تاریخ يك موضوع و یا نهاد به احیاء آن پرداخت، لازم است که ابتدا گذشته مسجد و فراز و فرودهای آن را بشناسیم تا با نگاهی روشن و اندیشه ای عبرت یافته وارد میدان شویم و در جهت احیای مساجد اسلامی تلاش نماییم.

در این نوشتار پس از بررسی برخی مفاهیم مربوطه، به بررسی موقعیت مسجد در صدر اسلام و نحوه و علل تأسیس آن پرداخته ایم و سپس کارکردهای متعدد مسجد در صدر اسلام را تبیین نموده ایم، آنگاه به بررسی تحولات ساختاری در کارکردهای مسجد در دوران میانه تاریخ اسلام و بیان علل این

تحولات پرداخته ایم، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد اینکه در این نوشتار تلاش شده است، حتی الامکان تبیین مطالب توأم با آوردن نمونه های تاریخی باشد تا مطالب مزبور مستند و قابل دفاع باشد.

آنچه که مسلم است این نوشتار همانطور که از عنوان آن نیز پیداست تنها در آمدی است بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی که نگارنده در حد بضاعت اندک خود آن را به رشته تحریر در آورده است و بدیهی است که مسجد و ابعاد آن عظیم تر از آن است که بتوان به متونی چون این متن اکتفا کرد و بلکه همت پژوهشگران برجسته ای را می طلبد تا هر چه بیشتر در روشن کردن این جایگاه در تمدن اسلامی بکوشند، در پایان لازم می دانم از استاد محترم اقامه نماز و به ویژه معاونت محترم تحقیق و تالیف این ستاد که فرصتی را برای انجام چنین پژوهشهایی فراهم نمودند نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم.

«و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب»

عباس برومند اعلم

ص: 10

تعاريف

اشاره

* مسجد

** تمدن اسلامى

ص: 11

این واژه که مبنایی ترین واژه در این نوشتار است از دو جنبه لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می گیرد.

بررسی لغوی واژه مسجد

در بررسی لغوی و ریشه ای کلمه مسجد در کتب لغت معتبر نظرات نزدیک و مشابهی دیده می شود. ابن منظور در لسان العرب درباره مسجد می نویسد: «مسجد و مسجد: جایی است که در آن سجده می کنند و مفرد مساجد است.» زجاج می گوید: «هر جایگاهی که در آن عبادت کنند مسجد است.» همانطور که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «جعلت لی الارض مسجداً طهوراً»... ابن اعرابی می گوید: مسجد به فتح جیم، محراب و نمازگاه خانه هاست و مسجد به کسر جیم، نمازگاه

ص: 13

در تاج العروس نیز ذیل کلمه مسجد که از ریشه (سَجَدَ - سَجِدًا) است چنین آمده است: «مسجد به کسر جیم، هر جایگاهی که در آن سجود کنند» و در کتاب «الفروق» نوشته ابن بَرّی آمده است که «مسجد خانه ای است که در آن سجده می کنند و به فتح جیم موضع قرار گرفتن پیشانی است.» (2)

و با توجه به ورود این کلمه به زبان فارسی و استعمال کامل آن در این زبان در مراجعه به لغت نامه های فارسی نیز معانی ذیل برای مسجد به دست آمد: «سر بر زمین نهادن، محل و موضعی که در آنجا سجده کنند و هر محلی که در آن عبادت کنند و از آن جمله است اطلاق مسجد بر «جامع» و گویند مسجد با کسر جیم اسم است محل عبادت را، خواه در آنجا سجود بکنند یا نکنند و هرگاه فعل و عمل آن مورد نظر باشد، جای عبادت مسلمانان. خانه خدا، محل سجود، جای نماز خواندن، خانه ای که برای گزاردن نماز سکنه کوی یا شهری سازند.» (3)

درباره علت نامگذاری محل عبادت مسلمین به این نام، نظریاتی وجود دارد از جمله يك نظر آن است که در عبادتگاه مسلمین بزرگترین عبادتی که انجام می شود نماز است و این عبادت عظیم ترین عبادت و اولین فرع از فروع دین محسوب می شود و سجده نیز که در هر رکعت نماز دوبار تکرار می شود مهمترین و ضمناً بهترین و زیباترین رکن نماز است که نماد اوج بندگی مسلمین است که در

ص: 14

1- ابن منظور، لسان العرب، ج 3، بیروت: دارصادر، 1997م، ص 246.

2- سید محمد مرتضی الحسینی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 8، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1970 م، ص 174.

3- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج 13، تهران، دانشگاه تهران، 1377، ص 20852.

نماز ظاهر می شود. بدین ترتیب این عبادتگاه که در آن مسلمین به صورت دسته جمعی هر روز بارها در آن به سجده می افتند و بر درگاه باری تعالی پیشانی بندگی می ساینند، «مسجد» یعنی محل سجود نامیده شده است.

دیدگاه دیگر که از يك رویکرد تاریخی نشأت می گیرد می گوید: که مسجد معرب «مزکت» یا «مزگت» است که این کلمه از زبان آرامی وارد زبان عربی شده است(1)

و اعراب نیز آن را به صورت مسجد به عبادتگاه های خود اطلاق کرده اند.

البته در اینکه سابقه این کلمه به پیش از اسلام برمی گردد تردیدی نیست و مسأله در ریشه عربی یا غیر عربی آن است که به نظر می رسد ریشه غیر عربی آن صحیح تر باشد؛ چرا که سابقه استعمال این کلمه در خارج از جهان عرب وجود دارد. از آن جمله حضرت سلیمان (علیه السلام) که پس از ساختن معبد در اورشلیم آن را «مسجد الاقصی» نامید(2)

و این نام ارتباطی به دوره اسلامی و یا جهان عرب نداشته است. بعدها یهودیان بنی اسرائیل که پس از دوران اسارت بابلی، زبان عبری را که زبان تورات است فراموش کرده و به زبان آرامی تکلم می کردند نیز این معبد را به همین نام می شناختند.

اما روایتی در کتاب «سنن بیهقی» دیده می شود که ظاهراً مضمون آن می تواند در تضاد با نظریه فوق باشد. در این روایت از قول ابوذر صحابی بزرگوار رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است که گفت: «به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) گفتم: یا رسول الله اولین

ص: 15

1- - سید مصطفی حسینی دشتی، دائرة المعارف معارف و معاریف، ج 9، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، 1379، ص 351.

2- - ر.ك. جان بی ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی، 1377، ص 501.

مسجدی که در زمین ساخته شد کدام است؟ فرمود: مسجد الحرام. گفتیم: سپس کدام مسجد؟ فرمود: مسجد الاقصی» (1)

بدین ترتیب اگر خانه کعبه از زمان احداث، «مسجد الحرام» نامیده شده است و با توجه به تقدم ساخت آن بر مسجد الاقصی که در آن تردیدی نیست _ چرا که حتی اگر روایاتی که پیشینه این خانه را تا زمان خلقت زمین و یا زمان حضرت آدم و یا حضرت نوح به عقب می برد را نپذیریم در ساخت این خانه توسط حضرت ابراهیم (علیه السلام) به تصریح قرآن شکی وجود ندارد _ باید گفت که این کلمه ریشه عربی و بلکه ریشه آسمانی دارد و اولین بار در میان اعراب استعمال شده است. و سپس یهود که از پیروان ادیان ابراهیمی محسوب می شوند با پیروی از حضرت ابراهیم کلمه «مسجد» را برای معبد خود برگزیده اند، البته نباید از نظر دور داشت که در قرآن هر کجا سخن از ساختن خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم به میان آمده از لفظ «بیت» استفاده شده است.

بنا بر این مشاهده می شود که نظر قطعی درباره ریشه تاریخی این کلمه وجود ندارد و نگارنده در حد بضاعت اندک خود احتمالات مختلف را طرح کرده است تا خود زمینه ای برای پژوهشی مستقل در این زمینه باشد.

بررسی اصطلاحی واژه مسجد

در بررسی اصطلاحی با توجه به اینکه روال بر این است که واژه مورد نظر در اصطلاح حوزه علمی مورد تحقیق بررسی می شود، طبیعی است که باید نگاهها را

ص: 16

از گذشته تاریخی این کلمه برداشته و متوجه حوزه تمدن اسلامی کرد.

مسجد در تاریخ تمدن اسلامی اولین نهاد اجتماعی و سازمانی است که مستقیماً از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و در نخستین روزهای تأسیس حکومت اسلامی پایه گذاری شد و تا مدت‌ها قلب تپنده جامعه اسلامی و مرکز بی بدیل اجتماع مسلمین بود.

این نهاد در طول تاریخ تمدن اسلامی فراز و نشیب‌های متعددی را طی کرده است که بدون تردید درخشان‌ترین فراز حیاتش دوران صدر اسلام است. این مکان مقدس گرچه در ظاهر دچار تحولات شگرفی شده و گاه زینت‌های آن به حدی بوده که با کاخ‌های پادشاهان برابری می کرده است، اما در باطن هرگز تعریف اصیل خود که همانا قطعه زمینی پاک برای عبادت فردی و اجتماعی امت بود را از دست نداده و نخواهد داد.

«مسجد قطعه ای کوچک یا بزرگ از زمین است که پس از نظافت، تسطیح و پاکیزه کردن آن، سمت قبله در آن مشخص می شود و به نماز اختصاص می یابد. این قطعه زمینها گاهی دارای دیوارند و گاهی بدون آن، با شن پاکیزه و با حصیرهای ارزان یا فرشهای گران قیمت فرش می شوند. گاهی بر روی این قطعه زمین بناهای عظیم با دیوارها، سقفها، گنبدها و مأذنه های بزرگ بر پا می شود و گاهی نیز هیچ يك از اینها را ندارد. اما این در مسجد بودن آن تأثیری ندارد؛ زیرا يك مسجد ساده و معمولی نیز همانند عظیم ترین مساجد مکانی مقدس با ویژگیهای ممتاز است.»⁽¹⁾

ص: 17

1-1 _ حسین مونس «پیدایی مساجد» سید سعید سید حسینی، دو ماهنامه مسجد، ش 37 و 38، محمدرضا امیری تهرانی، تهران، مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروردین، تیر 77، ص 80-81.

مسجد از همان ابتدای تأسیس تنها يك عبادتگاه مسلمانان نبود بلکه محل اجتماع عمومی و نشانه وحدت امت نیز به شمار می رفت. چنانکه «جامع» نیز که به مسجد گفته می شود حکایت از همین اجتماع دارد و طبیعی است که در جایی که محل اجتماع مردم است صرفاً امور عبادی مطرح نیست بلکه همه شئون جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، قضایی، ارتباطی، تبلیغاتی و... نیز مطرح می شود و لذا مساجد به ویژه در صدر اسلام کارکردهای متعدد داشتند. اما در مسجد يك راز نهفته بود و آن اینکه گرچه مسجد کارکردهای متعدد داشت، ولی با این همه این مکان، مسجد و محل عبادت بود و این جوهره همه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... امت مسلمان در راستای عبودیت بندگان برای خداوند است. شاید این اقدام را باید نوعی حرکت نمادین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و بلکه اسلام تلقی کرد؛ اگر بپذیریم جوهره جامعه اسلامی «عبودیت» است، می توان گفت: همه چیز از مسجد می جوشد و در جامعه سرریان می یابد.

بدین ترتیب مسجد و تأسیس آن پاسخی بود به يك نیاز؛ نیاز جماعتی که تمدنی جدید را مبتنی بر بینش الهی پایه ریزی می کرد و طبیعی است که در این مسیر نیازمند نهادهای جدیدی باشد که با نگرش خاص او به عالم و هستی مناسبت داشته باشد.

بینشی که دنیا را مزرعه آخرت و آبادانی اخروی را در گرو آبادانی دنیا و سعادت جاودانی را در گرو حیات اجتماعی پاك و الهی می دانست. بینشی که سلوك فردی محض را مردود و سلامت جامعه در همه عرصه ها را ضامن سلامت فرد می شمرد. مسجد با کارکردهای متعدد و متنوعی که داشت بهترین و مناسبترین پاسخ به این نیاز بود.

تمدن اسلامی در واقع بستر حرکت پژوهشی ما را تشکیل می دهد. چرا که ما در این نوشتار به دنبال بررسی جایگاه مسجد در تمدن اسلامی هستیم، بنابراین این واژه مرکب نیز باید از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی لغوی واژه تمدن اسلامی

واژه تمدن اسلامی از آنجا که يك ترکیب است لذا مستقلاً در لغت نامه ها، دارای معنا نیست بلکه هر يك از این واژه ها جدای از یکدیگر دارای معنا می باشد. لذا ابتدا معنای لغوی تمدن را بررسی می کنیم، سپس ترکیب آن را به صورت تمدن اسلامی.

تمدن در لغت به معنای «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت، در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه، مجازاً تربیت و ادب»⁽¹⁾ می باشد.

کلمه اسلامی نیز که به تمدن اضافه می شود در واقع يك وصف است و این ترکیب وصفی است یعنی تمدنی که متصف به اسلام است و براساس آن شکل گرفته است و بینش حاکم بر آن و در واقع روح فرهنگ آن، محصول يك دین آسمانی به نام اسلام است.

ص: 19

1- - لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تمدن.

با توجه به وجود تعاریف متعدد از فرهنگ و تمدن باید يك تعريف نسبتاً کلی که تا حدودی جامع همه تعاریف دیگر باشد را مبنا قرار دهیم تا براساس آن بتوانیم تمدن اسلامی را نیز مورد بررسی قرار دهیم، آن تعريف کلی عبارت است از اینکه «تمدن وجه عملی و فیزیکی حیات بشری می باشد، در برابر فرهنگ که وجه نظری حیات بشری است.»

در بیان معنای اصطلاحی تمدن اسلامی نیز با تکیه بر تعريف فوق برای تمدن باید گفت که تمدن اسلامی عبارت از آن دسته نمودهای عینی و فیزیکی است که در تمدن بشری با پشتوانه فرهنگ اسلامی به وجود آمده و یا بعضاً تحولات گسترده ای که در برخی نهادها و نمودهای عینی جامعه بشری با این پشتوانه پدید آمده است. این يك معنای اصطلاحی کلی برای تمدن اسلامی است. لذا برای فهم دقیق تر آن اندکی این معنا را شرح می دهیم.

اسلام به عنوان دین خاتم در منطقه ای ظهور می کند که در آن سابقه رشد نهادهای فرهنگی و تمدنی اگر ساقط نباشد، بسیار محدود است. اصولاً اعراب تمایل زیادی به تمدن گریزی یا حتی تمدن ستیزی داشتند و این البته به علت حرّیت فردی بود که در میان عرب بسیار قوی بود و تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند این آزادی فردی را از دست بدهند که البته این مورد بحث ما نیست. روایات و قرائن تاریخی که از اوضاع عرب دوره جاهلیت در دست است به ویژه از نواحی مرکزی عربستان حاکی از يك نوع عقب افتادگی بسیار شدید است که انسان را شگفت زده می کند. باید توجه داشته باشیم که این در زمانی است که در نزدیکی جزیره العرب تمدنهایی مثل ایران و مصر و شامات و در فاصله ای دورتر

تمدنهای هند و یونان بعضاً در اوج شکوه و تلالؤ خود به سر می برند.

در يك چنین بستری پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) ظهور می کند و رسالت را با خواندن آغاز می کند و درست از همان نخستین لحظات بعثت تأسیس نهادهای فرهنگی و تمدنی در دستور کار رسالت پیامبر قرار می گیرد و پس از آن نیز آن حضرت با پشتوانه فرهنگ آسمانی اسلام به جدّ شروع به تأسیس نهادهای مختلف فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی می کند که همین نهادها پایه های اولیه تأسیس تمدن اسلامی را تشکیل می دهد.

شاید بهترین مثال از این نهادها مسجد باشد که با آنچه در تبیین مفهوم تمدن اسلامی گفته شد مناسبت کامل دارد. مسجد نهادی است که از بطن اسلام جوشیده است و کارکردهای متعددی نیز برای آن در نظر گرفته می شود. و البته مشابه مسجد موارد دیگری چون مفاهیم زکات و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را نیز می توان نام برد که همگی یا به وسیله اسلام تأسیس شده اند یا توسط اسلام اصلاح و متحول شده اند و با تکیه بر آنها می توان مفهوم تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار داد.

ص: 21

همانطور که اشاره شد بدون تردید درخشان‌ترین فراز حیات مسجد در طول تاریخ تمدن اسلامی متعلق به صدر اسلام است و در این دوره است که مسجد همه کارکردهای خود را بالفعل دارا می‌باشد و در جایگاه واقعی خود در جامعه اسلامی قرار دارد.

بدیهی است که اگر قرار است جایگاه مسجد در تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم ابتدا باید به سرچشمه مراجعه کنیم و جایگاه مسجد در صدر اسلام را بشناسیم تا در دوره‌های بعدی فراز و نشیب‌های گوناگون این نهاد را با معیاری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. لذا در این فصل ضمن بررسی جایگاه مسجد در قرآن و سنت، نگاهی به چگونگی تأسیس و تثبیت این نهاد در جامعه مدینه انداخته و سپس تسری این سنت در سراسر جهان اسلام در دوره فتوحات را بیان نموده ایم.

قرآن و سنت به عنوان دو منبع اصلی و قطعی نزد همه مسلمین و همه پیروان مذاهب اسلامی مورد قبول است. و اساساً محتوای اسلام و پیام آسمانی این دین مقدس را از این دو منبع استخراج می نمایند. گرچه منابع دیگری نیز برای استخراج این محتوا مدنظر است، اما هیچ یک از آنها مانند قرآن و سنت از اجماع کامل در نزد عموم مذاهب اسلامی برخوردار نیستند.

لذا مناسب است که در آغاز بحث درباره مسجد در صدر اسلام نگاهی داشته باشیم به موقعیت و رتبه این نهاد مقدس دینی در آیات الهی و روایات تا با در نظر داشتن این موقعیت ممتاز بحث را ادامه دهیم.

مسجد در آیات الهی

«فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال»⁽¹⁾

«در خانه هایی (مانند مساجد) خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند.»

مسجد جایگاهی است که خداوند آن را رفیع گردانیده است؛ تا به آن اندازه که صبح و شام در آن تسبیح و تنزیه ذات اقدس او را می کنند و آن جایگاهی را که خداوند رفیع کرده است، چه کسی می تواند تضعیف کند و رفعت آن را چه کسی می تواند توصیف نماید.

ص: 26

«و انّ المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً»(1)

«و مساجد مخصوص و از آن خداست پس نباید با خدا احدی را غیر او پرستش کنید.»

در این آیه شریفه خداوند خاطر نشان می سازد که مسجد متعلق به خداست و مفهوم این آیه با رجوع به روایاتی که در ادامه این نوشتار می آید و در آن تصریح می کند که مساجد خانه های خدا در روی زمین است بهتر فهمیده می شود.

بدین ترتیب صاحب اصلی مساجد خداوند است که در آنجا میزبان بندگان مؤمنی است که برای عبادت او به مسجد می آیند و طبیعی است که چنین خانه هایی باید بزرگترین پایگاه توحید و یگانه پرستی در جامعه اسلامی باشند. پایگاههایی که در آن هر روز چندین نوبت به یگانگی خداوند و اصل توحید به عنوان مبنایی ترین رکن دین اسلام شهادت داده می شود تا تذکارتی باشد دائمی برای مؤمنین و بدین وسیله جامعه اسلامی همواره از پلیدی شرك مصون بماند.

«و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین...»(2)

«و در هر مسجد و در هر عبادت روی به حضرت او آرید و او را از سر اخلاص بخوانید.»

در همه مساجد تنها يك جهت معروف و شناخته شده است و آن جهت قبله است؛ یعنی سمتی که رو به سوی بیت الله، خانه کعبه و حرم امن الهی دارد. و همه مؤمنین نیز در مسجد به هنگام به جا آوردن آداب دینی و عبادی موظفند به همان سمت بایستند و وجوه خود را از هر سمت و جهتی به آن سو بگردانند و

ص: 27

1 -- جن / 18

2 -- اعراف / 29

خالصانه خداوند را بخوانند و بر بندگی خود در برابر او تأکید نمایند و این یعنی اینکه جهت گیری عمومی مؤمنین و مسلمین، توحیدی است و در مسجد که پایگاه توحید جامعه است آن محسوس تر و بارزتر است. مؤمنین با این جهت گیری مشترك و با انجام دادن يك رفتار مشترك بر اتحاد و یگانگی جامعه اسلامی و امت مسلمان نیز صحّه می گذارند.

تصور اینکه هر روز صدها میلیون انسان مسلمان در سراسر جهان در مساجد جمع می شوند و همه به يك سو می ایستند و يك عمل را انجام می دهند بسی دشوار و در عین حال شکوهمند است. در واقع مساجد علاوه بر اینکه پایگاه توحیدند، پایگاه نمایش روزانه مفهوم امت واحده نیز هستند.

«یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد...»⁽¹⁾

«ای فرزندان آدم زینت‌های خود را به هنگام حضور در مسجد و در هر عبادت به خود برگزید...»

وقتی میزبان خداست که خود زیبا است و دوستدار زیبایی، شایسته است که میهمانان نیز در خانه خدا پاکیزه و آراسته حضور یابند و بدین طریق خانه و صاحبخانه را تکریم نمایند.

روایات و احادیث متعدد درباره پوشیدن بهترین لباسها و استعمال عطر و حضور پاکیزه و آراسته در مساجد وارد شده است که در بخش بعدی به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

«أتمم یممر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة

ص: 28

و لم یخس الا الله فعسی اولئک ان یکونوا من المہتدین»(1)

«منحصراً آباد کردن و تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند. آنها امیدوار باشند که از هدایت یافتگان هستند.»

طبیعی است همانطور که مؤمنین باید پاکیزه و آراسته باشند، مساجد خداوند نیز باید پاکیزه و آباد و معمور باشد.

البته باید توجه داشت که آبادانی و ساختن مساجد به تصریح قرآن کریم منحصراً باید توسط صالحین و مؤمنین راستین که فرمانبرداران واقعی خداوند هستند صورت گیرد تا انفاس پاک آنان موجب رونق و آبادی معنوی مساجد نیز بشود و اثری از ریا و تظاهر و شرک و نفاق در آن باقی نماند. به همین منظور خداوند در آیه دیگری مشرکین و آنانکه ایمان واقعی ندارند را از تعمیر و ساخت مساجد منع می کند و اعمال آن ها را بیهوده و نابود توصیف می نماید.

«ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد اللہ شاهدین علی انفسهم بالکفر اولئک حبطت اعمالهم و فی النارهم خالدون»(2)

«مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتی که به کفر خود شهادت می دهند. خدا اعمالشان را نابود خواهد گردانید و در آتش دوزخ آنها جاوید معذب خواهند بود.»

«و من اظلم ممن منع مساجد اللہ ان یذکر فیها اسمہ و سعی فی خرابها اولئک ماکان لهم ان یدخلوها الا خائفین لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الآخرة

ص: 29

1-- توبه / 18

2-- توبه / 17

«و کیست ستمکارتر از آن که مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید، چنین گروهی در مساجد مسلمین در نیابند جز آنکه بر خود ترسان باشند، این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذابی بسیار سخت.»

این آیه در حکم انذارى دائمى برای همگان است که مبادا با منع مردم از مساجد و تخریب خانه های خدا در ردیف ستمکارترین و خوارترین مردم قرار گیرند. به عبارت دیگر این آیه به مانند حفاظی دائمی در طول تاریخ اسلام بوده است. و باعث مصونیت مساجد از تعدی افراد مختلف شده است. گر چه کسانی که ایمانی نداشته و یا کافر بوده اند از این مسأله مستثنی بوده اند و به عذاب عملکرد خود گرفتار شده و خواهند شد.

«... ولولادفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا»(2)

«اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه ها و دیروکنشها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران می شد.»

در این آیه شریفه یکی از فلسفه های تشریح جهاد در راه خدا که همانا حفاظت مساجد از ویرانی و پایداری ذکر و تسبیح خداوند در جامعه است بیان می شود. و مسلمین بدین طریق موظف می شوند که در راه خدا با ستمکارترین

ص: 30

مردم که به تخریب مساجد و مقابله با مظاهر دین می پردازند جهاد کنند و این گونه دین خدا را یاری کنند که یقیناً یاری خواهند شد.

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلِ وَلِيحْلِفَنَّ أَنْ أَرْدْنَا إِلَى الْحَسَنِيِّ وَاللَّهِ يَشْهَدُ أَنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...» (1)

«آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان اسلام برپا کردند (که خلق به مسجد پیغمبر و نماز او حاضر نشوند) و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسمهای مؤکد یاد می کنند که در بنای این مسجد ما جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم خدا گواهی می دهد که محققاً دروغ می گویند و تو ای رسول ما هرگز در مسجد آنها قدم مگذار...»

این آیه درباره مسجد ضرار نازل شده است و مهمترین نکته ای که از این آیه استفاده می شود این است که اساساً مسجد دارای تقدس ذاتی نیست بلکه تقدس آن در صورتی است که پایگاه توحید و در خدمت اهداف دین و محل ذکر و یاد خدا و عبادت بندگان مؤمن خدا باشد. وگرنه اگر به جای اینها در خدمت تفرقه و نفاق باشد و برای تضعیف جامعه اسلامی و رخنه در صفوف امت مسلمان تأسیس شده باشد نه تنها تقدسی ندارد بلکه همچون بتکده باید نابود شود و از بین برود. همانطور که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین کرد و مسجد ضرار را به آتش کشید.

اما درباره مسجد ضرار و ماجرای تاریخی آن با توجه به اینکه در این نوشتار

ص: 31

درباره این مسجد چیزی نیامده است، لازم است در اینجا به صورت خلاصه اشاره ای به این واقعه تاریخی بنماییم. (1)

جمعی از منافقین مدینه در فاصله ای دورتر از مسجد پیامبر اقدام به ساختن مسجدی کردند که هدف اصلی آنها به تصریح قرآن کریم، ایجاد تفرقه و جلوگیری از حضور مسلمین در صفوف نماز جماعت مسجد النبی بود. این جمع پس از ساخته شدن مسجد به نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آمدند و از ایشان خواستند که برای افتتاح مسجد در آن نماز بگزارد و هدف آنها این بود که با این اقدام به عملکرد خود مشروعیت داده باشند و اعتبار لازم را در نزد مسلمین از این رهگذر به دست آورند. اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که آماده سفر برای غزوه تبوک بودند این کار را به پس از بازگشت از این غزوه موکول فرمودند. در سفر بازگشت نیز این آیات بر پیامبر نازل شد و خداوند بدین وسیله پیامبر و مسلمین را از نیت منافقین آگاه نمود. پیامبر نیز دو نفر از اصحاب خود را فرستادند تا مسجد را تخریب نموده و به آتش کشیدند و این روایات تاریخی عبرتی شد برای مسلمین که به هرکاری که با ظاهر دینی انجام می شود اطمینان نکنند و مراقب نفوذ منافقین در صفوف خود باشند.

«... لمسجد اسس علی التَّقوی من اَوَّل یوم احقَّ ان تقوم فیه، فیه رجال یحبُّون ان یتطهَّروا واللہ یجبّ المطهَّرين.» (2)

«... همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه تقوی محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر اینکه در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق

ص: 32

1- - برای مطالعه بیشتر بنگرید به سیره ابن هشام، ج 2، ص 334.

2- - توبه / 108

تهذیب نفوس خودند درآیند و خدا مردان پاك مهذب را دوست می دارد.»

این آیه شریفه نیز که بر ضرورت اساس تقوا برای مساجد تأکید دارد به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا نازل شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در نخستین روزهای ورود به مدینه آن را تاسیس نمودند؛ البته برخی نیز معتقدند که این آیه درباره مسجد النبی است که هر يك صحیح باشد در اساس تقوای آنها تفاوتی نمی کند.

به این ترتیب با بررسی آیاتی چند از قرآن مجید به عظمت جایگاه مسجد در کلام وحی پی بردیم. و اکنون جایگاه این نهاد مقدس را در احادیث و روایات مورد بررسی قرار می دهیم.

مسجد در احادیث و روایات

در جوامع روایی شیعه و سنی به حدی حدیث و روایات در عظمت جایگاه مسجد و همچنین فضیلت نماز و عبادت در مساجد و تکریم اهل مسجد وارد شده است که بایستی دست به گزینش زد و اخباری را بیان نمود تا به صورت اجمال نسبت به جایگاه مسجد در سنت آگاهی پیدا کرد.

باید توجه داشت که این سخنان و احادیث از زبان کسانی نقل می شود که مسلمین در طول تاریخ به نام سنت همه تلاش خود را در تأسی به رهنمودهای آنها نموده اند و همواره به عنوان پیشوایان خود به آنها اقتدا کرده اند، بنا بر این

کاملاً طبیعی است که این تکریم و تعظیم بازتاب گسترده ای در میان مسلمین داشته و آنها را به توجه همه جانبه و حضور پیوسته در مساجد در طول تاریخ واداشته است.

در این بخش بیشتر به نقل احادیث و روایات اکتفا شده و کمتر توضیح و تفسیر داده شده چرا که احادیث خود گویاترین و رساترین بیان را دارا می باشند.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «دنیا مسجد محبان خداست و نماز گاه فرشتگان او»⁽¹⁾

در تکریم و احترام خاصی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برای مسجد قائل بوده اند چنین نقل شده است که: «رسم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بود که هرگاه از سفری برمی گشت ابتدا به مسجد می رفت و دو رکعت نماز می خواند. سپس در آنجا می نشست و مردم به دیدنش می آمدند.»⁽²⁾

جناب شیخ صدوق (ره) در کتاب شریف «من لایحضره الفقیه» چنین روایت می کند: «که در تورات ثبت و مقرر گردیده، به راستی خانه های من در روی زمین همان مساجد است، هلا فرخنده باد آن بنده ای که در سرای خویش وضو سازد و مرا در خانه ام زیارت کند. البته که گرامیداشت میهمان بر صاحبخانه لازم و فرض است. هلا آنان را که در تاریکیهای شب گام برداشتن به سوی مساجد را پیشه ساخته اند. بشارت ده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.»⁽³⁾

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «خداوند تبارک و تعالی فرموده است: که همانا مساجد خانه های من در زمین است. می درخشند برای اهل آسمان همانطور که

ص: 34

1- - سیدرضی، نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی، 1378، ص 384، کلمه قصار 131.

2- - ابن هشام، سیره النبویه، ج 2، سید هاشم رسولی، تهران، کتابچی، 1375، ص 337.

3- - شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 1، محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق، 1367، ص 359.

ستارگان برای اهل زمین می درخشند.»(1) و نیز فرمود: «در دنیا همچون میهمانان باشید و مساجد را خانه های خود گیرید.»(2)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «نشستن در مسجد در نزد من بهتر است از نشستن در بهشت، چرا که در نشستن در بهشت خشنودی من است و در نشستن در مسجد رضایت پروردگارم.»(3)

در بحار روایت شده است که: «ابو بصیر گفت: از امام صادق (علیه السلام) از علت تعظیم مساجد پرسیدم، پس فرمود: همانا امر به تعظیم مساجد برای این است که مساجد خانه های خدا در زمین است.»(4)

و نیز امام علی (علیه السلام) می فرماید: «هر کس مسجدی را بزرگداشت و احترام کرد در روز قیامت پروردگار را خندان و شادان ملاقات می کند و نامه عملش به دست راستش داده می شود.»(5)

در باب تحیت و احترام مسجد به هنگام ورود احکام و روایات فراوانی وارد شده است که در برخی از آنها از «حق» مسجد بر مؤمنین سخن به میان آمده است که از آن جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: (به هنگام ورود به مسجد) حق مساجد را بدهید که آن دو رکعت نماز است قبل از اینکه بنشینید.»(6) و یا «هنگامی که یکی از شما وارد مسجد می شود نشیند تا اینکه دو رکعت نماز به جا

ص: 35

1- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 84، بی جا: المكتبة الاسلامية، 1376، ص 14.

2- همان، ج 83، ص 351.

3- شیخ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج 5، قم: موسسه آل البيت، 1409 ه ق، ص 199.

4- بحار الانوار، ج 84، ص 6.

5- همان، ج 84، ص 16.

6- علامه متقی هندی، کنز العمال، ج 7، بیروت، موسسه الرساله، 1413 ه ق، ص 657.

درباره فضائل اهل مسجد و ثوابی که نصیب آنها می شود نیز احادیث فراوانی وجود دارد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس پیاده به سوی مسجدها گام بردارد، یا رو به مسجد رود، پاهای خود را بر هیچ تر و خشکی نگذارد، مگر اینکه برای او تسبیح خداوند گویند (یا تسبیح گویند و ثواب آن را در نامه عمل او نویسند) تا طبقه هفتم زمین. (2)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمود: «هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز به طرف مساجد روان باشد یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برادری که در راه خدا مورد استفاده او باشد. یا طرفه دانشی که از زبده های علم باشد، یا نشانه محکمی که در راه حق او را استوار سازد، یا رحمتی از طرف حق که در انتظار او بوده، یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد، یا شنیدن جمله ای که او را به راه خیر و نجات راهنمایی کند، یا گناهی را از ترس خدا ترك نماید، و یا آنکه از سر شرم و حیا گناهی را ترك کند.» (3)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هفت فرد را خداوند در سایه خود قرار می دهد روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست. امام عادل و جوانی که در عبادت خدا رشد کند و بزرگ شود و مردی که قلبش وابسته به مسجد است هنگامی که از آن خارج می شود تا اینکه بدان باز گردد...» (4)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «برای همسایه مسجد نمازی نیست مگر در

ص: 36

1-- همان.

2-- من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 352.

3-- همان، ج 1، ص 357.

4-- وسائل الشیعة، ج 5، ص 199.

مسجد، جز آنکه برای او عذر و علتی باشد، پس گفتند یا امیرالمؤمنین همسایه مسجد کیست؟ فرمود: هر کس که صدای منادی را بشنود.»(1)

و نیز رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هر گاه مردی را دیدید که عادت به حضور در مساجد دارد برای او به ایمان شهادت دهید.»(2)

و درباره آبادانی و ساختن و نیز پاکیزه کردن مساجد نیز روایاتی موجود است که از آن جمله:

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «هر که مسجدی بسازد اگر چه به اندازه لانه قطة(3)، خداوند عز و جل برایش در بهشت خانه ای می سازد.»(4)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: «هر بنایی و بال صاحبش، در روز قیامت خواهد بود جز مسجد.»(5)

و نیز فرمود: «هر که در مسجدی از مساجد خداوند متعال چراغی افروزد، تا وقتی روشنایی آن چراغ در آن مسجد باقیست، فرشتگان و حاملان عرش الهی برای او طلب آمرزش کنند.»(6)

و در باب پاکیزگی مسجد فرمود: «هر کس روز پنجشنبه و شب جمعه مسجد را برود و به اندازه سرمه ای که در چشم کنند از زباله آنجا بیرون برد خداوند تعالی او

را بیامرزد.»(7) و «مساجدتان را از ناپاکی و آلودگی حفظ کنید.»(8)

و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: «سه چیز به خداوند متعال شکایت

ص: 37

1- بحار الانوار، ج 83، ص 379 _ 380.

2- کنز العمال، ج 7، ص 652.

3- پرندۀ ای به اندازه کبوتر، کنایه از کوچکی.

4- من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 354.

5- کنز العمال، ج 7، ص 648.

6- من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 358.

7- همان، ج 1، ص 352.

8- وسائل الشیعة، ج 5، ص 229.

می‌کنند: مسجد خرابی که اهل (و همسایگانش) در آن نماز به پا نمی‌دارند، و عالمی که در میان جهّال است و قرآنی که (در گوشه‌ای قرار دارد) و غبار بر آن نشسته است و آن را نمی‌خوانند.»⁽¹⁾

اینها تنها گوشه‌ای از روایاتی است که در منابع روایی مذاهب اسلامی درباره فضیلت و عظمت جایگاه مسجد آمده است و اکنون با مشاهده این جایگاه می‌توان درک کرد که چرا مساجد این نهادهای مقدس جامعه اسلامی، در طول قرنهای متمادی همچنان اعتبار و ارزش خود را در میان مسلمین حفظ کرده است و چون نمادی استوار برای تمدن اسلامی دوشادوش تاریخ این تمدن حرکت کرده و به زمان ما رسیده است و یقیناً پس از این نیز چنین خواهد بود.

مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از هجرت و ورود به شهر مدینه در نخستین گام در راستای تحقق حاکمیت خویش اقدام به تأسیس يك نهاد اجتماعی دینی نمود که «مسجد» نام داشت. گرچه نهاد «نماز جمعه» پیش از ساختن مسجد النبی پایه‌گذاری شد، اما اگر مبنا را ورود به حدود مدینه قرار دهیم باز هم ساخت مسجد قبا بر نماز جمعه مقدم است. با توجه به چنین تقدمی که مسجد در نظام نوین مدینه دارا است جای این پرسش وجود دارد که چرا مسجد نخستین نهاد این نظام بود؟

در پاسخ به این سؤال باید مباحثی چند را طرح کرد تا به اهمیت و ضرورت

ص: 38

تقدم تأسیس مسجد بر هر نهاد دیگری پی برد.

با سپری شدن دوران دعوت در مکه و وقوع هجرت به مدینه فراز جدیدی از رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آغاز می شود که در آن جهت گیری اصلی، بنیانگذاری يك نظام حاکمیت مبتنی بر تعالیم اسلام است. این جهت گیری که اولین نشانه های بارز آن را در جریان بیعت عقبه ثانیه (1) و مفاد این بیعت می توان یافت، حاکی از آغاز حرکتی بی سابقه در محیط جزیره العرب یعنی ایجاد دولت و حکومت متمرکز بود.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد نواحی مرکزی جزیره العرب دچار عقب افتادگی تمدنی بسیار شدیدی بود که آن نیز از مدنیت گریزی و بلکه مدنیت ستیزی اعراب ناشی می شد. در چنین محیطی در طول تاریخ پیش از اسلام اثری از تشکیل يك حکومت و دولت مرکزی که اعراب از آن تمکین کنند مشاهده نمی شود. و جامعه شکسته عربی تنها شاهد نظام از هم گسیخته و غیر متمرکز قبیلگی در این نواحی است. با این وصف تجربه دولت مدینه نخستین تجربه در نوع خود در مرکز جزیره العرب محسوب می شود.

درباره اینکه چطور مردم یثرب آماده پذیرش چنین حاکمیتی شدند و چه عواملی آنها را به این سو سوق داد که حاکمیت پیامبر و بلکه پیش از پیامبر، ایجاد يك نظام سلطنتی در محیط یثرب را بپذیرند و از آن استقبال کنند، تحلیل‌های فراوانی وجود دارد که بحث درباره آنها در این مجال نمی گنجد.

آنچه که مهم است این است که تشکیل دولت نیازمند ابزارها و نهادها و

ص: 39

سازماندهی اجتماعی است که در درون آنها روابط اجتماعی مردم و سامانه اقتصادی و سیاسی جامعه تبیین و در قالب این سامانه احکام دین یا شریعت اسلامی جاری شود، حال که چنین نظامی بی سابقه است پیامبر باید از چه الگویی پیروی کند، آیا از نظامهای حکومتی امپراطوریهای روم و ایران تبعیت کند، یا اینکه نه در فاصله ای نزدیکتر به تقلید از نظام پادشاهی نجاشی عادل پردازد؟ اما پیامبر پاسخ منفی به این سؤال را خود در اعتراض به یکی از اصحاب که از ایشان خواسته بود کمی وضعیت زندگی خود را بهتر کنند داده بودند آنجا که فرمودند: «آیا پنداشته ای که این امارت و سلطنت است و نمی دانی آنچه من دارم نبوت است؟»

بدین ترتیب امکان تقلید از آنها منتفی بود گر چه باب اقتباس و استفاده از تجارب مفید آنان هرگز بسته تلقی نمی شد. بنا بر این پیامبر باید الگوی جدیدی از حاکمیت و روابط حکومت شونده و حکومت کننده را ارائه می کرد، که این الگو هم با شرایط خاص اعراب جزیره العرب تناسب داشت و هم با جهانشمولی دعوت پیامبر اسلام و جهت گیری جهانی این دین آسمانی.

این الگو که پیامبر با تکیه بر وحی آن را ارائه نمود بر دو رویکرد و نگرش خاص اسلام به حیات اجتماعی و مسؤولیت و نقش مردم در حاکمیت مبتنی بود.

نگرش پیامبر به حیات اجتماعی نشأت گرفته از تفسیر عمومی انبیاء الهی و ادیان توحیدی از این حیات است. نگرشی که حیات اجتماعی را نه تنها منفک از حیات فردی نمی داند، بلکه کمال و سعادت فرد را در گرو سعادت و سلامت جامعه تعریف می کند. در این نگرش افراد جامعه به همان اندازه که در قبال سرنوشت و سعادت خود مسؤولند، درباره سرنوشت کلی جامعه نیز مسؤولیت دارند. با این

رویکرد دیگر تحصیل صرف کمال فردی نه تنها مطلوب نیست بلکه تلاشهای ریاضت گرایانه در این مسیر نیز مطرود و مذموم است. کمال انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است و هر يك بدون دیگری ناقص و یا اساساً ناممکن خواهد بود. بلکه کمال و تحقق آن، در بستر حیات فعال اجتماعی و گذر از درون مناسبات همه جانبه اجتماعی ممکن می شود.

بدین ترتیب: «تفسیر کمال بشری بر بنیاد ضرورت تکاپوی فعال اجتماعی، طبعاً و جوب تلاش برای تأسیس نظام مطلوب اجتماعی را به عنوان بستر، زمینه و شالوده کمال فردی به دنبال می آورد. به همین دلیل، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از همان آغاز دوره مدنی، دوره ای که به عکس عصر مکی سرزمین، قدرت، امت و قانون در آن مجتمع و مهیا بود، در قالب وحی و رسالت الهی به تأسیس نظام اسلامی پرداخت و در طول حیات خود در این دوره همه تلاشها را بر آن محور متمرکز ساخت.»⁽¹⁾

با عنایت به این مبانی و شالوده های نظری نسبت به وجود انسان و غایت حیات فردی و اجتماعی او در آیین اسلام، می توان این نتیجه را گرفت که تمامی سامانه ها و نهادهایی که در نظام حاکمیت مدینه به کار گرفته می شد باید مناسبت تام با این مبانی می داشت و نهادها باید تأمین کننده این نگرش خاص از حضور فعال مؤمنین در بستر جامعه در راستای کمال می بود.

اما رویکرد دیگر عبارت از نوع نگرش خاص پیامبر و اسلام به شیوه حاکمیت و نوع تعامل میان حاکم و مردم و در يك کلام نقش مردم در حاکمیت بود.

ص: 41

مردمی که در عرصه حیات اجتماعی آنچنان که اشاره شد مسؤول و حاضر بودند، به طریق اولی در بحث حاکمیت نیز نقش ایفا می کردند. حکومت اسلامی مدینه متفاوت از حکومت‌های رایج آن روز شرق و غرب جهان بود. روابط در این حکومت دوطرفه بود و نه یک طرفه. و طرفین در برابر هم مسؤولیت داشتند، نه اینکه یک طرف حق محض باشد و طرف دیگر تکلیف محض آنچنان که در دستگاه حاکمه امپراطوریهای کسری و قیصر رایج بود.

«درست است که بنیاد فلسفه سیاسی و اساس حاکمیت پیامبر را جایگاه نبوی او تشکیل می داد و مشروعیت او در نخستین شالوده و اصلی ترین آن برحق حاکمیت الهی استوار بود، اما به گمان ما خطاست که شباهت صوری این فلسفه سیاسی یا تنوکراسیهای شناخته شده در تاریخ فلسفه سیاسی را به معنی همسویی و هم معنایی آنها بدانیم.»⁽¹⁾

تفاوت اصلی در این زمینه را باید در سه حوزه اصلی جستجو کرد که عبارتند از: 1) پذیرش اعمال حاکمیت از سوی مردم 2) ویژگیهای حاکم 3) روش اعمال حاکمیت.

1) در باب پذیرش اعمال حاکمیت از سوی مردم باید متذکر شد که گر چه همانطور که اشاره شد حق حاکمیت پیامبر یک حق الهی و ناشی از جایگاه نبوی وی می باشد؛ اما به فعلیت درآمدن این حق حاکمیت تنها با پذیرش مردم میسر است به عبارت دیگر؛ اصل بیعت ارادی آن هم بر بنیاد میثاق روشن و محتوای قرآن آشکار از پیوند دو سویه روابط حاکمیت و ملت در حکومت مدینه خبر

ص: 42

بنا بر این باید اذعان کرد که پایه مشروعیت اعمال حاکمیت پیامبر، رأی و پذیرش مردم بود. در اینجا برای اینکه از بحث اصلی خود دور نشویم به همین مقدار بسنده می کنیم و تنها اشاره می نماییم که در سیره نبوی نیز این مقوله آشکار است. در مکه که خواست مردم در جهت تحقق این حاکمیت نیست اثری از تلاش پیامبر برای تحقق حکومت اسلامی مشاهده نمی شود و حتی رنگ و بوی آیات مکی نیز بیشتر رنگ بوی عقیدتی، اخلاقی و تبلیغی است. اما به عکس در مدینه از همان نخستین روزها و حتی پیش از هجرت در روش پیامبر نوعی جهت گیری حکومتی مشاهده می شود و آیات مدنی نیز بیشتر جنبه حقوقی، تکلیفی و اجتماعی یافته اند. چرا که اهل مدینه برای پذیرش حاکمیت پیامبر اعلام آمادگی کرده بودند.

(2) پیامبر به عنوان حاکم در مدینه به حکومت رویکردی در جهت اعمال حاکمیت شخصی خود ندارد. «پیامبر در مدینه شالوده قدرت، حکومت و اعمال حاکمیت را ناشی از خداوند می داند. ولی نه به عنوان عطیه ای برای اعمال اراده شخصی خود. چنانکه پیامبر در سیره سیاسی خود نشان می دهد، این حکومت برای اعمال و تحقق حقوق معین الهی در جامعه و میان امت است نه حقی خاص برای خود او در راستای خواسته های شخصی وی. به عبارت دیگر حاکمیت الهی پیامبر برای تحقق قانون الهی است. قانونی که مردم آن را به عنوان میثاق ملت و دولت با اراده خود پذیرفته اند.» (2)

ص: 43

1-- همان.

2-- همان، ص 330.

با این اوصاف شاید بهتر باشد از لفظ حاکم استفاده نکنیم _ چرا که پیامبر حکمرانی نمی کرد بلکه احکام الهی را در جامعه پیاده می کرد _ بلکه از واژه دیگری استفاده نماییم و آن واژه «امام» است. پیامبر جامعه را امامت می کرد و این نوع از حاکمیت با قانون یا زور و در جهت حفظ نظم و آرامش جامعه نبود، بلکه پیشوایی مردم بود با محبت و عشق در جهت «هدایت» و نیل به «سعادت». رابطه پیامبر به عنوان «امام» با مردم به عنوان «امت» در بررسی سیره آن حضرت در مدینه گواهی است بر صدق سخن ما.

پیامبر در رفتار و سلوک سیاسی خود نه برای خود و خانواده اش امتیازی قائل بود و نه میان خود و مردم تفاوتی قائل می شد. در اجرای همه احکام خود پیشقدم بود و دستورات را ابتدا از خود آغاز می کرد تا در عین حال نمونه و اسوه عملی جامعه نیز باشد. با مردم نشست و برخاست می کرد و هرگز خود را جدا از آنها نمی دید و در يك کلام مانند بندگان می نشست و مانند بندگان غذا می خورد و مانند بندگان زندگی می کرد و تا از این جهان رحلت فرمود چنین بود.

3) روش اعمال حاکمیت پیامبر نیز روشی کاملاً متفاوت و جدید در جهان آن روز بود. در این روش نقش مردم تنها به تشکیل حکومت و مشروعیت بخشیدن به اعمال حاکمیت محدود نمی شد. بلکه این نقش با تشکیل حکومت تازه آغاز می گردید و هر لحظه جدی تر می گشت.

پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) با تأسیس نهادهای متعدد روز به روز در جهت تقویت این نقش برآمد و انجام وظایف اجتماعی و سیاسی برای مردم را نه فقط يك حق شهروندی بلکه يك تکلیف الهی می شمرد. به طوری که سرباززندگان از این مسؤولیت مورد مؤاخذه قرار می گرفتند. نهادهایی مانند مسجد که در ادامه

بیشتر درباره آن توضیح داده خواهد شد و زکات و جهاد و نماز جمعه و مهمتر از همه امر به معروف و نهی از منکر از این جمله اند. امر به معروف و نهی از منکر که با پشتوانه يك حق برای مؤمنین واجب شده بود، عالیترین سطح مشارکت اجتماعی در جهت نظارت عمومی و همه جانبه مردم در همه سطوح و ارکان جامعه از صدر تا ذیل را موجب شده بود و آن حق، مسأله «ولایت مؤمنین بر مؤمنین» بود.

بدین ترتیب مشاهده می شود که روش اعمال حاکمیت پیامبر نیز که دقیقاً مبتنی بر حضور و مسؤولیت مداوم مردم بود، روشی کاملاً متفاوت و بلکه متضاد با الگوهای رایج در آن روز یا امروز جهان بوده و هست.

اکنون که تا حدودی با دو نوع نگرش خاص به «حیات اجتماعی» و «رابطه مردم و حاکمیت» در الگوی حاکمیت پیامبر در مدینه آشنا شدیم مناسب است بار دیگر به سؤالی که در آغاز این بخش مطرح نمودیم بازگردیم و به آن پاسخ دهیم و آن اینکه، چرا مسجد نخستین نهاد نظام حکومتی پیامبر در مدینه بود؟

در پاسخ به این سؤال باید اذعان نمود که چنان رویکردی به حیات اجتماعی و رابطه مردم و حاکمیت مستلزم این است که نهادهای این نظام نیز در تناسب با این رویکردها باشند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در نخستین گام برای تثبیت حاکمیت خود نیاز به يك مقر حاکمیت و پایگاه فرماندهی دارد. پایگاهی که مردم آنجا را به عنوان مرکز روحی، فکری و سیاسی خود بشناسند. با توجه به نگرشهای مزبور آن مرکز نمی توانست کاخ و قصر و دارالاماره باشد. آن مرکز نمی توانست ایوان مدائن یا شهر ممنوعه و یا تخت جمشید باشد، آن مرکز حتی نمی توانست مجلس سنا که در ظاهر رنگی از مشارکت مردمی؛ مردمی که نه مشارکت اعیان و اشراف را

داشته، باشد. بلکه این مرکز باید پایگاهی می بود که در آن حاکم و حکومت شونده یکجا حاضر باشند و هر روز یکدیگر را ملاقات نمایند. حاکم در همانجا حکم کند و حکومت شونده همانجا اعتراض و استیضاح کند. حاکم و حکومت شونده همانجا با هم مشورت نمایند و با توجه به جهت گیری الهی این حکومت عبادات اجتماعی به امامت پیشوای جامعه نیز باید در همین مکان صورت گیرد. ابلاغ و تعلیم احکام الهی نیز در همین مکان به عنوان مقر حاکمیت دینی باید انجام شود و...

با توجه به این کارکردهای متعدد اساساً کدام نهاد بهتر و مناسبتر از مسجد را می توان نام برد. مسجد در عین اینکه معبد و جایگاه عبادت مسلمین بود همه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، تبلیغی، ارتباطی و... را داشت. به عبارت دیگر مسجد النبی «از همان بدو تأسیس نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مسلمانان برای ادای فرائض دینی مورد استفاده بود، بلکه نخستین کانون فعالیتهای علمی، سیاسی و اجتماعی نهضت جهانی اسلام نیز به شمار می رفت. در واقع پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این مسجد بنیانگذاری شد و اصول و مبانی دین مبین اسلام از این پایگاه مقدس به مردم جهان عرضه شد.»⁽¹⁾

به عبارت دیگر مسجد الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) برای جامعه اسلامی نوپا در حکم مسجد جامعی بود که ضمن آنکه در آن نمازهای جماعت و دیگر آداب دینی برگزار می شد پیامبر و اصحابش در آن گرد هم می آمدند. هر که می خواست پیامبر

ص: 46

1- عباسعلی فراهی «فعالیت مساجد در عصر پیامبر» دو ماهنامه مسجد، ش 39، محمد رضا امیری تهرانی، تهران: مرکز رسیدگی به امور مساجد، مرداد و شهریور 77، ص 52.

را در آنجا ملاقات می کرد و پیامبر هر آنچه که می خواست به شخصه یا به وسیله یکی از صحابه به امتش ابلاغ می نمود و بدین ترتیب مسجد النبی مرکز روحی، فکری و سیاسی امت و رمز وحدت آنان بود.⁽¹⁾

با این وصف «مسجد النبی باعث ایجاد عنصر مادی، امت اسلامی و مکانی برای تجمع و دیدار مسلمانان شد. و لذا مکملی برای عنصر قانونی و شرعی تشکیل امت گردید.»⁽²⁾

اکنون می توان ادعا کرد که ضروری ترین نهاد در جامعه مدینه «مسجد» بود که پیامبر به درستی آن را به عنوان نخستین نهاد در جامعه مدینه تأسیس نمود و بدین ترتیب با تشکیل حکومت اسلامی، پیامبر ادبیات سیاسی جدیدی را پایه گذاری کرد؛ ادبیات سیاسی که در آن حکومت کننده «امام» و حکومت شونده «امت» و مقر حاکمیت «مسجد» بود.

مسجد نماد اسلامی شدن شهرها در فتوحات

اکنون که دریافتیم که مسجد نخستین نهاد شهر مدینه بود لازم است به این نکته نیز اشاره نماییم که این نقش برای مسجد در تمامی دوران فتوحات حفظ شد و فاتحان مسلمان همواره به این سنت پیامبر تأسی می نمودند. هر کجا شهری بنا می کردند اولین بنای آن که نماد اسلامی بودن شهر محسوب می شد ساختن يك مسجد بود، آن هم در میانه شهر. آنچنانکه در بصره و کوفه چنین شد. مسلمین پس از پیروزی بر سپاه ایران در قادسیه، بصره و کوفه را از این جهت

ص: 47

1- - پیدایی مساجد، ص 81.

2- - همان.

که برای اقامت سپاهیان اردوگاه مناسبی بود ساختند. در زمان خلافت عمر به سال 16 هجری عتبه بن غزوان، بنیان بصره را آغاز کرد و کوفه نیز به دست سعد بن وقاص بنیاد گرفت،⁽¹⁾ «بصره در آغاز کار به يك دهکده بیشتر شباهت داشت. «نخست» در آنجا «مسجدی» ساختند و پهلوی مسجد دارالاماره به وجود آمد و در اطراف آن هر ناحیه به قبیله ای اختصاص یافت که در آن مسجد و... وجود داشت.»⁽²⁾

درباره کوفه نیز که در سال 17 هجری ساخته شد «ابوالهیاج بن مالک اسدی نقشه خیابانها و کوچه ها را کشید و مسجد جامع را پی افکند و جلو آن را سایبانی بر ستونهای سنگی ساخت، مسجد را وسط شهر قرار دادند و کوچه ها از آن آغاز می شد.»⁽³⁾

در زمان منصور عباسی سپاهی برای فتح مناطق سند گسیل شد که فرمانده آن سپاه هشام بن عمرو تغلبی بود. «وی» کشتی ها ساخت و آنها را به رودخانه سند انداخت و تا قندهار پیش رفت و آن را فتح کرد و اسیر گرفت و بد (بتخانه) را ویران ساخت و به جای آن مسجدی بنا نهاد.»⁽⁴⁾

به نظر می رسد که در سیره پیامبر علاوه بر آنچه درباره مسجد النبی در مدینه اشاره شد تأکیدات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و پیامبر خود نیز در سرزمینهایی که در طول حیات ایشان به جامعه اسلامی ملحق می گشت چنین

ص: 48

1- - حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج 1، ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، 1376، ص 476.

2- - همان.

3- - همان، ص 477.

4- - ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، 1378، ص 364.

عمل می فرمود و از این رو مسلمین با الهام گرفتن از این سنت مؤکد نسبت به تأسیس مسجد در جریان فتوحات اهتمام ورزیدند. به عنوان نمونه در طبقات ابن سعد آمده است که پس از اینکه در عام الوفود، نمایندگان بنی حنیفه برای پذیرش اسلام از یمامه به مدینه آمده بودند به هنگام بازگشت «پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ظرف آبی به آنها داد که در آن مقداری از آب باقی مانده از وضوی آن حضرت قرار داشت و فرمود: چون به سرزمین خود رسیدید معابد خود را ویران سازید و به جای آنها از این آب پاشید و همان جا مسجد بسازید و چنان کردند.» (1)

در توضیح علت این امر به نظر می رسد علاوه بر آن مطالبی که در بخش قبلی پیرامون ضرورت تأسیس مسجد به عنوان اولین نهاد در مدینه بدان ها اشاره شد و در این زمینه نیز صدق می کند، یک نکته بسیار اساسی دیگر نیز درباره شهرهای فتوحات وجود داشته است و آن اینکه مسجد نشانی از روح اسلامی بود و تسلط معنوی مسجد بر شهر باعث تذکر دائم ارزشهای اسلامی و غلبه معنویت بر روابط اجتماعی مردم شهر می گشت وقتی مساجد در وسط شهر ساخته و همه خیابانهای اصلی شهر به آن ختم می گردید، طبیعی است که مردم به صورت روزمره با این نماد اسلامیت شهرشان ارتباط برقرار می کردند و این باعث می شد که روح ارزشهای اسلامی در جامعه زنده بماند و حال آنکه اگر به مساجد توجه نمی شد و یا مرکزیت خود را در شهرها از دست می داد و به حاشیه رانده می شد _ چنانکه در دوره های بعد این اتفاق افتاد _ از تسلط معنویت بر شهرها خبری نبود، بدین ترتیب مساجد همواره نماد اسلامیت و حافظ روح اسلامی یک شهر در

ص: 49

چگونگی تأسیس مسجد در مدینه

پس از وقوف به موقعیت مسجد، پرداختن به چگونگی تأسیس مسجد در مدینه با رویکردی تاریخی خالی از لطف نیست. لذا در این بخش به صورت مختصر به ساخت مسجد قبا و نیز مراحل مختلف تأسیس مسجد در مدینه اشاره شده است و از نحوه ورود پیامبر به مدینه و تعیین زمین مسجد و مشارکت عمومی پیامبر و مردم در ساخت مسجد و نیز طرح بنای مسجد که در مناسبت کامل با روح اسلام بود، سخن به میان آمده است.

بدیهی است که تفصیل این مراحل را باید در کتب معتبر تاریخی جستجو کرد و در اینجا به تناسب این نوشتار صرفاً به اشاراتی اکتفا شده است.

مسجد قبا

«لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احقّ ان تقوم فیه فیه رجال یحبّون ان یتطهّروا واللّه یحبّ المطهرین.»⁽¹⁾

«همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه تقوا محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر اینکه در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا، مردان پاک مهذب را دوست می دارد.»

این آیه به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا یعنی همان مسجدی که پیامبر

ص: 50

اکرم پس از هجرت در نخستین روزهای ورود به حوالی مدینه آن را ساخت نازل شده است. مسجدی که اساس آن بر تقوا گذاشته شده و در آن مردانی حضور می یابند که خالصانه در صدد بندگی و تهذیب نفس هستند.

درباره ساخت این مسجد در کتب معتبر تاریخی چنین نقل شده است که: «روز دوشنبه بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در محله قبا وارد شد و تا روز جمعه (یعنی چهار روز) در قبا در میان قبیله بنی عمرو بن عوف ماند و در همان چند روز مسجد قبا را که نخستین مسجدی است که در اسلام بنا شده به دست خود بنا کرد.»⁽¹⁾

مسعودی نیز در مروج الذهب با اشاره به تاریخ ورود پیامبر روایت مشابهی را نقل می کند و می نویسد: «ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به مدینه روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بود. وقتی به مدینه رسید در قبا بر سعد بن خثمه فرود آمد و مسجد قبا را ساخت و روز دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه در قبا بود و روز جمعه چاشتگاه به راه افتاد.»⁽²⁾

بدین ترتیب اگر تاریخی که مسعودی نقل کرده است را بپذیریم ساخت مسجد قبا در فاصله دوازدهم تا شانزدهم ربیع الاول سال اول هجری صورت گرفته است. با توجه به اینکه پیامبر برای رسیدن علی (علیه السلام) که در مکه به موجب مأموریتهایی که داشت باقی مانده و سپس حرکت کرده بود، در قبا منتظر مانده بودند و می خواستند که با علی (علیه السلام) وارد مدینه شوند. پس از پیوستن ایشان به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در قبا به موجب برخی روایات، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) مسجد

ص: 51

1- - سیره ابن هشام، ج 1، ص 326.

2- - علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج 1، ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، 1374، ص 624.

البته با توجه به حضور برخی مسلمانان در قبا و در میان قبیله بنی عمرو بن عوف احتمال شرکت آنان در ساخت مسجد نیز وجود دارد. به هر حال پیامبر این مسجد را قبل از ورود به مدینه ساخت و البته پس از تغییر قبله به سوی کعبه پیامبر به همراه جمعی از یاران به محل این مسجد آمدند و قبله آن را که به سوی بیت المقدس بود به سوی کعبه گردانیدند و همین امر موجب تعمیراتی در مسجد قبا گردید. ابن سعد در این باره نقل می کند که: «چون قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر پیدا کرد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به محل مسجد قبا آمد و دیوار آن را در همین محل که امروز قرار دارد (زمان مؤلف) بنا نهاد و فرمود جبرئیل جهت قبله را برای من تعیین می کند. (2) و خود آن حضرت و یارانش برای ساختن آن مسجد سنگ حمل می کردند.» (3) پس از این نیز پیامبر اکرم در تمام دوران مدینه احترام و تکریم خاصی از مسجد قبا می فرمودند و پیوسته مسلمین را به حضور و نماز گزاردن در این مسجد تشویق می نمودند و می فرمودند: «هر کس به این مسجد من که مسجد قباست بیاید و در آنجا دو رکعت نماز گزارد با برخورداری از ثواب عمره باز می گردد.» (4)

علاوه بر این تشویق ها پیامبر خود نیز دائماً در این مسجد حضور می یافتند و در آن اقامه نماز می فرمودند. به طوریکه ابن سعد چنین نقل می کند که «پیامبر

ص: 52

-
- 1- تاریخ صدر اسلام، ص 339.
 - 2- برای اطلاع از اعجاز پیامبر در قبله یابی بنگرید، علامه حسن زاده آملی «بنای مسجد مدینه و تعیین قبله آن به دستور پیامبر اکرم» دو ماهنامه مسجد، ش 49، ص 8.
 - 3- طبقات الکبری، ج 1، ص 230.
 - 4- من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 344.

(صلی الله علیه و آله وسلم) هر روز شنبه پیاده به مسجد قبا می آمد. (1) و اینها همگی حاکی از منزلت و جایگاه ویژه مسجد قبا در نزد پیامبر بود. و شاید بتوان گفت که این مسجد در مدینه پس از مسجد النبی در رتبه دوم اعتبار و اهمیت قرار داشته و دارد؛ مسجدی که به تعبیر قرآن کریم بنیان آن بر تقوای الهی نهاده شده است.

ورود به مدینه و مأموریت ناقه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در روز جمعه پس از چهار روز اقامت در قبا با همراهی علی بن ابیطالب (علیه السلام) در میان استقبال پرشور انصار که از مدتها قبل انتظار ورود آن حضرت را می کشیدند وارد مدینه شدند. «مردم انصار طایفه به طایفه آمدند و هر گروه تقاضا داشتند، پیش آن ها فرود آید و مهار شترش را می گرفتند [پیامبر مهار] آن را می کشید و می فرمود: بگذارید برود که مأمور است.» (2)(3)

در این تدبیر دو نکته نهفته است؛ اول اینکه مکانی که در آن مسجد النبی تأسیس شد مکانی بود که توسط باری تعالی انتخاب شد حتی اراده پیامبر هم در این انتخاب نقش نداشت بلکه اراده الهی از طریق یکی از جنودش که ناقه باشد مکان مسجد النبی به عنوان پایگاه اسلام را تعیین نمود.

دیگر اینکه این تدبیر باعث شد که زمینه هرگونه سوءتفاهم میان طوایف مدینه از بین برود، طبیعی است که میزبانی از پیامبر افتخار بزرگی بود که اگر انتخاب پیامبر نصیب یکی از طوایف می گشت موجب آزردهی و ناراحتی دیگر قبایل می شد و همین مسأله در بدایت امر می توانست مشکلاتی را برای پیامبر و

ص: 53

1- طبقات الکبری، ج 1، ص 230.

2- مروج الذهب، ج 1، ص 625.

3- خلوا زمام الرّاحله فانّها مأمورة» به نقل از تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 400.

جامعه مدینه ایجاد کند بخصوص که یثرب همواره آبستن درگیریهای سنگین و سخت میان قبایل خود بود. اما این تدبیر که ناچه مأمور انتخاب منزلگاه پیامبر باشد همه را قانع کرد. چرا که آن را ناشی از مشیت الهی می دیدند و لذا همه نیز به جایگاه انتخابی رضایت دادند.

پس از اینکه مأموریت ناچه به اطلاع انصار رسید «شتر مزبور همچنان بیامد تا به محله بنی مالک بن نجار رسید و در همان جایی که اکنون مسجد آن حضرت قرار دارد زانو زد و خوابید. زمین مزبور متعلق به دو کودک یتیم بود به نامهای سهل و سهیل فرزندان عمرو که در تحت سرپرستی معاذبن عفراء زندگی می کردند و در آن زمین خرماهای خود را که از درخت می چیدند خشک می کردند. شتر رسول خدا در آن زمین خوابید ولی آن حضرت پیاده نشد، از اینرو شتر برخاست. چند قدمی برداشت ولی مجدداً به پشت سر خود نگاه کرده به همان جای اول بازگشت و همانجا زانو زده خوابید. و گردن و سینه خود را نیز به زمین چسباند. در این وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از شتر پیاده شده پرسید: این زمین کیست؟ معاذبن عفراء پیش آمده عرض کرد: اینجا متعلق به فرزندان یتیم عمرو، سهل و سهیل است که تحت سرپرستی من هستند و من آن دو را راضی می کنم تا آن را به شما واگذار کنند و شما در اینجا مسجدی بنا کنید.»⁽¹⁾

سخن در باره نحوه در اختیار گرفتن زمین در سیره به همین جا ختم می شود اما برخی منابع دیگر تاکید دارند که پیامبر به واگذاری زمین راضی نشدند و آن را از آن دو طفل خریداری نمودند. «پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آن دو پسر بچه را خواست و

ص: 54

پیشنهاد کرد آن قطعه زمین را برای ساختن مسجد بفروشند. گفتند زمین را برای مسجد می بخشیم و به شما می دهیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پذیرفت و فقط به خریدن از آنها قبول کرد.»(1)

در باره این زمین نیز که برای مسجد انتخاب شد نقلهایی هست که پیش از ورود پیامبر به مدینه نیز نمازگاه مسلمین مدینه بوده است از جمله ابن سعد نقل می کند که «آن زمین به صورت چهاردیواری بدون سقفی بود و قبله اش به جانب بیت المقدس بود که اسعد بن زراره آن را ساخته و با یاران خود آنجا نماز می گزارد.»(2)

نویری نیز همین نظر را تایید می کند و نقل می کند که «زمینی که ناقه رسول خدا بر آن زانو زد همان موقع هم زمینی بود که گروهی از مسلمانان در آنجا نماز می گزاردند.»(3)

بدین ترتیب با مشخص شدن محل ساخت مسجد النبی پیامبر رسماً دستور ساخت بنای مسجد را صادر نمودند و بدین ترتیب «نخستین» مشارکت عمومی امت اسلامی در ساخت «مسجد» شکل گرفت.

مشارکت عمومی در ساخت مسجد

برای آغاز ساخت مسجد لازم بود که ابتدا زمین مزبور تسطیح شود و زوائد آن از بین برود. لذا «پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمان داد تا درختان خرما و درختان خاردار

ص: 55

1- - شهاب الدین احمد نویری، نهایة الارب فی فنون الادب، ج 1، محمود مهدوی دامغانی، تهران: امیرکبیر، 1364، ص 324 - 325.

2- - طبقات الکبری، ج 1، ص 225.

3- - نهایة الارب، ج 1، ص 324.

دیگری را که در آن زمین بود بریدند و خشت خام کردند و دستور فرمود تا چند گور را که از دوره جاهلیت در آن بود نیش کردند و استخوانها را در جای دیگر دفن نمودند، در بخشی از زمین آبی بود که آن را کشیدند تا خشک شد و مسجد را بنیان نهادند.»⁽¹⁾

نکته مهم در جریان بنیانگذاری مسجد، حضور فعال شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و کار کردن ایشان پیش و بیش از دیگران بود. به طوری که درخواستهای مکرر اصحاب مبنی بر اینکه آنها کارها را انجام می دهند و پیامبر به استراحت پردازند، اثری نداشت و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) همچنان به فعالیت خودشان ادامه می دادند و طبیعی بود که این حضور موجب حضور جدی تر و پرشورتر اصحاب به تبعیت از پیشوای خود می شد.

ابن هشام در سیره به این موضوع اشاره دارد و می نویسد: «پس از اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور بنای مسجد را در آن زمین داد ابتدا خود آن حضرت دست به کار ساختمان مسجد شد تا مسلمانان نیز ترغیب شوند و از همین رو عموم مهاجر و انصار در بنای مزبور شرکت جسته و کوشش بسیاری در اتمام آن کردند.»⁽²⁾

تلاش غالب مسلمانان در مشارکت ساختمانی هم از شوق آنان حکایت داشت و هم متأثر از مشارکت کاملاً فعال پیامبر بود. آنان می دیدند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نه تنها در موضع نظارت و هدایت ننشسته بلکه خود در کنار همه بلکه بیش از همه در ساختن بنا فعال است. از این رو هرگز روا نمی دیدند که بی دلیل در سایه ای بیارامند و شاهد تلاش و کار پیشوای خود باشند.»⁽³⁾

ص: 56

1- - طبقات الکبری، ج 1، ص 225.

2- - سیره ابن هشام، ج 1، ص 328.

3- - تاریخ صدر اسلام، ص 339.

از جمله روشهایی که پیامبر و اصحاب در این کار سنگین برای حفظ روحیه به کار گرفتند زمزمه اشعاری با مضامین خوب و مطلوب بود که هم باعث ایجاد شادابی در محیط کار می گشت و هم باعث می شد که کمتر خسته شوند. به خصوص که شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز به این کار اقدام نمودند و با زمزمه هایی حتی انصار و مهاجرین را دعا می کردند و این خود بر شوق آنان می افزود.

از جمله زمزمه هایی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است اینکه:

اللهم لاعيش الاعيش الاخرة***فاغفر للانصار والمهاجرة

هذا الحمال لاحمال خبير***هذا ابر ربنا واطهر.

«پروردگارا، زندگی جز زندگی آن جهانی نیست. خدایا انصار و مهاجران را بیامرز. و نیز این بیت: اینها بارهای پر برکت است نه بارهای خبیر، آری سوگند به پروردگار ما، این نیکوتر و پاک تر است. (1)»

و علی بن ابیطالب (علیه السلام) نیز این ابیات را می خواند:

«لايستوى من يعمر المساجدا***يداب فيه قائماوقاعدا

و من یری عن الغبار حائدا***...»

«کسانی که با کوشش و جدیت در هر حال به ساختمان مسجد اقدام می کنند با کسانی که روی خود را از غبار و خاک می گردانند مساوی و یکسان نیستند.» (2)»

بدین ترتیب نخستین و در عین حال یکی از زیباترین جلوه های مشارکت عمومی مسلمین در ساخت مسجد مدینه به نمایش گذارده شد و جامعه مدینه شاهد آغاز نوع دیگری از مشارکت فعال و آگاهانه اقشار مختلف مردم از طبقات

ص: 57

1- طبقات الکبری، ج 1، ص 225 _ 226.

2- سیره ابن هشام، ج 1، ص 328.

مختلف اقتصادی و اجتماعی در کنار هم در راستای هدفی الهی و اجتماعی بود. و این روند در طول دوران حیات پیامبر در عرصه های مختلف نمود داشت و الگوساز بود.

در پایان سخن پیرامون چگونگی ساخت مسجد مدینه، دریغمان می آید که از صحابی پاکبخته رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) عمار سخن به میان نیاوریم که به گواه منابع معتبر تاریخی نخستین کسی بود که برای ساخت مسجد دست به کار شد و بیش از همه در این راه تلاش کرد و زحمت کشید. به همین دلیل پیامبر نیز وی را مورد ملاحظت ویژه قرار دادند و او را پوست میان دو چشم خویش خواندند. اتفاقاً خبر شهادت عمار به دست گروه باغی را نیز در همین جا به وی ابلاغ فرمودند. در سیره ماجرا چنین نقل شده است که: «عمار نخستین کسی است که اقدام به ساختمان مسجد کرد، عمار در کار ساختمان مسجد بیش از دیگران زحمت می کشید و خشت و سنگ برای بالا بردن دیوار حمل می کرد. روزی آنقدر خشت بر پشتش بار کردند که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) عرض کرد:

اینان امروز مرا کشتند. بارهایی از من کشیدند که خود یارای کشیدن آن را ندارند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) که این سخن را از عمار شنید، دست خود را به موهای سر عمار که گردآلود شده بود کشید و فرمود: ای فرزند سمیه، اینان کشته تو نیستند. بلکه کشته تو گروه متجاوز و ستمکار است.»⁽¹⁾

ص: 58

باید گفت طرح بنای مسجد طرحی منحصر به فرد بود و هیچ نشانی از تقلید از بناها و ساختمانهای دیگر و حتی عبادتگاهها و معابد سایر ادیان در آن مشاهده نمی شد. به طوری که وقتی در طرحی که پیامبر در ساخت مسجد اجرا کرد تأمل می کنیم وضوح، اصالت و تطابق کامل این طرح با روح اسلام ما را به تعجب وامی دارد. بی شک پیامبر طرحهایی کلی از شکل کلیساها و کنیسه ها در اختیار داشته است و دست کم در سفر دومی که در سن 24 سالگی با سرمایه خدیجه (س) به شام رفت کلیاتی از آن در ذهنش وجود داشت. اما در بنای مسجد هیچ يك از این طرحها تأثیر نداشته، و هیأت و طرح آن تنها برگرفته از روح اسلام بود. (1)

گزارشهای تاریخی موجود از جمله گزارش ابن سعد از طرح بنای مسجد گواهی بر صدق این گفته هاست. وی در باب ساختمان مسجد می نویسد: «طول آن از محل محراب (که آن روز به سوی بیت المقدس بود) تا آخر مسجد صد ذراع و عرض آن هم همچنان و مسجد مربع بود و برخی گفته اند کمتر از صد ذراع بوده است. پایه های اصلی را به اندازه سه ذراع با سنگ بنا کردند و بقیه را با خشت

خام... و سه در برای آن قرار دادند. دری در آخر مسجد و دری دیگر که آن را در رحمت نامگذاری کردند و در سوم مخصوص آمد و شد رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بود..»

تمام دیوارها ساده بود و تنه درختان خرما را ستون قرار دادند و آن را با شاخ و برگ خرما پوشاندند. به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گفته شد: آیا برای مسجد سقف نمی سازی؟

ص: 59

فرمود: نه، سایبانی چون سایبان موسی (علیه السلام) (1) کافیت، مقداری چوبهای کوتاه و برگ. اجل شتابان تر از این است.» (2)

در واقع از آنجایی که اسلام دینی ساده و روشن است و تنها جاده ای است میان عبد و خالق، بنا بر این مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز مکانی است پاکیزه که بنده با آفریدگار خویش ملاقات می کند؛ قطعه تمیز و مسطح و پاکیزه از زمین که دیواری محیط بر آن است. (3)

علاوه بر روح سادگی اسلام که بر مسجد مدینه حاکم بود يك مسأله اساسی دیگر وجود داشت و آن ضرورت «اصالت مسجد» در اسلام بود. برای پیامبر حفظ استقلال و اصالت اسلام و نمودهای آن مسأله ای اساسی بود و ایشان با حساسیت خاصی از این امر مراقبت می نمودند. نمونه این امر را در جریان تغییر قبله شاهد هستیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به شدت مایل بودند که قبله اسلام مستقل از قبله یهود باشد و قرآن نیز به این تمایل اشاره دارد. بدیهی است که اصالت مسجد اگر مهمتر از استقلال قبله نباشد کم اهمیت تر نیست. بنا بر این ساختمان مسجد به عنوان نهاد دینی و اجتماعی اسلام باید نشانگر هویت مستقل اسلام می بود و لذا در طرح بنای مسجد مدینه کمترین نشانی از تقلید و اقتباس از معابد یهود و مسیحیت دیده نمی شود.

این سادگی و اصالت در تمام دوران صدر اسلام حفظ شد. در زمان ابوبکر هیچ تغییری در مسجد داده نشد و در زمان خلیفه دوم نیز صرفاً بر وسعت و تعداد

ص: 60

1- - برای آگاهی بیشتر از سایبان موسی علیه السلام که در آن عبادت می کرد موسوم به «خیمه عهد» بنگرید، تاریخ جامع ادیان، ص 497.

2- - طبقات الکبری، ج 1، صص 226 _ 225.

3- - «پیدایی مساجد» ص 81.

درهای آن افزوده شد و آن نیز ناشی از افزایش جمعیت مسلمین و کثرت زائران دیگر بلاد به ویژه در ایام حج بود. تنها در زمان عثمان مسجد اندکی تغییر کرد. وی در سال 29 ه ق مسجد پیامبر را وسعت داد و در ستونهای آن قلع به کار برد و طول آن را صد و شصت ذراع و پهنای آن را صد و پنجاه ذراع قرار داد.⁽¹⁾

بدین ترتیب تا پیش از دوران اموی ویژگیهای «سادگی» و «اصالت» برای مسجد النبی حفظ شد و تنها از این دوره بود که همراه با تغییرات بنیادینی که در همه چیز اسلام اتفاق افتاد، در بنای مسجد نیز تغییرات مختلفی به وجود آمد.

ص: 61

1-- تاریخ یعقوبی، ج 2، صص 58 _ 59.

پیش از این اشاره کردیم که بدون تردید درخشان ترین فراز حیات مساجد در طول تاریخ تمدن اسلامی دوران صدر اسلام است. چرا که در این دوران مساجد جایگاه و همه کارکردهای واقعی خود را به کامل ترین شکل دارا بودند و در همه عرصه های زندگی اجتماعی مردم نقشی کاملاً برجسته و مطلوب داشتند.

باید خاطرنشان ساخت که در صدر اسلام مساجد صرفاً مراکز انجام دادن اعمال عبادی تلقی نمی شدند. بلکه همچنین مکانهایی برای انجام دادن فعالیتهای اداری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی، و نظامی جامعه مسلمانان نیز محسوب می شدند. (1)

«وقتی که مسجد مدینه توسط پیامبر گرامی اسلام بنا نهاده شد، این قلب تپنده امت اسلام به عنوان مرکز عبادت، مرکز سیاست، مرکز قضاوت و مرکز

ص: 65

1- - م. ا. منان «تحول مسجد در گذر تاریخ» عباس امام، دو ماهنامه مسجد، ش 49، محمدرضا امیری تهرانی، تهران: مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروردین و اردیبهشت 79، ص 45.

آموزش و مورد توجه و مراجعه آحاد مسلمین بود. این یگانگی گویاترین تجلی وحدت ابعاد مختلف معنوی و مادی زندگی فردی و جمعی مسلمین بود.»⁽¹⁾

در مسجد نماز جمعه و جماعت برپا می شد و مسلمانان برای تعلیم دین و شنیدن وعظ و خطابه در آن جمع می شدند، همچنین مساجد محل قضاوت و داوری میان مردم، تدریس علوم مختلف دینی، قرائت قرآن و پرسش و پاسخهای علمی و محل شب به روز آوردن مسافران و غریبان بود. علاوه بر این مساجد پایگاه سیاسی جامعه و منبر آن تریبون رسمی حکومت و محل انتصاب فرمانداران و فرماندهان و ابلاغ احکام و دستورات و نیز مکان شور و مشورت و انتشار اخبار و گزارشهای تازه و بعضاً گفتگو درباره مسائل مالی و بازرگانی و معاملات تجاری به شمار می رفت.

این روند محدود به دوران پیامبر نبود. پس از ارتحال نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) خلفای راشدین نیز به همان ترتیب از مساجد استفاده کردند. خلیفه هم به عنوان امام جماعت و هم به عنوان خطیب جامعه مؤمنان به شمار می آمد و با همان قدرت و اقتدار پیامبر بر منبر می نشست و احکام و سیاستهای خود را بیان می کرد.⁽²⁾

این کارکردهای متعدد، مسجد را به مرکز بی بدیل جامعه اسلامی تبدیل کرده بود. اما تحولات و افولهایی که در دوره های بعد به تدریج این کارکردها را تحت الشعاع قرار داد، آرام آرام مسجد را از مرکز جامعه به حاشیه راند.

در این فصل تلاش شده است در نگرشی نسبتاً اجمالی کارکردهای مختلف

ص: 66

1- محمد نقی زاده «مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی» مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج 2، محمد قره چمنی، تهران: دانشگاه هنر، 1378، ص 137.

2- «تحول مسجد در گذر تاریخ» ص 45.

دینی، علمی و آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و قضایی مساجد در صدر اسلام بررسی شود. و در ضمن در بخشی مستقل ویژگیها و کارکرد منبر به عنوان یکی از اجزای مهم و اصلی مساجد نیز تبیین گردد.

کارکرد دینی و تبلیغی

مساجد در درجه اول نهادهای دینی جامعه اسلامی محسوب می شوند که بایستی در آن شعائر دینی و آداب مذهبی اقامه شود و دین خدا در آنجا به صورت روزمره از سوی پیروان به نمایش گذارده شود.

بدون تردید بزرگترین عبادتی که در مسجد برپا می شود نمازهای جماعت پنجگانه است که نمادی از شکوه توحید و عزت بندگی و حیات امت واحده است. این عبادت شکوهمند در عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و صدر اسلام بیش از امروز مورد اهتمام بود و مسلمین با اشتیاق فراوان هر روز چندین نوبت در مسجد پیامبر حاضر می شدند. و با تشکیل صفوف منظم به امامت پیامبر به نماز می ایستادند و این گونه امت به پیشوایی امام خود فرایض دینی را ادا می کردند و به سوی خدا سیر می نمودند.

اقامه نماز جماعت و ضرورت اجتماع مردم در زمانهای مشخص (مواقیت

الصلوة) ضمن اینکه باعث به وجود آمدن نوعی نظم روزانه در زندگی مردم شده بود، یکی از زمینه های اصلی تشریح اذان به عنوان ندای اسلام شد؛ ندایی که قرنهایست بر فراز گلدسته های مساجد در همه عالم طنین انداز است. حکایت از این قرار بود که در روزگار رسول خدا و در اوایل تأسیس مسجد پیش از تغییر قبله، وسیله ای برای اجتماع مردم وجود نداشت و معمولاً منادی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ندا

ص: 67

می داد «الصلاة جامعة» و مردم جمع می شدند. هنگامی که قبله تغییر کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به فکر افتاد که اوقات نماز را به اطلاع مسلمانان برساند، مسلمانان پیشنهادهایی کردند. برخی گفتند از بوق و شیپور استفاده شود و برخی گفتند از ناقوس، لکن پیامبر اینها را به خاطر تشبیه به یهود و مسیحیت نپسندیدند؛ چرا که ندای اسلام نیز باید همانند قبله و عبادتگاه اسلام اصیل و مستقل باشد.

در این خلائل شبی مردی از انصار به نام عبدالله بن زید بن ثعلبه خوابی دید که در آن خواب جملات اذان به او آموخته شد. آن مرد انصاری شبانه به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و خواب خود را به اطلاع آن حضرت رساند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: این خواب تو حق بوده و رؤیای صادق است. هم اکنون برخیز و آن را به بلال که صدای نافذتری دارد تعلیم کن تا هنگام نماز آن را بگوید، و بدین ترتیب از آن روز اذان متداول شد و مردم با شنیدن صدای اذان به سوی مسجد برای اقامه نماز به راه می افتادند. (1)

البته درباره تشریح اذان نظرات دیگری نیز وجود دارد و بخصوص بزرگان شیعه آموختن اذان به پیامبر را کاملاً رد می کنند و معتقدند که اذان مدتها قبل و حتی در معراج به پیامبر آموخته شده بود. نظر دیگری نیز درباره جمع دو نظریه وجود دارد. و آن اینکه اذان از مدتها قبل به پیامبر تعلیم داده شده بود و لکن چون در آن هر بار نام پیامبر برده می شد، ایشان نمی خواستند خود آن را معمول کنند؛ چرا که طعنه های منافقین و یهود در راه بود. لذا به این طریق که یکی از انصار خوابی دید و اذان را بیان نمود، تشریح شد تا زمینه ای برای یاوه سرایی و طعنه

ص: 68

1- - برای اطلاع از روایات مربوط به تشریح اذان بنگرید، سیره ابن هشام، ج 1، ص 340، و طبقات الکبری، ج 1، صص 232 _ 233.

باقی نماند. البته این نظر نیز قابل نقد و بررسی است. اما آنچه که مسلم است اذان مدتی پس از تأسیس مسجد مقرر و متداول شد و از آن زمان نیز به عنوان مقدمه ای لازم بر اقامه نماز در مساجد هر روز این ندای آسمانی به گوش جان مسلمین می رسید و آنها را به توحید و نبوت و نماز متذکر می گردید.

هم اکنون در جوامع اسلامی «پیش از آفتاب و نیمه روز و پسینگاه و نزدیک غروب مؤذن بر گلدسته بالا می رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز می خواند. به راستی چه نیرومند است و شریف این دعوت که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می کند، چه خوب است که انسان به هنگام نیمروز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند جل جلاله توجه کند.»⁽¹⁾

این سنت در دوران خلفای نخستین نیز با جدیت پیگیری می شد و همواره یکی از وظایف مقدس خلیفه این بود که در نمازهای پنجگانه امام مردم باشد و مردم به او اقتدا نمایند. و بدین ترتیب همواره نمازهای جماعت باشکوه فراوان و با حضور انبوه مردم از رؤسا و سران تا افراد عادی در مساجد تشکیل می شد.

علاوه بر نمازهای یومیه نمازهای واجب و مستحبی دیگری هم مانند نماز آیات و نماز اعیادی مانند عید فطر نیز در مسجدالنبی برگزار می گردید و نماز میت هم در مجاورت مسجد توسط پیامبر بر مسلمین از دنیا رفته اقامه می شد.

اما یکی از عظیم ترین فرائضی که در مساجد برگزار می شد «نماز جمعه» بود. نماز جمعه به عنوان یک فریضه اجتماعی، عالیترین و زیباترین عرصه تلفیق دین

ص: 69

1- - ویل دورانت، تاریخ تمدن عصر ایمان، ج 4 (بخش اول)، ابوالقاسم پاینده و... تهران: آموزش انقلاب اسلامی، 1371، ص 273.

و سیاست و از شؤون حکومت اسلامی بود که در نخستین روزهای ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به مدینه پایه گذاری شد و لذا قدمت تاریخی با تاریخ مسجد یکی است. ظرف مکانی این فریضه، مسجد و امام آن حاکم جامعه اسلامی و امام امت بود.

نماز جمعه از فرائض دارای فضیلت است و علاوه بر این در متن قرآن کریم به ضرورت توجه مسلمین به آن اشاره شده است:

«یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع، ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون.»⁽¹⁾

«ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز جمعه ندا دهند پس بشتابید به سوی ذکر خدا و تجارت (و کار دنیا) را واگذارید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.»

و حتی از این آیه و جوب نماز جمعه نیز برداشت شده است. در سخنان و احادیث اولیاء دین و ائمه هدی که همگی سخنان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است نیز به فضایل این فریضه عبادی و سیاسی اشاره شده است. از جمله امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «هیچ قدمی نیست که در حرکت و سعی به سوی نماز جمعه باشد جز اینکه خداوند بدن صاحب قدم را بر آتش حرام می کند.»⁽²⁾

و نیز امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که روز جمعه می شود ملائکه مقرب نازل می شوند و کاغذهایی از نقره و قلمهایی از طلا با آنها هست. پس بر درهای مسجد بر صندلیهایی از نور می نشینند و نام ایشان را که از خانه هایشان وارد

ص: 70

1- - جمعه / 9

2- - وسائل الشیعه، ج 7، ص 386.

مساجد می شونند می نویسند، اولی و دومی و... تا زمانی که امام خارج شود. وقتی امام خارج شد صحیفه هایشان را می پیچند و این ملانکه مقرب در هیچ روزی جز روز جمعه فرود نمی آیند.»(1)

چنین فضایی در کنار تأکید خاصی که در سیره نبوی در برپایی نماز جمعه دیده می شود اهتمام همه جانبه مسلمین و حضور پرشکوه و دائمی آنها به صورت هفتگی در مسجدالنبی را موجب می گردید، روایات بسیاری از این حضور انبوه و خطبه های رسول مکرم اسلام در نمازهای جمعه در کتب مختلف و به ویژه در منابع روایی ذکر شده است.(2)

جالب آنکه نماز جمعه نیز همچون مساجد به عنوان نماد حاکمیت اسلام از همان زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و سپس دوران فتوحات به سرعت به سراسر بلاد اسلام گسترش یافت و همه جا نماز جمعه به صورت منظم با حضور مردمان تازه مسلمان در مساجد برگزار می گردید.

ظاهراً اولین نماز جمعه در خارج از مسجدالنبی و مدینه در «مسجد عبدالقیس» در منطقه ای موسوم به «جواثا» از نواحی بحرین اقامه شده است.(3)

همچنین در سنن الکبری نقل شده است که در دوران فتوحات و در عهد خلیفه دوم و سوم در هر شهر و قریه ای که جماعتی زندگی می کردند و امیری بر آنها بود به نماز جمعه امر شده بودند و لذا اهالی اسکندریه و مدائن و مصر و... در

ص: 71

1- همان، ج 7، ص 347.

2- برای اطلاع از روایات مربوط به اقامه نماز جمعه در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله وسلم بنگرید، السنن الکبری، ج 4، ص 426 _ 446، و همچنین، صحیح مسلم، ج 5 و 6، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، ص 163.

3- السنن الکبری، ج 4، ص 397.

روز جمعه برای ادای این فریضه جمع می شدند. (1)

بدین ترتیب یکی دیگر از کارکردهای دینی و در عین حال سیاسی و اجتماعی مساجد، برپایی نمازهای جمعه بود که از مسجد النبی آغاز شد و سپس به سایر مساجد جامع و مرکزی شهرها در همه بلاد اسلامی توسعه یافت.

علاوه بر انجام آداب و عبادات دینی که به آنها اشاره شد، سنتهایی همچون اعتکاف را نیز باید به آنها اضافه کرد، یکی دیگر از کارکردهای مهم مساجد تبلیغ دین و ایراد خطبه های تبلیغی و همچنین ابلاغ احکام مهم دین اعم از احکام فردی یا اجتماعی بود که به تدریج تشریح می شد، به طوری که می توان مساجد را به عنوان «کانون تبلیغات اسلامی» و بزرگترین مکان مبلغان مسلمان در نظر گرفت.

«پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از منبر برای انتشار و ابلاغ فرمانهای مهم، مانند اعلام حکم حرمت شرابخواری، مقررات و احکام زندگی جمعی یا جهت سخنرانی عمومی استفاده می کردند.» (2)

سایر خلفا و بخصوص حضرت علی (علیه السلام) نیز دائماً در مسجد ایراد خطبه می نمودند و احکام و دستورات خود را ابلاغ می نمودند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) بارها برای مردم کوفه در مسجد این شهر خطبه خواندند و آنها را به تقوای الهی و پاسداری از دین خدا دعوت می کردند. گاه نیز این خطبه ها به سبب بی وفایی ها و سستیهای مردم کوفه رنگ و بوی سرزنش و عتاب به خود می گرفت که بسیاری از این خطبه ها در کتاب شریف نهج البلاغه جمع آوری شده است.

ص: 72

1- - همان، ج 4، ص 399.

2- - «تحول مسجد در گذر تاریخ» ص 45.

کارکرد دیگری که در راستای امر تبلیغ می توان برای مسجد یادآور شد سنت «وعظ» است. «موعظه» از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) متداول بود و ایشان شخصاً در مسجد به این امر می پرداختند و گاه خطبه ها به آن اختصاص می دادند و مردم را پند می دادند و با طرح مطالب حکمت آمیز اذهان مسلمین را آماده هدایت می کردند. بعدها اصحاب پیامبر نیز به طور وسیع از این رویه پیروی می کردند و حتی برخی از اصحاب بزرگترین وظیفه خود را موعظه مردم متناسب با آنچه از پیامبر آموخته بودند می دانستند. پس از آنها نیز علمای دین همواره بر این امر تأکید داشتند. موعظه آنچنان در مساجد اسلام جا افتاده است که به ندرت سخنرانی را می توان یافت که حداقل بخشی از سخنان خود را به آن اختصاص ندهد. لازم به ذکر است که به دلیل غالب بودن وجه دینی این کارکرد و اصطکاک کمتر آن با مسائل سیاسی در دوره های بعد نیز این کارکرد در مساجد به طور جدی دنبال می شد و هیچ مانعی بر سر راه آن به وجود نمی آمد، بلکه همواره به آن تشویق نیز می شده است. و گاه حتی فعالیت مساجد در دوره هایی به همین وعظ و موعظه محدود شده است. لذا می توان از «وعظ» به عنوان پایدارترین کارکرد مساجد در طول تاریخ اسلام از صدر تا کنون نام برد.

از جمله فعالیت های دینی دیگری که در مساجد انجام می شد آموزش و تعلیم احکام و مبادی دین بود که در بخش آینده بیشتر به آن پرداخته می شود. پیامبر شخصاً مبادی و اصول دین و احکام و دستورات آنها را در مسجد به مردم تعلیم می دادند و همواره در طول روز پاسخگوی سؤالات دینی و فقهی مردم بودند و گاه نیز برخی اصحاب آگاه و متبحر در امر دین را مأمور این تعلیمات می کردند. تعلیم و قرائت قرآن کریم هم از امور جاری و روزمره مساجد بود و همواره صوت قرآن از

مساجد به گوش می‌رسید. این امور به عنوان مهمترین کارکردهای دینی و تبلیغی مساجد مطرح است که در همه ادوار اسلام به ویژه دوران صدر اسلام به طور جدی رایج بوده و مساجد از برپایی آنها پررونق بوده است. در فصول بعدی خواهید دید که کارکرد دینی مساجد گرچه تحولاتی را بعضاً منفی و نامطلوب شاهد بود اما هرگز دچار افول و یا تغییرات بنیادین نشد و کارکرد خود را همچون برخی کارکردهای دیگر از دست نداد.

کارکرد علمی، آموزشی و فرهنگی

«هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»⁽¹⁾

این شعار بلند اسلام در اصالت بخشیدن به علم و ارزش گذاری صریح برای دانایی است و همین يك شعار حماسی کافی است که امتی را به حرکت درآورد و آنان را در مسیر علم آموزی تا مرحله جانبازی پیش برد.

«قرآن دعوت کرده بود به ایمان، یعنی باور مبتنی بر آگاهی و شناخت، پس هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند. می‌دانیم که مقدمه واجب نیز واجب است. از این رو در نظام تربیتی اسلام کسب آگاهی و شناخت بر هر فرد، به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتماعی به اندازه عقلی او واجب است. و از اینجا بود که تحصیل دانش در میان مسلمانان وجوب عینی پیدا کرد، و این به جز رشته‌های تخصصی بود که گاه وجوب کفایی داشت و گاه وجوب عینی.»⁽²⁾

آیات متعددی از قرآن کریم به تشویق و توصیه در توجه به کائنات و درك و

ص: 74

1- - زمر / 9

2- - محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374، ص 9.

فهم آیات الهی در نظام هستی اختصاص یافته است. «(قرآن) به تفکر آزاد در کلیات جهان هستی و در نظام کلی عالم و در نظامهای خاص مانند نظام آسمان و ستارگان و شب و روز و نباتات و حیوان و انسان و غیر آن امر می کند و با رساترین ستایش کنجکاوی عقلی را می ستاید. (1)

این ستایشها و تأکیدات قرآن حس کنجکاوی جدی را در بین مسلمین برمی انگیزد و بدین ترتیب آنان آگاهی به آفاق و انفس و آیات متعدد الهی در عالم هستی را راهی مطمئن برای خداشناسی و کسب معرفت و دستیابی به حق می دانستند و لذا با انگیزه فراوان که از يك غایت معتبر ناشی می شد وارد عرصه علم آموزی می شدند.

علاوه بر آیات قرآن کریم، سیره نبوی عامل دیگری در رویکرد علمی و آموزشی جامعه اسلامی محسوب می شد. پیامبر رسالت خود را با خواندن و قلم آغاز کرده بود. آن هم در محیطی که سابقه ای از علم و دانش به معنای رایج آن روز جهان در آن وجود نداشت و بنابر گزارشهای معتبر تاریخی تعداد افراد با سواد در آن منطقه کمتر از بیست تن بود. این مسأله در کنار سخنان ارزشمندی که در فضیلت علم و عالم از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می شد از قبیل اینکه «حکمت گمشده مؤمن است پس هر کجا آن را یافت از همه مردم به آن سزاوارتر است.» و یا «علم را بجوئید ولو در چین باشد.» و «زگهواره تاگور دانش بجوئید» و...، اشتیاق و کنجکاوی جامعه عربی بدوی را افزایش می داد و آنان را مشتاقانه به محفل تعلیم و تدریس می کشاند.

ص: 75

اما چنین تشویقها و ترغیبهایی در میان آکادمیهای بزرگ یونان و یا دانشگاه بین المللی جنیدی شاپور انجام نمی شد؛ بلکه در محیطی انجام می گرفت که در آن هیچ سابقه ای از وجود يك نهاد علمی مشاهده نمی شود. از سوی دیگر علمی که اسلام مبلغ آن بود در راستای تحصیل ایمان و در جهت اهداف عالی دین و جامعه اسلامی بود. در چنین شرایطی طبیعی است که بهترین و مناسبترین مکان و ملجأ فعالیتها علمی و آموزشی در جامعه «مسجد» باشد؛ چرا که از يك سو نهاد دین است و از سوی دیگر اقامتگاه معلم بزرگ بشریت و مشوق اصلی این جریان علم خواهی، البته نگارنده به این نتیجه نرسیده است که کارکرد علمی و آموزشی يك کارکرد اصالی برای مسجد بوده است؛ اما بی تردید در آن زمان و در آن شرایط «مسجد» بهترین گزینه برای فعالیتها علمی و آموزشی محسوب می شد و پیامبر بزرگوار اسلام نیز با تأییدات خود بر این امر صحنه گذاردند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمودند: «هر کس به مسجد من بیاید و هدفی جز فراگیری دانش یا آموختن به دیگری نداشته باشد، بسان مجاهدی است که در راه خدا به جهاد می پردازد.»⁽¹⁾

و نیز از ده تن از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است که: «ما در مسجد قبا درس می خواندیم، چون پیامبر بیرون می رفت فرمود: آنچه می خواهید بدانید فراگیرید و خدای شما را پاداش ندهد مگر آنچه را فراگرفته اید به کار بندید.»⁽²⁾

در روایت فوق مشاهده می شود که امور آموزشی در مدینه منحصر به مسجدالنبی نبوده و در مساجد دیگر مانند مسجد قبا نیز این فعالیتها برقرار بوده

ص: 76

1- - «فعالیت مساجد در عصر پیامبر» ص 54، به نقل از سمهودی، ج 2، ص 301.

2- - همان، ص 52.

است. «اما مسجد نبوی در این شهر به عنوان جایگاه اصلی و مهمترین مرکز آموزش قرآن و فقه اسلامی به شمار می رفت. زیرا در این مسجد معلم بزرگ انسانیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) شخصاً به کار تعلیم و ارشاد مسلمانان مشغول بودند و در پرتو تعالیم وحی فصلهای نوینی از اصول و مبادی دانشهای اسلامی را برایشان عرضه می کردند.»⁽¹⁾

طبقات و جلسات متعدد آموزش قرآن کریم و احکام اسلامی در بیشتر ساعتهای روز و حتی شبانگاه در این مسجد تشکیل می شد و علاوه بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شخصیتهای بزرگی از صحابه که به طور ویژه تربیت شده بودند و آگاهی و توانایی آنها مورد اعتماد پیامبر اکرم بود، همچون امیر مؤمنان (علیه السلام)، ابن مسعود، زید بن ثابت، ابی بن کعب و... در این نشستها به تعلیم کتاب خدا و فقه اسلامی به مسلمان می پرداختند.⁽²⁾

البته توجه داریم که این آموزشها منحصر به قرائت قرآن و فقه نمی شد. اما از آنجا که این دو علم مبتلابه مردم بود و همه مردم مایل بودند که قرآن را بخوانند و نیز به احکام فقهی که در زندگی روزمره و کسب و کار و روابط اجتماعی آنها دخیل بود واقف باشند لذا طبیعی بود که اهتمام به آموزش قرآن و فقه بیش از دیگر علوم باشد.

«اصحاب صفة نیز که مدتی در این مسجد می زیستند در آنجا به آموختن قرآن می پرداختند و عبادة بن صامت معلم ایشان بود.»⁽³⁾

این روند آموزشی و علمی بیش از دو قرن در تمامی مساجد جهان اسلام

ص: 77

1- همان، ص 53.

2- همان، ص 55.

3- همان، به نقل از کتانی، ترتیب، ج 1، ص 40.

جاری بود و تنها پس از تأسیس مدارس عالی و دانشگاه‌های جهان اسلام این روند کاهش یافت. البته همانطور که خواهید دید، این مدارس عالی نیز ارتباط تنگاتنگ خود را با مساجد حتی در دوران میانه تاریخ اسلام از دست نداده اند.

در دوره های پس از صدر اسلام همه متخصصان و طلاب علوم دینی جلسات مباحث خود را در مسجد برپا می کردند. اهل حدیث نیز حلقه های خود را در مسجد دایر می کردند. در بعضی مساجد مجموعه های حدیث مخصوصاً صحیح بخاری و صحیح مسلم قرائت و تعلیم می شد و سنت املاء کتب که وسیله اصلی انتشار کتب در چندین نسخه بود از مساجد آغاز گشت. احکام شریعت نیز در مسجد مسلمین تبیین می شد. مجالس تفسیر قرآن در مسجد برپا می شد. در مساجد حوزه هایی بود برای مقابله و تلاوت قرآن که در آنها تجوید و قرائت نیز تعلیم می شد. به عبارت دیگر اختلاف قرائات یا قرائتهای مختلف نیز از دل مساجد جهان اسلام بیرون آمد. زهاد و صوفیه نیز بر خلاف دوره های بعد برای اعتکاف در مسجد خلوت می گزیدند. چنانکه حلقه های اذکار _ ذکر نام خدا _ هم در مساجد تشکیل می یافت. (1)

اندکی بعد مباحث جنبجالی کلامی میدان دار اصلی عرصه علم و دانش در مساجد شد و حلقه های بزرگ متکلمین که در آن به طرح موضوعات و پرسش و پاسخهای کلامی در باب توحید و معاد و نبوت و قرآن پرداخته می شد، دایر گشت. اهل جدل در حلقه های متعدد به بحث از عقاید دینی بانگ بلند می کردند و در واقع دو مکتب کلامی بزرگ جهان اسلام یعنی اشاعره و معتزله از مسجد

ص: 78

برخاستند و در مسجد تأسیس شدند.

آموزش مباحث فقهی نیز که از دوران پیامبر آغاز گشته بود، در دوره های بعد در انجمنهای آموزشی شخصیت‌های بزرگی چون امام صادق (علیه السلام) و ائمه مذاهب اهل سنت مراحل بالندگی خود را گذراند و به تدریج در کمتر از دو قرن چندین مکتب فقهی در سراسر جهان اسلام تأسیس شد که هر یک انبوهی از پیروان و مقلدان را به خود اختصاص داد.

بنابراین مشاهده می شود که همه مکاتب بزرگ فقهی، تفسیری، کلامی، حدیثی در مساجد جهان اسلام تأسیس شده، رشد یافتند و در یک کلام همه آنچه که بعدها بنیان علوم اسلامی به ویژه علوم اصیل را تشکیل می داد از مساجد خارج شد و بعدها پایه اصلی عصر طلایی اسلامی را تشکیل داد. به طوری که می توان گفت مسجد «مرکز نهضت علمی» تمدن اسلامی بود. امروز نیز جهان اسلام وامدار همین انجمنهای آموزشی مساجد و ادامه دهنده همان راه است.

علاوه بر فعالیت‌های علمی و آموزشی، کارکرد فرهنگی و ادبی نیز از دیگر کارکردهای مساجد از همان دوران پیامبر بود. به طوری که انجمنهای ادبی نیز در مسجد نبوی تشکیل می شد و شاعران و سخنوران بزرگ عرب در حضور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به انشاء شعر و ایراد خطابه می پرداختند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) شعر متعهدی را که در خدمت مکارم اخلاقی و بیان ارزشهای معنوی به کار گرفته می شد ارج می نهاد. (1)

در باب اهتمام پیامبر به شعر همچنین ابن سعد نقل می کند که

ص: 79

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور داده بود برای حسان بن ثابت در مسجد منبری نهاده بودند و او اشعارش را از بالای منبر می خواند. (1)

در دوره های بعد نیز فعالیت های دینی و علمی مساجد هرگز مانع چنین امور ادبی نبوده است. به طوری که مثلاً «در مسجد بصره که در آنجا گروهی اهل جدل در حلقه ای به بانگ بلند از عقاید دینی بحث می کردند، نزدیک آنها دوستداران شعر و ادب به حلقه دیگر بودند» (2)

ملاقات و مناظره با سران دیگر ادیان نیز از جمله امور جاری در مساجد به ویژه در عصر پیامبر و در مسجد نبوی بود. پیامبر مکرر سران و پیروان ادیان دیگر همچون مسیحیت و یهودیت را در مسجد به حضور می پذیرفتند و پیرامون عقاید هر یک با هم بحث می کردند و پیامبر دعوت اسلامی را به آنها ابلاغ می فرمود. نمونه های فراوانی از این ملاقاتها وجود دارد که گزارشهایی در کتب تاریخ ضبط شده است. از آن جمله در سیره پیرامون دیدار گروهی از مسیحیان نجران با پیامبر در مسجد نقل شده است که «هنگام عصر بود که نصاری به مدینه وارد شدند و یکسره به مسجد رفتند و در آن هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با مسلمانان نماز عصر به جا می آوردند. آنان نیز نمازشان را به جا آوردند) و پس از اینکه نمازشان به پایان رسید در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) جلوس کردند و عقاید مختلفی که درباره حضرت عیسی (علیه السلام) داشتند اظهار کردند. (پیامبر به آنان پاسخ گفت) و در این هنگام بیش از هشتاد آیه از سوره آل عمران در همین زمینه نازل شد.» (3) به نظر می رسد که مناظرات فراوان متکلمان بزرگ مسلمان با

ص: 80

1- طبقات الکبری، ج 2، ص 745.

2- تاریخ سیاسی اسلام، ج 2، ص 298.

3- سیره ابن هشام، ج 2، ص 382.

دانشمندان و روحانیان مسیحی و یهودی و مجوس در دوره های بعد با الگوبرداری از همین سنت نبوی انجام می شده است.

بدین ترتیب می توان به عنوان يك کارکرد فرهنگی، تبلیغی و ارتباطی دیگر برای مساجد در دوره های مختلف به ویژه صدر اسلام از مسجد به عنوان «مرکز گفتگوی ادیان» در جامعه اسلامی نام برد.

کارکرد سیاسی، اجتماعی و قضایی

کارکرد سیاسی

بدون تردید در کنار کارکرد دینی، وسیعترین کارکرد مساجد در صدر اسلام کارکرد سیاسی آنها بود. به طوری که مسجد رسماً يك نهاد سیاسی در جامعه به شمار می رفت. «شواهد تاریخی حاکی از این است که در صدر اسلام مسجد به عنوان نهادی حکومتی تلقی می شد. اسلام ذاتاً مخالف جدایی دین از سیاست نبود. از این رو يك فرد واحد هم زمامدار و هم مدیر اجرایی بود و يك ساختمان واحد هم مسجد بود و هم مرکز ثقل مسایل دینی و سیاسی.»⁽¹⁾

بنابراین مسجد تنها عبادتگاه جامعه نبود. بلکه مقری بود برای همه فعالیتهای سیاسی جامعه اسلامی که اتفاقاً براساس اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست در مکتب اسلام، عبادی نیز محسوب می شد و جوهره عبودیت در آن ملحوظ و آشکار بود. به عبارت دیگر در صدر اسلام مسجد بهترین نماد تلفیق دین و سیاست بود و «اصل سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست» نخستین

ص: 81

بار در مسجد النبی در معرض نمایش گذارده شد.

علاوه بر این اقامت و حضور نسبتاً دائمی نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان امام و رهبر جامعه در مسجد توجه خاص عمومی به این نهاد را دو چندان می کرد. در واقع «سکونت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در مسجد بر اهمیت ویژه آن افزود؛ به گونه ای که مسجد مرکز سیاسی جامعه مسلمین شد. برای ایشان چندان مشکل نبود که در نزدیک مسجد خانه ای برای خویش بسازد. اما پیامبر می خواست اولاً پایگاهش در خود مسجد باشد تا مسجد تبدیل به مرکز سیاسی جامعه شود، ثانیاً مسلمانان وضعیت زندگی پیامبر را با وجود تسلط ایشان بر همه امور به چشم خویش ببینند. تا خدمتگزاران جامعه اسلامی در زمان پیامبر یا پس از ایشان از این نمونه پیروی کنند. پیامبر می خواست به آنان بیاموزد که خدمت به مردم در جامعه اسلامی ریاست و سیادت نیست. بلکه خدمتی است که تنها برای خدا انجام می شود و هدف آن ثروت اندوزی، جاه طلبی، استفاده شخصی یا خودنمایی نیست. امر واجبی است که شخص به سبب عشق به اسلام و جامعه مسلمین و تنها برای پاداش اخروی به جا می آورد.»⁽¹⁾

اما در تبیین دقیق تر این کارکرد، با بررسی تاریخ صدر اسلام شامل ده سال حاکمیت پیامبر در مدینه و پس از آن قریب به سه دهه حکومت خلفای راشدین، می توان کارکردهای ذیل را برای مساجد در حوزه سیاسی برشمرد:

1_ دارالحکومة.

2_ محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت.

ص: 82

1- - «پیدایی مساجد» ص 83.

3_ مجلس مشورتی.

4_ محل صدور فرمانهای حکومتی.

5_ محل انتصاب کارگزاران و سفیران.

6_ محل پذیرش سفیران دیگر اقوام و ممالک.

7_ محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران.

8_ محل انتشار و ابلاغ اخبار مهمی چون اخبار فتوحات.

این هشت مورد، ابعاد مختلف کارکرد سیاسی مسجد است که نگارنده در حد بضاعت و مطالعه اندک خود دست یافته است. و طبیعی است که بررسی بیشتر تاریخ صدر اسلام می تواند ابعاد دیگری از این کارکرد را روشن سازد.

1_ دارالحکومه: در این مورد قبلاً توضیح داده شد که پیامبر در واقع با انتخاب مسجد به عنوان محل سکونت خود آن را به مرکز حکومتی و سیاسی جامعه تبدیل کرد. در دوران خلفای راشدین نیز گرچه هیچ يك مانند پیامبر مسجد و یا حاشیه مسجد را به عنوان خانه خود برنگزیدند، اما هرگز نه در خانه خود و نه در هیچ مکانی جز مسجد به امور حکومتی به خصوص جنبه عمومی آن نمی پرداختند و همواره در این دوران نیز مسجد به ویژه در پایتخت بلاد اسلام، دارالحکومه و مقر حاکمیت محسوب شده و توجه عمومی را به سوی خود داشت.

2_ محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت؛ این امر نیز هم در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) اجرا می شد و هم دوران خلفای راشدین. مردم بخصوص آنان که به تازگی به اسلام در می آمدند عموماً در مسجد با پیامبر بیعت می کردند و ولایت پیامبر بر خود را می پذیرفتند. پیامبر یا سخنگویان وی نیز همه فرمانها و احکام و نیز برنامه های حکومتی را در مسجد به اطلاع مردم می رساندند. شاید بارزترین و

ص: 83

معروفترین آنها اعلام حکم جواز جهاد برای مسلمین بود که در مسجدالنبی به اطلاع مسلمین رسید.

در زمان ابوبکر گرچه بیعت اولیه در محل سقیفه بنی ساعده انجام شد اما بیعت عمومی با وی در روز بعد و در مسجد انجام یافت. وی سپس «بر منبر برآمد و يك پله پایین تر از نشیمن پیامبر خدا نشست و پس از سپاس و ستایش خدا گفت: من اکنون با اینکه بهتر شما نیستم بر شما حکومت یافته‌ام. پس اگر راست بودم مرا پیروی نمایید و اگر کج شدم راستم کنید. نمی گویم که من در فضیلت از شما برترم لیکن در کشیدن این بار بر شما برتری دارم.»⁽¹⁾

خلیفه دوم نیز پس از به خلافت رسیدن و انجام بیعت در مسجد، «بالای منبر رفت و يك پله پایین تر از جای ابوبکر نشست و با مردم آغاز خطبه کرد و سپاس و ستایش خدای گفت و درود بر پیامبر فرستاد و از ابوبکر و برتری او یاد کرد و برای او طلب رحمت نمود.

سپس گفت: من جز مردی از شما نیستم و اگر ناخوش نمی داشتم که فرموده جانشین پیامبر خدا را رد کنم امر شما را به عهده نمی گرفتم.»⁽²⁾

عثمان نیز دقیقاً همینطور عمل کرد و پس از بیعت در مسجد بالای منبر برآمد و در همانجایی که پیامبر خدا در آن می نشست نشست و سخنرانی نمود.⁽³⁾

امیرالمؤمنین را نیز که مسلمین با آن شرایطی که در روز بیعت معروف است به مسجد بردند و پس از بیعت امیرالمؤمنین خطبه خواند و برنامه های حکومت

ص: 84

1-- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 2.

2-- همان، ص 20.

3-- همان، ص 54.

خود و نوع خلافت خود را که با شیوه های قبلی تفاوت داشت، با قاطعیت بر منبر بیان فرمود.

امام حسن (علیه السلام) نیز که پس از شهادت امیر مؤمنان (علیه السلام) برای مدت کوتاهی به خلافت رسید نیز به همین منوال عمل کرد. در همین زمینه در تاریخ یعقوبی آمده است که «مردم فراهم شدند و با حسن بن علی (علیه السلام) بیعت کردند و حسن بن علی (علیه السلام) به مسجد جامع رفت و خطبه ای طولانی ایراد کرد.»⁽¹⁾

3_ مجلس مشورتی؛ مسجد همواره مجلس مشورتی مسلمین محسوب می شد. و در دوره های مختلف در مساجد پیرامون اهم مسائل منطقه، شهر و کشور و یا امت اسلامی میان مسلمین تبادل نظر صورت می گرفته است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز همواره در مسجد با مسلمانان درباره مطالب مربوط به جامعه اسلامی مشورت و گفتگو می کردند. به طوری که می توان گفت تقریباً در همه مواردی که دستور مستقیم وحی وجود نداشت از طریق مشورت با مسلمین تصمیم گیری می شد و محل این مشورتها عموماً مسجد بود چرا که اساساً این دستور قرآن به پیامبر بود که «وشاورهم فی الامر».

مهمترین این مشورتها در حوزه نظامی و غزوات و تنظیم سیاستهای دفاعی بود که مصادیق آن را در قالب مصوبه این جلسات مشورتی در انتخاب خارج شهر برای جنگ احد و یا حفر خندق در شمال مدینه در جنگ احزاب می توان یافت.

در زمان خلفای راشدین که دیگر ارتباط آسمانی و وحی قطع شده بود، امور بیشتری به مشورت گذارده می شد. شاید تفاوت این دوران البته به استثنای

ص: 85

دوران امیرالمؤمنین با عصر نبوی در این باشد که در دوران پیامبر مشورتها عمومی بود و هر مسلمانی از هر طبقه ای که صاحب نظر بود آن را ارائه می کرد. اما در دوران خلفا این مشورتها بیشتر با کبار صحابه و سران طوایف انجام می شد.

«خلیفه در اداره امور دولت از مجلس اعیان کمک می خواست. مجلس اعیان اسلامی از بزرگان اصحاب و سران قبایل و بزرگان مدینه در مسجد تشکیل می شد و خلیفه کاری را جز با مشورت آنها سرانجام نمی داد.»

این کارکرد برای مساجد گرچه در دوره های بعد در اثر تحولاتی که اتفاق افتاد در حوزه مسائل سیاسی و کلان حکومتی از بین رفت، اما همواره مسائل محلی و منطقه ای و شهری در آن طرح شده و مردم آن منطقه درباره آن امور با یکدیگر مشورت می نمودند.

4_ محل صدور فرمانهای حکومتی: مسجد همواره در صدر اسلام محل اصلی صدور فرمانهای حکومتی بود و مردم همواره این احکام را در مساجد دریافت می نمودند. در زمان رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) احکام متعدد الهی همچون وجوب جهاد، حکم حرمت شرب خمر، وجوب روزه، وجوب زکات، حکم پیمان اخوت و دهها حکم و دستور دیگر در مسجد از سوی پیامبر و یا برخی صحابه که نقش سخنگوی پیامبر را بر عهده داشتند ابلاغ می گردید و خلفا نیز احکام حکومتی و یا دعوت به جهاد و دیگر دستورات خود را عموماً شخصاً در مسجد و بر منبر ابلاغ می نمودند. به عنوان نمونه «عمر در مسجد مدینه از فراز منبر به مسلمانان گفت که سپاهشان در عراق عقب نشینی کرده و برای حرکت بدان سرزمین

ترغیب شان کرد.»⁽¹⁾ و یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد مردم را به خاطر کوتاهی از جنگ با شامیان سرزنش می فرمود و جهاد را بر آنان واجب نمود.

5_ محل انتصاب و اعزام کارگزاران و سفیران: در صدر اسلام پیامبر اکرم خلفا، امیران و کارگزاران حکومتی و نیز سفیران اسلام به دیگر بلاد را در مسجد منصوب می نمودند و آنان را اعزام می فرمودند. موارد زیادی در این زمینه ها در کتب مختلف تاریخی می توان یافت که در اینجا برای رعایت اختصار به چند نمونه اشاره می شود.

در سیره ابن هشام آمده است که پس از آنکه نصاری نجران از مباحله خودداری کردند و به تابعیت حکومت مدینه رضایت دادند، پیامبر نیز به آنها فرمود که امیری را بر آنها می گمارد. سپس بعد از نماز ظهر در مسجد در میان اصحاب خود نگاه کردند تا اینکه چشمشان به ابوعبیده جراح افتاد. پس او را طلبیده فرمودند: «به همراه اینان برو و در میانشان بر طبق حق حکومت کن، و با این ترتیب این منصب نصیب ابوعبیده شد.»⁽²⁾

در جای دیگر نقل شده است که «پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به اصحاب خود که آنان را برای سفارت برگزیده بود، فرمود: همگی به سپیده دم در نماز صبح حاضر باشید (و سپس به ایشان فرمود) برای رضای خدا نسبت به بندگان خدا خیرخواهی کنید. هر کس عهده دار کاری از امور مردم گردد و برای ایشان خیرخواهی نکند، خداوند بهشت را بر او حرام می فرماید. بروید و چنان مکنید که سفیران عیسی (علیه السلام) کردند که به افراد نزدیک رسیدند و پیش آنها رفتند و آنان را که دور

ص: 87

1- همان، ص 450.

2- سیره ابن هشام، ج 1، صص 385_ 386.

در زمان خلفا نیز امور به همین منوال بود به عنوان مثال، روزی خلیفه دوم به مسجد رفت و «نعمان بن مقرن را دید که نماز می خواند. پهلوی او نشست و چون نمازی را به سر برد گفت: می خواهم تو را به کار حکومت برگمارم. گفت: اگر برای خراج گرفتن است حاضر نیستم مگر اینکه برای جنگ باشد. گفت: برای جنگ می روی.(2) و او را بفرستاد.»(3)

6 _ محل پذیرش و ملاقات با سفیران خارجی: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) همواره سفیران و نمایندگان اقوام و بلاد مختلف را در مسجد به حضور می پذیرفتند و با آنها به گفتگو می پرداختند و پیام آنها را می شنیدند. این دیدارها در مساجد در سال نهم هجری موسوم به عام الوفود که هیأت‌های نمایندگی متعددی برای اعلام پذیرش اسلام به مدینه می آمدند به طور چشمگیری افزایش یافت و مسجد النبی مرتباً شاهد حضور سفیران مناطق و طوایف مختلف بود. شرح این دیدارها و گفتگوهای صورت گرفته به طور مفصل در دو کتاب طبقات ابن سعد و نهایه الارب نویری آمده است و ما در اینجا تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می نمایم.

«پانزده نفر از نمایندگان قبیله طی(4) به حضور پیامبر آمدند. هنگامی که وارد مدینه شدند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مسجد بود. آنان مرکب‌های خود را کنار مسجد بستند، سپس وارد مسجد شدند و نزدیک پیامبر آمدند، آن حضرت اسلام را به

ص: 88

1- - طبقات الکبری، ج 1، ص 249.

2- منظور جنگی است که اصفهان در آن فتح شد.

3- 2- مروج الذهب، ج 1، ص 679.

4- قبیله ای از اهالی یمن

ایشان عرضه فرمود و همگی مسلمان شدند.»(1)

«چند نفر از نمایندگان بنی حنیفه(2) در مسجد به حضور رسول خدا رسیدند و سلام دادند و شهادت حق بر زبان آوردند.»(3)

«پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور فرمود برای کسانی که از بنی مالک(4) بودند در مسجد خیمه زدند و معمولاً هر شب بعد از نماز عشاء پیش ایشان می آمد و می ایستاد و گفتگو می فرمود.»(5)

نمایندگان عبدالقیس(6) نیز با جامه های مشخص خود هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در مسجد بود آمدند و سلام دادند و پیامبر با آنها به گفتگو پرداخت.»(7)

7- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران: این مساله گرچه در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تحقق نیافت و چنین امری مشاهده نشد، اما در عصر خلفای راشدین به ویژه سه خلیفه اول و بخصوص در دوران عثمان به طور فزاینده ای دیده می شود و مسجد همواره بهترین پایگاه دادخواهی از کارگزاران و اعتراض به سیاستهای حکومتی و استیضاح مسئولین جامعه بوده است. و نکته مهم اینکه کارگزاران و سردمداران جامعه نیز خود را ملزم به پاسخگویی به این مسائل و قانع کردن مردم می دانستند و لذا در مسجد حاضر می شدند و بر منبر از خود دفاع

ص: 89

1- - طبقات الکبری، ج 1، ص 309.

2- قبیله بزرگی که در یمامه زندگی می کردند.

3- 2- همان، ص 303.

4- نام بخشی از قبیله ثقیف که در طائف ساکن بودند.

5- 3- همان، ص 301.

6- نام قبیله ای که در بحرین ساکن بودند.

7- 4- همان.

کرده، توضیحات لازم را به اطلاع مردم می‌رساندند.

به عنوان مثال، «در سال بیست و یکم مردم کوفه از امیرشان سعد بن ابی وقاص شکایت کردند. عمر، محمد بن مسلمه انصاری را بفرستاد تا در قصر کوفه را آتش زد و سعد را در مسجد کوفه با مردم روبرو کرد و درباره وی از ایشان پرسید که بعضی او را ثنا گفتند و بعضی شکایت کردند که عمر او را عزل کرد.»⁽¹⁾

همانطور که اشاره شد اوج استفاده از مسجد برای اعتراض به حکومت در زمان عثمان بود و سبب اصلی آن نیز بدعتها و انحرافات بود که دستگاه حاکمه وی از سنت نبوی و حتی روش دو خلیفه قبلی داشت. لذا علاوه بر توده مردم شخصیت‌های برجسته ای از کبار صحابه و یا زنان پیامبر به وی معترض بودند که از مهمترین آنها ابوذر و عایشه بودند البته بعضاً با دو انگیزه متفاوت.

ابوذر در مسجد اعتراض می‌کرد: «عثمان خبر یافت که ابوذر در نشیمن پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌نشیند و مردم پیرامون او فراهم می‌شوند و احادیثی می‌گویند که باعث قدح عثمان است و نیز در مسجد ایستاده و گفته است: ... محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) وارث دانش آدم و برتریهای پیامبران است و علی بن ابیطالب (علیه السلام) وصی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و وارث علم او است. ای امت سرگردان پس از پیمبرش، هان که اگر شما کسی را که خدا پیش داشته مقدم می‌داشتید و کسی را که خدا پس انداخته عقب می‌انداختید و ولایت و وراثت را در خاندان پیامبر خود می‌نهادید، البته از بالای سر و از زیر پای خود می‌خوردید و دوست خدا ندار نمی‌شد و سهمی از فرائض خدا از میان نمی‌رفت و دو نفر در حکم خدا اختلاف نمی‌کردند؛ مگر آنکه

ص: 90

علم آن را از کتاب خدا و سنت پیامبرش نزد اینان (اهل بیت رسول) می یافتید. لیکن اکنون که چنین کردید پس بدفرجامی کار خود را بچشید «سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون.»

عثمان نیز خبر یافت که ابوذر از او بدگویی می کند و سنتهای پیامبر خدا و روشهای ابوبکر و عمر را که تغییر داده و دگرگون کرده است یادآور می شود. پس او را به شام تبعید کرد.»⁽¹⁾

درباره اعتراض عایشه نیز نقل شده است که «عثمان روزی خطبه می خواند که عایشه پیراهن پیامبر خدا را بیاویخت و فریاد کرد: ای گروه مسلمانان، این جامه پیامبر خدا است که کهنه نگشته ولی عثمان سنت او را کهنه کرده است. پس عثمان گفت: پروردگارا مگر این زنان را از من بگردان، همانا مگر ایشان بزرگ است.»⁽²⁾

علاوه براین عثمان در موارد دیگری نیز که مورد اعتراض واقع می شد بر منبر می رفت و از خود در مقابل اعتراضات مردمی دفاع می نمود و لذا مسجد محل این استیضاح و پاسخگویی بود.

8_ محل انتشار اخبار مهم: مسجد با مأذنه هایی که داشت و دارد، همواره محل انتشار اخبار گوناگون بوده است. بخصوص اخبار مهمی که با مصالح عمومی ارتباط داشت مانند اخبار حکومتی و جنگها و از همه مهمتر اخبار مربوط به فتوحات در مساجد به گوش مردم می رسید. مردم همواره موثق ترین اخبار را در مساجد جستجو می کردند و حاکمان نیز هر خبری را که می خواستند جمعیت

ص: 91

1- تاریخ یعقوبی. ج 2، ص 65 _ 66.

2- همان، ص 71 _ 72.

بیشتری آن را بشنود در مساجد اعلام می کردند.

در دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) این کار کرد برای مساجد به وجود آمد و همواره مسلمین اهم رویدادها و اخبار پیرامون مسائل داخلی حکومت و یا مسائل خارجی و تحرکات مشرکین و اخبار سپاهیان را در مسجد می شنیدند و در دوران خلفا نیز که دوره آغاز فتوحات گسترده بود همواره اخبار این فتوحات در مسجد و مهم تر آنکه توسط شخص خلیفه به اطلاع مردم می رسید و بعضاً در صورت اهمیت فوق العاده آنها این اخبار زمان هم نمی شناخت. از جمله خبر فتح قیساریه بود که شبانگاه به اطلاع مردم رسید. یعقوبی نقل می کند که قاصد سپاه شام شبانه به مدینه و نزد خلیفه دوم رفت و خبر فتح قیساریه را که از مناطق مهم فلسطین بود توسط سپاه مسلمین به او خبر داد. وی تکبیر گفت و خدا را ستود. سپس همان نیمه شب به سوی مسجد رفت و دستور داد مردم را جمع کردند و آتشی نیز آوردند برای روشنایی مسجد، آنگاه بر منبر رفت و خدا را ستود و فتح قیساریه را به مردم اعلام نمود. (1)

در دوران عثمان نیز مشابه این مسأله درباره فتوحات شمال آفریقا نقل شده است به این شکل که، عبدالله بن سعد بن ابی سرح فرمانده سپاه اسلام در مناطق شمال آفریقا، عبدالله بن زبیر را با مژده فتح سبیطله از مناطق شمال آفریقا به نزد عثمان فرستاد و او عثمان را مژده داد. عثمان نیز برای اعلام این خبر شخصاً به مسجد رفت و به منبر برآمد و آن خبر را به اطلاع مردم رسانید. (2)

بدین ترتیب مشاهد می شود که مسجد علاوه بر همه کارکردهای خود در واقع

ص: 92

1-- همان، ص 37.

2-- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 58.

همچون يك «رسانه گروهی معتبر و موثق» در جامعه آن روز اسلامی عمل می کرد.

کارکرد اجتماعی و قضایی

گرچه تمامی آنچه تاکنون درباره کارکردهای متعدد مساجد صدر اسلام بر شمرده ایم به نوعی کارکرد اجتماعی محسوب می شد، اما در اینجا به طور خاص بابتی مستقل را پیرامون مسائل اجتماعی و قضایی گشوده ایم تا نقش مساجد در این موارد را نیز بررسی نماییم.

نخستین مسأله ای که در حوزه مسائل اجتماعی مطرح می شود شکسته شدن نظامهای طبقاتی و اخلاق اشرافیگری و مرزبندی های کاذب خون و نسب و ثروت و جایگزین شدن فرهنگ برابری و برادری در محیط مساجد است.

مسلمانان هنگامی که در مسجد نماز جماعت اقامه می کنند و یا عبادات جمعی دیگر را از انجام می دهند با هم یکسانند و هیچکس بر دیگری امتیاز ندارد و این عجیب نیست زیرا خداوند مؤمنان را برادر همدیگر قرار داده و تفاوتی میان آنها [قائل] نیست مگر تفاوتی که در [مراتب تقوا و] پیروی حق دارند. (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز در مسجد هرگاه با مؤمنین نشست و برخاست داشتند این امر را به دقت رعایت می فرمودند و حتی در نگاه کردن نیز مساواتی را برای همه قائل بودند. بدین ترتیب مسلمین با حضور مداوم در مسجد این برادری و برابری را عملاً تمرین می کردند و سپس آن را در محیط جامعه تسری می دادند.

ص: 93

در جامعه اسلامی گرچه شکاف اقتصادی وجود دارد و اسلام نیز نهایت تلاش خود را برای ترغیب مسلمین به از بین بردن این شکاف کرده است، تا هرگز برتری جویی، جنبه فکری، فرهنگی و اجتماعی پیدا نکند و سنت نشود و در محیط جامعه اسلامی کسی خود را به سبب ثروت و مکنت و یا خون و نسبت و یا رنگ پوست برتر تلقی نکند، چرا که در مسجد فقیر و غنی، سیاه و سفید، اشراف و اضعاف و در يك کلام همه اقدار جامعه در کنار هم حضور داشتند و مسجد هیچ جایی برای برتری جویی و تفاخر برای مردم فراهم نمی کرد و بلکه با آن مبارزه می نمود. این کارکرد به عنوان يك کارکرد ارزشمند و مهم در حوزه مسائل اجتماعی برای مساجد محسوب می شود.

کارکرد اجتماعی دیگر مساجد در صدر اسلام را باید در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) جستجو کرد. حضرت می فرماید: «همانا مساکین و فقراء در عهد رسول خدا در مسجد سکنی می گزیدند.»⁽¹⁾

این سخن اشاره به این دارد که مساجد خانه امید فقراء و محل سکونت موقت آنها بود. نمونه بارز اینگونه افراد در صدر اسلام اصحاب صفه هستند.

ابن سعد درباره اصحاب صفه چنین می نویسد: «اصحاب صفه گروهی از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند که خانه نداشتند و به روزگار رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) در مسجد می خوابیدند و روزها هم همانجا سایه می گرفتند و جای دیگر غیر از آن نداشتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شبها به هنگام غذا خوردن آنها را فرا می خواند، گروهی را میان یاران خود تقسیم می فرمودند که با آنها غذا بخورند و گروهی هم با خود

ص: 94

رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) غذا می خوردند و چنان بود تا اینکه خداوند متعال آنان را ثروتی عنایت فرمود.» (1)

این حضور مساکین در مسجد دو فایده مهم داشت؛ اولاً از آوارگی آنها در جامعه که می توانست منجر به ایجاد انحرافات برای آنها شود جلوگیری می کرد و ثانیاً اینان به عنوان طبقه نیازمندان جامعه دائماً در جلوی چشم حاکم و مردم بودند و در لابه لای شلوغی شهرها و رفت و آمدها گم نمی شدند تا فراموش شوند و لذا این مسأله باعث می شد که هم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و هم مسلمین دائماً در فکر تأمین زندگی آنها باشند و اولین امکاناتی را که به دست می آوردند به آنها اختصاص می دادند. بنابراین مسجد در صدر اسلام خانه امید فقیران و مسکینان جامعه محسوب می گردید.

علاوه بر این مساجد ملجأ غریبان و در راه ماندگان یا به تعبیر قرآن «ابن السبیل» نیز بود. به طوری که در شهرهای اسلامی هرگاه فرد تازه واردی داخل می شد که در آن شهر کسی را نمی شناخت یکسره به سراغ مسجد آن شهر می رفت و در مدت اقامت خود در آنجا سکنی می گزید. این سنت تا زمانی که تأسیس مهمانخانه ها و مسافرخانه ها رایج شد ادامه داشت و تا همین اواخر نیز بسیاری از افراد در دیار غربت به مسجد پناه می بردند تا در آنجا از میان برادران و خواهران دینی خود آشنایی می یافتند.

در کنار این کارکردهای وسیع اجتماعی، مساجد دارای کارکرد قضایی هم بودند. در دوران پیامبر تقریباً تمامی مسائل حقوقی و اختلافات میان مردم که

ص: 95

نیازمند رسیدگی بود در مسجد صورت می گرفت و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) میان مردم به عدالت قضاوت می کردند. حتی پیامبر در مسجد قوانین حقوقی وضع کردند و برای مسجد و منبر شأن ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها مراسم سوگند خوردن بود. «پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مراسم سوگند خوردن در موارد حقوقی را کنار منبر معمول ساخت و می فرمود: هر کس کنار منبرم سوگند دروغ گوید هر چند برای یک چوبه مسواک باشد جایگاه او در آتش خواهد بود.»⁽¹⁾

این روند بعدها نیز ادامه یافت و سالها بعد در همه بلاد اسلامی تا زمانی که مکان مستقلی به عنوان دادگاه تأسیس شد، قاضیان جلسات رسیدگی به دعاوی را در مساجد تشکیل می دادند و در میان ادعاها و اختلافات مردمی قضاوت می کردند. این جلسات در مساجد از دو جهت مفید بود. از یک سو برای قاضی که چون در محیط مسجد و عبادت که همواره ذکر خدا در آن است کار خود را انجام می داد اگر متقی بود همواره خدا را در نظر می گرفت و با دقت هر چه تمام تر کار قضا را به پایان می برد. از سوی دیگر طرفین دعوی نیز اگر مؤمن بوده باشند هر روز در آن مسجد در مقابل خداوند به عبادت می ایستادند و لذا دچار نسیان نمی شدند و از ادعای دروغ پرهیز می کردند و حال آنکه در محیطهای قضایی غیر از مساجد این امر کم رنگ تر است و ممکن است حتی برای مؤمنینی که در درجات پایین تر تقوی هستند برای حفظ منافع انحرافی پیش آید.

به هر حال مساجد در صدر اسلام و حتی بعد از آن تا مدتها کارکرد قضایی داشت و محل دادرسی مردم و ملجأ مظلومان بود.

ص: 96

در پایان بحث پیرامون کارکردهای مسجد در صدر اسلام لازم است درباره یکی از مهمترین و کارآمدترین اجزاء مسجد یعنی منبر سخنی کوتاه داشته باشیم. منبر که به عنوان تریبون مسجد محسوب می شد در همه کارکردهایی که ذکر شد نقش داشت و تقریباً با هیچ يك از آنها بی ارتباط نبود. اما پیش از بحث درباره این نقش، لازم است از نحوه ورود این جزء به درون مسجد آگاه شویم، و طبعاً برای آگاهی از آن لازم است از کتب تاریخی استمداد نماییم.

در طبقات الکبری درباره نحوه ساخت منبر چنین نقل شده است: «در آن هنگامی که مسجد سقف نداشت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) کنار تنه خرمایی نماز می گزارد و به هنگام ایراد خطبه به آن تکیه می داد. مردی از اصحاب(1) گفت:

اجازه می فرمایی تا برای تو منبری بسازم که روز جمعه بر آن بایستی تا مردم تو را ببینند و خطبه تو را بهتر بشوند؟ فرمود: آری. او منبری ساخت که دارای سه پله بود و آن همان سه پله ای است که اکنون (زمان مؤلف) بالای منبر قرار دارد. و چون منبر ساخته و در جای خود گذاشته شد پیامبر برخاست و سوی آن حرکت فرمود. آن ستون چنان بانگی کرد که شکافته شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از منبر فرود آمد و به آن ستون دست کشید تا آرام گرفت و آنگاه به سوی منبر برگشت.»(2) و بدین ترتیب منبر در مسجد به کارگرفته شد و از آن تاریخ به جزء لاینفک همه مساجد تبدیل شد.

منبر گرچه ابتدا صرفاً برای ایراد خطبه مورد استفاده بود ولی بعد در همه

ص: 97

1- بنا بر روایت دیگری در همین منبع آن صحابی «تمیم داری» بود.

2- طبقات الکبری، ج 1، ص 237.

زمینه‌ها از آن استفاده شد. به طوری که مبلغین بر آن تبلیغ دین می‌کردند و واعظان بر روی آن مردم را اندرز می‌کردند. علما از آن احکام دین را بیان می‌نمودند و معلمان با نشستن بر آن تدریس می‌نمودند. محدثین بر آن احادیث را املاء می‌کردند و قاضیان بر آن نشستند حکم صادر می‌نمودند و از همه مهمتر حاکمان جامعه و به ویژه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و خلفا بر آن برای مردم سخنرانی می‌نمودند و پیرامون مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی سخن می‌گفتند.

«وقتی خلیفه انتخاب می‌شد نخستین خطابه خود را که به منزله برنامه سیاسی او بود از منبر می‌خواند. بنابراین منبر در اسلام مانند تریبونی بود که در حکومت مشروطه برنامه سیاسی دولت از پشت آن شرح داده می‌شد.»⁽¹⁾

فرمانهای حکومتی و اخبار مهم جامعه نیز بر آن به اطلاع عموم می‌رسید و از این رو ابزار اطلاع‌رسانی آن زمان به شمار می‌آمد. و حتی حاکمان و کارگزاران حکومتی بر منبر به اعتراضات مردمی پاسخ می‌دادند و از کارنامه خود دفاع می‌کردند؛ کما اینکه عثمان چنین کرد و در برابر اعتراضات گسترده عمومی بر منبر از خود دفاع کرد.

بدین ترتیب منبر به صورت یک جزء اساسی مسجد که در همه کارکردهای آن نقش محوری داشت، تبدیل شد و همین بر ثبات آن در مساجد افزود. بنابراین در ادبیات سیاسی اسلام «تریبون رسمی حکومت» منبر بود همانطور که مقرر حاکمیت «مسجد» بود.

ص: 98

با این بحث کوتاه پیرامون منبر، بحث درباره کارکردهای مسجد در صدر اسلام را به پایان می‌بریم و به تبع آن از دوران صدر اسلام خارج می‌شویم تا نگاهی گذرا داشته باشیم به نقش و وضعیت مساجد و تحولاتی که در دوره میانه تاریخ اسلام در کارکردهای آنها پیش آمد.

ص: 99

تحول ساختاری در کارکردهای مسجد در دوره میانه تاریخ اسلام

اشاره

ص: 101

«ياتى على الناس زمان لا يبقى فيه من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمه» مساجد هم يومئذ عامرة من البناء و خراب من الهدى. سگانها و عمّارها شرّ اهل الارض. منهم تخرج الفتنة و اليهم تاوى الخطيئه يردون من شدّ عنها فيها. و يسوقون من تأخر اليها. يقول الله تعالى: (فبى حلفت لأبعثنّ على اولئك فتنة أترك الحلیم فيها حيران) و قد فعل و نحن نستقبل الله عشرة الغفلة»(1)

«مردم را روزگاری می رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان آباد است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین اند. فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان در آویزد، آنکه از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند و آن که از آن پس افتد به سويش برانند. خدای تعالی فرماید: به خود سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که

ص: 103

بردبار در آن سرگردان ماند و چنین کرده است و ما از خدا می خواهیم از لغزش غفلت درگذرد.»

این سخنان پیشگویی بزرگمردی است که با احاطه خود به حیات بشریت که از اتصال باین حقیقت ناشی می شد، همه آنچه بعدها بر سر امت پیامبر می آمد را می دید و اینچنین با بیانی تلخ خبر از دگرگونی در همه امور دینی و از جمله تحولات اساسی در وضعیت مساجد، این پایگاههای توحید جامعه می داد. آن پیشگویی دیری نپایید که به حقیقت پیوست. به زودی و با حاکمیت بنی امیه بر جهان اسلام تبدیل خلافت به سلطنت، از قرآن جز نقش و نگاری و از اسلام جز نامی بر جای نماند و در آن زمان آنچنان که خواهید دید مساجد آباد و باشکوه بود، اما از محتوا و روشنگری تهی و اینچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداختن به تشریفات و فراموشی آرمانها را در روند حرکت امت مسلمان پیش بینی نمود و آن را بیان کرد. تفسیر سخن آن امام بزرگوار از عهده ما خارج است و خوانندگان می توانند به شرح بزرگان بر این سخنان مراجعه نمایند. اما تنها چیزی که مسلم است اینکه مولای متقیان خبر از تحولی اساسی و ساختاری در ابعاد اسلام و همچنین کارکرد مساجد در دوران پس از صدر اسلام می دهند و لذا ما سخن آن بزرگوار را سرآغاز و زینت بخش این فصل نمودیم.

در این فصل از تحولات در کارکرد مساجد و افول برخی کارکردها و به وجود آمدن برخی کارکردهای جدید سخن به میان می آوریم، گرچه این تحولات همگی منفی نیست، اما در جمع بندی آنها باید اذعان نمود که حیات مساجد شادابی و طراوت دوران صدر اسلام را در این دوره از دست می دهد و آرام آرام به حاشیه جامعه رانده می شود.

اولین و اساسی ترین تحولی که در مساجد اتفاق افتاد سلب کارکرد سیاسی از مساجد بود که سنگین ترین ضربه را به موقعیت مساجد در جامعه وارد کرد. مساجد که در دوران صدر اسلام مقر حاکمیت و پایگاه سیاسی جامعه محسوب می شد، اکنون بدون وجه سیاسی، ناقص به نظر می رسید، نخستین نشانه های تضعیف این نقش را باید در دوران معاویه دید، وی که مرکز حاکمیت را به شام منتقل کرد، در نخستین گام «مقر حاکمیت» را به کاخ باشکوه خود در دمشق منتقل کرد و بدین ترتیب مسجد دیگر «مقر حاکمیت» نبود؛ چرا که او آشکارا خلافت را به سلطنت تبدیل کرده بود و مسجد را با سلطنت چه کار.

«سعید بن مسیب می گفت: خدا معاویه را چنین و چنان کرد. چه او نخستین کس است که این امر (خلافت) را به صورت پادشاهی بازگرداند. و معاویه می گفت: منم نخستین پادشاه.»⁽¹⁾

گام دوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد «تضعیف رابطه حاکم و مردم» در عهد اموی بود که آن نیز از دوران معاویه آغاز گردید. از این زمان فاصله های جدی میان مردم و حاکم پدید آمد و به تدریج رابطه مستقیم مردم و حاکم قطع شد. مردمی که هر روز خلیفه را در کوچه و خیابان در میان خود می دیدند اکنون مشاهده می کردند که معاویه به همراه جمع کثیری محافظ در شهر حرکت می کند. «معاویه نخستین کس در اسلام بود که نگهبانان و پاسبانان و دربانان

ص: 105

گماشت و جلو خود حربه راه می برد.»⁽¹⁾ وی به این اکتفا نکرد و گارد محافظ خود را در مسجد نیز به همراه داشت و حتی جایگاه خود را از مردم جدا کرد و نخستین بدعت را در درون مسجد ایجاد کرد و آن ساخت اطاقکی به نام «مقصوره» بود. «معاویه اول کسی بود که... در مسجد اطاقکی پدید آورد که به تنهایی دور از دسترس دیگران در آن نماز می کرد زیرا بیم داشت که وی را نیز مانند علی (علیه السلام) در حال نماز به غافلگیری بکشند. وقتی به نماز می ایستاد نگهبانان با شمشیری بالای سر او می ایستادند.»⁽²⁾

این در حالی است که در دوران صدر اسلام پیامبر و خلفا هرگز اقدام به چنین کاری نمی کردند در حالی که خطرات زیادی آنان را نیز تهدید می کرد، ابن سعد ماجرای یکی از سوءقصد ها به جان پیامبر در مسجد را چنین نقل می کند: «ابوسفیان تنی چند از قریش را گفت: آیا کسی یافت نمی شود که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را غافلگیر کرده، بکشد؟ و او آزادانه در کوچه و بازار می رود. (مردمی از بادیه نشینان اعلام آمادگی کرد) شبانه از مکه بیرون آمد... به مدینه آمده از رسول خدا جو یا شد، بدو گفتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مسجد بنی عبدالاهل است. او مرکب خود را بست و به محل پیامبر رفت. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چون او را دید فرمود: در کار این مرد خدعه ای هست. و چون او خواست تا نزدیک پیامبر بیاید و وی را بکشد، اسیر بن حضیر او را باز کشید و از میان ازارش خنجری بیرون افتاد.»⁽³⁾

موارد بسیاری از توطئه های مشابه در دوران مدنی نقل شده است. اما پیامبر هرگز میان خود و امت خود در مدینه حائل قرار نداد و مردم آزادانه به پیامبر

ص: 106

1- - همان، ص 165.

2- - تاریخ سیاسی اسلام، ج 1، ص 491.

3- - طبقات الکبری، ج 1، ص 92.

خلفا نیز از همین سنت پیروی کردند. در همین راه سه تن از آنان جان خود را از دست دادند اما هرگز میان خود و مردم محافظ و حائل دائمی قرار ندادند.

ماجرای ترور خلیفه دوم در مسجد نیز در همین زمینه قابل ذکر است. مسعودی نقل می کند که «چون ابولؤلؤ به انجام کار خود مصمم شد خنجری همراه برداشت و در یکی از گوشه های مسجد در تاریکی به انتظار عمر بنشست. عمر سحرگاه می رفت و مردم را برای نماز بیدار می کرد و چون بر ابولؤلؤ گذشت وی برجست و سه ضربت به عمر زد و همان بود که سبب مرگش شد.»⁽¹⁾

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز با آنکه از توطئه ها و نقشه های شوم خوارج و یاران معاویه در کوفه آگاه بود و احتمال خطر کاملاً جدی بود. اما به هیچ عنوان حاضر به همراهی محافظ با خود در شهر نمی شدند و اینچنین بود که اشقی الاخرین به آسانی توانست در محراب عبادت آن حضرت را به شهادت برساند و تاریخ بشریت را برای همیشه داغدار نماید.

این روش حاکم در صدر اسلام بود که معاویه آن را تغییر داد و آشکارا با آن مخالفت نمود. پس از او جانشینان او نیز همین روش را ادامه دادند تا جایی که کار حتی به قرق مساجد کشیده شد. به عنوان نمونه نقل شده است که ولیدبن عبدالملک هنگامی که برای بازدید از بازسازی مسجدالنبی در مدینه به مسجد وارد شد نگهبانان هر که را در مسجد بود، بیرون کردند.⁽²⁾

این بدعت به تدریج در جامعه اسلامی پذیرفته شد و در میان کارگزاران

ص: 107

1- - مروج الذهب، ج 1، ص 677.

2- - تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 238.

حکومت نیز رایج شد به طوری که پس از مدتی اگر حاکم یا کارگزاری بدون محافظ و یا تدابیر امنیتی در مسجد یا شهر حاضر می شد، بسیار شگفت آور و محل سؤال بود. بدین ترتیب مساجد دیگر محل دیدار مستقیم مردم و حاکم نبود و مردم تنها از لابلای محافظین مسلح می توانستند نظری به حاکم بیافکنند.

گام سوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد، ایجاد جو «خفقان عمومی» و گرفتن حق اظهار نظر و انتقاد و اعتراض از مردم بود که مرکز همه این امور مسجد محسوب می شد و لذا مساجد در معرض چنین خفقانی قرار گرفتند. خلفای اموی آشکارا در مساجد و بر منابر حاضر می شدند و در جهت تثبیت پایه های حکومت خود مردم را تهدید می کردند و به آنها نسبت به هرگونه تحرك سیاسی و اعتراض هشدار داده، وعده مجازاتهای سنگین می دادند و کارگزاران آنان نیز به تبع حاکمان خود با مردم اینگونه رفتار می کردند و با ایجاد رعب و وحشت جرأت هرگونه سخن گفتن را از مردم می گرفتند و بدین ترتیب حق نظارت عمومی مسلمین را مختل نموده، آن را منتفی می دانستند. برای درك بهتر این امر سه نمونه تاریخی از رفتار خلفای اموی و کارگزاران آنها با مردم و تهدیدهایشان بر منبر را نقل می نمایم.

«عبدالملك در سال 75 (ه ق) به حج رفت. در حالی که لبیک می گفت به مکه درآمد و لبیک گویان وارد مسجد گردید و در چهار روز خطبه خواند. هر روز خطبه ای، و در یکی از روزها ضمن خطبه اش چنین گفت: من هر چیز را از شما تحمل می کنم جز برافراشتن پرچمی را و همان غلی که آن را به گردن عمر و (1) انداختم، نزد من است و به خدا سوگند یاد می کنم که آن را به گردن کسی

ص: 108

1- برای آگاهی از ماجرای عمر بن سعید بن عاص در دوران عبدالملك، ر.ك. تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 218.

حجاج بن یوسف ثقفی حاکم خونریز و سنگدل کوفه نیز پس از آنکه از سوی عبدالملک بن مروان به حکومت عراق منصوب شد، با لباس مبدل و به صورت ناشناس به کوفه رفت و بانگ برداشت که مردم برای نماز جماعت حاضر شوند، سپس با چهره ای پوشیده به منبر رفت و بنشست. وقتی مسجد پر شد حایل از چهره برداشت و برخاست و عمامه از سر برداشت و بدون حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر سخن آغاز کرد و گفت: «کار من روشن است و از بالا می نگرم و چون عمامه بردارم مرا خواهید شناخت به خدا چشمها می بینم که خیره است و گردنها که افراشته است و سرها که رسیده است و هنگام چیدن آن را رسیده است و این کار من است. گویی می بینم که خونها میان عمامه ها و ریشها جاریست... ای مردم عراق، ای اهل شقاق و نفاق و اخلاق بد، به خدا شدت عمل من نه چنان است که پندارید؛ که مرا از روی دقت انتخاب کرده و از روی تجربه جسته اند، به خدا شما را چون چوب پوست می کنم و چون کلوخ به هم می کویم و چون شتر می زنم و چون سنگ در هم می شکنم...»(2)

ولیدبن عبدالملک نیز پس از رسیدن به زمامداری بالای منبر رفت و مرگ پدرش را اعلام کرد و گفت: «ای مردم بر شما باد به فرمان بردن و همراهی با جماعت؛ چه هر کس مخالفت خود را آشکار سازد سرش را از تن جدا کنم و هر

ص: 109

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 224.

2- - مروج الذهب، ج 2، ص 131 _ 132.

این سخنان و خطبه‌ها را مقایسه کنید با خطبه‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و خلفای راشدین، تا دیروز سخن از حق متقابل مردم و حاکمیت بود و امروز سخن از تکلیف محض مردم. تا دیروز سخن از اعتبار رأی و نظر مردم بود و امروز سخن از ممنوعیت اظهار نظر، تا دیروز بر منبر از گسترش نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری مردم در امور مختلف حکومت برای بقا و صلاح جامعه سخن به میان می‌آمد و امروز سخن از ضرورت «خاموشی» به عنوان تضمین ادامه زندگی، تا دیروز مسجد محل اعتراض و پرسش و استیضاح بود و امروز محل سکوت و خفقان. تا دیروز حاکمان خود را ملزم به پاسخگویی به مردم در مسجد و تواضع در برابر آنان می‌دیدند و امروز در همان مسجد مردم را تهدید می‌کنند. بدین ترتیب بسیاری از ابعاد کارکرد سیاسی مساجد همچون اصل شوری و اعتراض و استیضاح و نظارت بر حکومت و... از بین رفت. اما مگر کار به همین جا ختم شد.

گام بعدی در تضعیف بعد سیاسی مساجد، کاهش چشمگیر «حضور خلیفه» در مسجد بود. تا این زمان اهمیت اساسی مسجد در این بود که حاکم جامعه از آنجا با مردم سخن می‌گفت و مردم در آنجا برای دریافت احکام حکومتی جمع می‌شدند. اما مدتی بعد به دلیل همان کاهش حضور حاکم و خلیفه در مسجد، این اعتبار نیز از دست رفت.

(از اواسط عهد اموی) خلفا امامت نماز روزانه را بر عهده نمی‌گرفتند و تنها در نماز جمعه عهده دار این کار می‌شدند. در عصر اموی روزهای جمعه خلیفه با

لباس سفید و عمامه جواهر نشان به مسجد می رفت و برای خواندن خطبه به منبر می رفت... بعضی از خلیفگان بنی امیه برای نماز جمعه نیز حاضر نمی شدند و سالار نگهبانان را به نیابت خود می فرستادند.»(1)

این وضعیت دوران اموی به وضعیت اسفناک تری در دوران عباسی تبدیل شد. در شرایطی که در اوایل دوران خلافت اسلامی، حکام به عنوان امام مسجد و امام جماعت تلقی می شدند. اما بعدها در دوره خلفای عباسی امام فردی بود که در یکی از مساجد کوچک و فرعی وظیفه امامت را انجام می داد(2) و خلیفه خود از انجام این وظیفه مهم دینی و سیاسی سرباز می زد.

بدین ترتیب همه این امور دست به دست هم داد تا به تدریج وجه سیاسی مساجد از بین برود و مساجد به پایگاه عبادی محض در جامعه تبدیل شود. «در مسجد پس از نماز فقط خطابه دینی خوانده می شد که در آن از خدا ستایش و از پیغمبر تمجید می کردند و بر صحابه درود می گفتند و خلیفه را که مدعی نیابت پیغمبر بود دعا می گفتند. از نمودارهای سیاسی چیزی در مسجد نماند جز اینکه نام خلیفه در خطابه یاد می شد و بدینوسیله ولایت های اسلام به تسلط اسمی خلیفگان اعتراف می کردند.»(3)

افول کارکرد سیاسی مسجد امری کاملاً طبیعی و به عبارت دیگر (با توجه به حکومتهایی که به سرکار آمده بودند) اجتناب ناپذیر بود؛ چرا که مسجد در صدر اسلام گرچه مقر حاکمیت هم بود، اما در درجه نخست پایگاه حضور و فعالیت دائمی و جدی مردم بود و مرکزی برای هماهنگی عمومی و فعالیت جمعی

ص: 111

-
- 1- تاریخ سیاسی اسلام، ج 1، ص 492.
 - 2- تحول مسجد در گذر تاریخ، ص 48.
 - 3- تاریخ سیاسی اسلام، ج 1، ص 450.

سیاسی و اجتماعی محسوب می شد. طبیعی بود که حکومتی که بنیان آن نامشروع و براساس زور و ظلم بنا شده بود و روش آن نیز استبدادی بود، حضور فعال مردم در صحنه را بر نمی تابید و لذا می کوشید مردم را به حاشیه براند و قوت فعالیت و نظارت را از آنان سلب کند. برای تحقق این خواسته باید پایگاه فعالیت آنان یعنی مسجد از بین می رفت و یا متحول می شد. لذا حکومت اموی و به دنبال آن حکومت عباسی با ترویج تئوری جدایی دین از سیاست در میان مردم، آنها را به عبادت و خودسازی و واگذاری امور به خداوند و قضا و قدر و پرهیز از دخالت در امور دنیوی تشویق می کردند گو اینکه ترویج تفکر جبرگرایی که تز عقیدتی امویان بود شاخه ای از همین سیاست کلی محسوب می شد. آن دسته از مردم را هم که با این حرفها خام نمی شدند و دست از مبارزه بر نمی داشتند با وحشیانه ترین روشها سرکوب می کردند و از این طریق جورعب و وحشت نیز به کمک آنها می آمد.

اکنون مساجد فقط پایگاه عبادت بود و نه سیاست و اهالی آن نیز افرادی که صرفاً برای امور عبادی به آنجا می آمدند. بعدها عباسیان با اقدامی که در ساختن شهر بغداد صورت دادند آخرین ضربه را به موقعیت اجتماعی مساجد وارد آوردند.

بنی عباس بر خلاف سنت رایج که مسجد مرکز شهرها و بخصوص شهرهای تازه تأسیس بود در پی ریزی و بنیادگذاری بغداد به گونه ای عمل کردند که دارالاماره را مرکز شهر قرار دادند، این اقدام نوآوری برجسته ای تلقی شد، فاطمیان مصر نیز از همین سنت پیروی کردند. (1)

ص: 112

بدین ترتیب مرکزیت و موقعیت مسجد نسبت به بافت شهرهای اسلامی از دست رفت و بدینگونه دوران گوشه نشینی مساجد از عرصه جامعه آغاز گشت و نهادی که پیامبر بزرگوار اسلام به عنوان رکن اساسی و نخستین نهاد جامعه اسلامی به دست مبارك خود تأسیس نموده بود، به حاشیه رانده شد.

تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن

پیش از این اشاره شد که مساجد در صدر اسلام مرکز اصلی علمی و آموزشی در جامعه محسوب می شد و علت اصلی آن نیز محدودیت علوم به علوم دینی بود. اما با گسترش مرزهای جغرافیایی تمدن اسلامی و ورود مناطقی چون ایران و مصر و شام به حوزه این تمدن سرمایه های گرانبهای علمی این مناطق نیز وارد گستره تمدن اسلامی گشت و از این رو دریچه های جدیدی از علوم مختلف به روی مسلمین باز شد، مسلمینی که قبلاً به روح کنجکاوی و علاقه مندی آنان در مسیر علم آموزی اشاره شد و بذره های متعددی که قرآن و سنت در جانهای آنان کاشته بود بیان گردید. اکنون زمینه های بکر و مساعدی را یافته بودند، لذا با عطشی باورنکردنی تلاش علمی سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و طبیعتاً نخستین گام انتقال و اقتباس این علوم بود و لازمه این اقتباس ترجمه علوم به زبان مسلمین، زبان عربی، از این رو نهضت ترجمه آغاز گشت و در کوتاه مدت با حمایت جدی حکمرانان مسلمان بخش زیادی از کتب دانشمندان جهان در علوم مختلف ریاضی، طبیعی و انسانی به زبان عربی بازگردانده شد. آنچه در این بحث اهمیت دارد مکان این فعالیتها بود. ترجمه نیازمند يك محیط مساعد بود و این محیط مساعد «کتابخانه ها» بودند. لذاست که در دوران عباسی شاهد تأسیس

«به دوران اموی کتابخانه اهمیتی نداشت و چون به دوران عباسی کار ترجمه بالا گرفت و کاغذسازی پیش رفت، وراقان پدید شدند که کارشان نویسانیدن و خرید و فروش کتاب بود و مکانهای وسیع داشتند که دانشوران و ادیبان در آنجا فراهم می شدند. به دنبال این نهضت کتابخانه های بزرگ پدید آمد که کتابهای دینی و علمی در آن نگهداری می شد و بعدها همین کتابخانه ها معروفترین مراکز فرهنگی دنیای اسلام شد.»⁽¹⁾

بدین ترتیب در محیط تمدن اسلامی کتابخانه ها اولین رقیب مساجد در حوزه فعالیت علمی و فرهنگی محسوب می شدند. اما کار به این جا قرار نیافت. بلکه اکنون این علوم دخیل و همین طور علوم اصیل نیاز به طبقه بندی و به اصطلاح تخصصی شدن داشت. چرا که «پس از گسترش فرهنگ و پیدایش روح تحقیق و پژوهش، دانش، به اعتبار موضوعات مورد نظر متعدد می شود. زیرا که رسیدگی محققانه به موضوع نیاز به انگاره تخصصی و محدوده ویژه و حوزه خاص تحقیقی پیدا می کند. این حالت موجب می شود تا دانش و آگاهی درباره چیزها به رشته های گوناگون منقسم شود.

در فرهنگ اسلامی نیز این اصل تحقیقی و شناختی عملی شد. مسلمین از سده های نخستین، معلومات و تألیفات خویش را دسته بندی کردند و علمها را از یکدیگر جدا ساختند و سنت تخصصی [شدن] و انشعاب در علم را در فرهنگ خویش با بنیانی استوار پی افکندند و پی گرفتند.»⁽²⁾

ص: 114

1- تاریخ سیاسی اسلام، ج 2، ص 298 _ 299.

2- دانش مسلمین، ص 81.

این تخصصی شدن منجر به پیدایش دهها رشته علمی شد. به طوری که کشف الظنون به عنوان یکی از کتب معتبر به تنهایی 260 رشته علمی را در دوران مؤلف در خود ثبت کرده است و پیرامون هر يك توضیحاتی داده است.

این گستردگی و انشعاب نیازمند محیط مناسبی نیز بود چرا که مساجد با سادگی و امکانات محدود خود تکافوی نیاز پژوهشگران و طلاب این علوم را نمی داد. لذا به زودی تحولاتی در ساختار و استفاده از مساجد پدید آمد. پس دومین عامل پس از نهضت ترجمه در ایجاد تحول در کارکرد آموزشی و علمی مساجد مقوله «تخصصی شدن علوم» بود.

نظام جدید در استفاده از مساجد عبارت بود از وارد شدن مدارس در آن و به وجود آمدن مجموعه هایی تحت عنوان «مجتمع مسجد و مدرسه» و همین امر بالطبع در نقشه ساخت مساجد تغییراتی را حاصل می کرد.

باید تأسیس چنین مجتمع هایی را به دوران معلم بزرگ امت و بلکه بشریت صادق آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) پیش برد. نمونه ساده این مجموعه ها که اقامتگاه طلاب را نیز شامل می شد مسجد مدینه بود. اما چندی بعد به سرعت در سراسر بلاد اسلامی رواج یافت. نخستین این گونه مجتمع ها «الازهر» در قاهره بود. (1)

الازهر که در ابتدا يك مسجد جامع بزرگ بود پس از مدت کوتاهی به يك مجموعه مسجد و مدرسه تبدیل گشت. در الازهر ابتدا فقط امور مذهبی شیعیان برگزار می شد. ولی به زودی در اثر تحولاتی که در جهان اسلام رخ داد و قدرت فاطمیان افزایش یافت این مسجد و مدرسه به مرکز تعلیمات عالی تشیع و به

ص: 115

ویژه شیعه اسماعیلی که مذهب رسمی حکومت فاطمیان مصر بود تبدیل گشت. (1)

مجموعه های مشابهی مانند نظامیه در دیگر نقاط جهان اسلام تأسیس شد که همگی دارای امکانات خوبی بودند. در این مجموعه های «مسجد و مدرسه» علاوه بر مدرسه و کتابخانه و حجره های طلاب گاهی وسایل معالجه دانشجویان و مدرسان بیمار و مکتب خانه برای تحصیل کودکانشان نیز تأسیس می گردید. (2)

باید توجه داشت که تمامی این مدارس و مساجد موقوفانی داشتند که درآمد آنها کاملاً صرف نگهداری مدرسان و دستیاران ایشان و دیگر خدام و همچنین تعمیر و مرمت بناها و امور دیگر می گشت. (3)

پرسش مهمی که پیش می آید این است که این مجموعه ها که از آنها سخن رفت برای علوم انسانی و اسلامی محیطی مفید و مطلوب بود. اما آیا این مجموعه ها برای علوم ریاضی و طبیعی نیز مناسب بود؟ پاسخ این سؤال منفی است. علوم ریاضی از قبیل جبر، فیزیک، مکانیک، نجوم، هیأت و... و علوم طبیعی و تجربی همچون طب، داروسازی، شیمی، فلاح و نیز علمی چون جغرافیا نیازمند مراکز علمی چون آزمایشگاهها، بیمارستانهای آموزشی و رصدخانه ها و زمینهای وسیع کشاورزی و... بودند که جمع کردن آنها در این مجموعه ها امری غیر ممکن به شمار می رفت. لذا این نیاز منجر به تأسیس مراکز عالی آموزشی به سبک دانشگاهها گشت که تا حدود زیادی فاقد ارتباط مستقیم با مساجد بودند و بدین ترتیب سومین عامل در راستای تحول کارکرد آموزشی

ص: 116

1- - همان، ص 89.

2- - همان، ص 151.

3- - لغت نامه دهخدا، ج 13، ص 20854.

مساجد یعنی «تأسیس دانشگاهها» نیز شکل گرفت و لذا مساجد به تدریج شرایط آموزشی و علمی خود را از دست دادند و این وظیفه بر عهده دانشگاهها و مراکز علمی دیگر قرار گرفت. گرچه این بدان معنا نیست که این امور در مساجد مختل شد بلکه همچنان بحث آموزش قرآن کریم و مسائل فقهی و علوم دینی در آن رایج بود. اما سطح این فعالیتها يك سطح عمومی و محدود بود و شکل تخصصی و پژوهشی به خود نمی گرفت.

در پایان این بخش لازم است يك نکته تذکر داده شود که نگارنده تحول فوق الذکر را يك تحول منفی ارزیابی نمی کند، بلکه آن را مثبت و اجتناب ناپذیر می داند. در فصول قبل اشاره شد که به نظر نمی رسد کارکرد علمی و آموزشی جزء کارکردهای اصیل مسجد محسوب شود، بلکه در آن شرایط خاص صدر اسلام مسجد بهترین مکان برای این فعالیتها بود. بعدها با دگرگونی شرایط، طبیعی بود که این کارکرد موقت به نهادهای دیگر واگذار گردد. بنابراین آنچه که همواره مهم بوده و هست حفظ ارتباط مساجد با این محیطهای علمی در جهت هدایت این فعالیتها به سوی اهداف عالی دین است.

اثرات جریان صوفیه و خانقاه در کارکرد مساجد

در این بخش به بررسی مختصر یکی از جریانهای مهم و فعال جامعه اسلامی و اثرات غالباً منفی آن بر مسجد و کارکردهای آن می پردازیم. این جریان عبارت است از جنبش صوفی گری و تصوف که در دورانی در جامعه اسلامی سر برآورد و در جلب افکار عمومی به سوی خود تا حدود زیادی موفق بود، در بررسی لغوی کلمه صوفی باید گفت در باب ریشه آن اختلاف اقوال وجود دارد. «آنچه قدمای

صوفیه گفته اند و قاعده اشتقاق هم با آن موافقت دارد این است که صوفی از صوف گرفته شده است به معنی پشم، این وجه اشتقاق را بسیاری از مؤلفان صوفیه و دیگران هم نقل کرده اند و اشکالی بر آن وارد نیست، سبب انتساب قوم نیز به این نسبت، پشمینه پوشی آنها بوده است که در زمان قدیم شعار زاهدان و نیکان به شمار می آمده است.»(1)

صرفنظر از بررسی لغوی آن، درباب خود این جریان و ویژگیها و نیز نحوه سربرآوردن آنان باید گفت «در حالی که محافل علمی و مدارس سرگرم مباحثات غالباً غامض فکری و فقهی بودند، تحول اسلامی دیگری صورت گرفت... که همانا عبارت بود از جنبشهای عرفانی و افراطی، (برخی) جنبشهای عرفانی که اسم عام آن در اسلام تصوف است، صرفاً از افرادی واجد تجارب معنوی و فلسفه های گوناگون تشکیل نمی شد. بلکه به زودی شامل انجمنهای اخوت شد که به کلیه سطوح اجتماع نفوذ کرده و مبدل به یکی از ارزنده ترین عناصر ساختار اجتماعی و معنوی جهان اسلام شد.»(2)

البته نگارنده از اینکه عرفان اسلامی را منحصر در تصوف بداند ابا دارد، چرا که شخصیتهای عارف فراوانی در طول تاریخ اسلام بودند که مبادی آداب صوفیه و اهل روش آنها هم نبودند و نیز در وجود مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) که سر سلسله همه عرفا بود نیز نشانی از صوفی گری مشاهده نمی شود. گرچه می توان این جریان را در قالب یکی از جنبشهای عرفانی بررسی نمود.

ص: 118

1- - عبدالحسین زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر، 1377، ص 40.

2- - درک هیل، اولگ گرابر، معماری و تزئینات اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: علمی و فرهنگی، 1375، ص 55.

به هر حال صوفیه جماعتی از مسلمین بوده اند که اساس کار آنها در عمل بر مجاهدت مستقل فردی و در علم بر معرفت مستقیم قلبی مبتنی بوده است. گرچه بعضی از آنها با وجود اعتقاد به ارتباط بلاواسطه با حق و در عین اتکاء بر کشف و شهود شخصی، متابعت از شریعت را نیز به منزله مقدمه و شرط راه، لازم می شمرده اند و در جاهایی که کارهایشان با ظاهر شریعت موافق نمی بوده است؛ یا ظاهر شریعت را تأویل می کرده اند یا طرز کار خود را به نوعی توجیه می نموده اند، لیکن به سبب استقلال که در عمل و طریقت خویش داشته اند هم متشرعه که اهل سنت و جماعت بوده اند خود را از آنها کنار می کشیده اند هم علماء که اهل معرفت عقلی و استدلالی بوده اند آنها را گمراه می شناختند. (1)

این جریان نیز مانند هر جنبش دیگر برای سازماندهی خود نیازمند پایگاهی بود. لذا اینان مرکزی را با عنوان «خانقاه» برای این امر در جامعه اسلامی تأسیس نمودند. این مرکز ضمن اینکه پایگاه تشکیلاتی صوفیه تلقی می شد، اقامتگاه دائمی کسانی که زندگی خود را وقف ارشاد معنوی یا تهذیب نفس می کردند و نیز محلی برای اقامت موقت سالکان یا دیگران به شمار می آمد. در این خانقاه ها مراحل مختلف ریاضت و خلوت، روح سالک را ترقی می بخشید و غالباً صحبت و ارشاد پیر و مرشد وی را در طی این مرحله ها رهبری می کرد. نکته مهم آنکه وقتی سالک مراحل سلوک را می پیمود و از شیخ دستور و اجازت برای ارشاد دیگران می یافت، از خانقاه شیخ بیرون می آمد. اما در جای دیگر مثلاً شهری دیگر خانقاه تازه ای که در واقع چون شعبه ای از خانقاه شیخ بود پدید می آورد و

ص: 119

بدین گونه از يك خانقاه که شیخ و مرشدی در يك شهر به وجود آورده بود، چندین خانقاه دیگر در بلاد مختلف پدید می آمد که شیوخ و مرشدان همه آنها جملگی نسبت به شیخ خانقاه نخست حالت تسلیم و فرمانبرداری داشتند و در همه موارد دستور او را به کار می بستند و اهل طریقت او به شمار می آمدند(1)

و بدین ترتیب این نهاد جدید در جامعه اسلامی به صورت شبکه ای پیوسته و کارآمد فعالیت می کرد.

این خانقاه از سه جهت بر کارکرد مساجد تأثیر منفی گذاردند. اول اینکه خانقاه صرفنظر از جنبه تعلیمی که برای سالکان داشت، مکان عبادت و ذکر و سلوک معنوی نیز تلقی می شد. «در خانقاه ها اوراد و اذکار و ریاضات و چله نشینها رایج بود که غالباً اشتغال به آنها بیشتر اوقات سالکان طریق را مستغرق می داشت، در این خانقاه ها سالکان و فقیران خلوت نشین نیز مانند شیخ خانقاه، زاویه خاص خویش داشتند. اما ذکر دسته جمعی و درك صحبت شیخ و صرف طعام و «صف نماز» و حلقه سماع آنها غالباً در «جماعت خانه» منعقد می شد.»(2)

بدین ترتیب این اولین بار بود که در حیطه جهان اسلام مرکزی جدید علاوه بر مسجد تأسیس می شد که در آن مراسم عبادی و آیین بندگی و حتی صف نماز برپا می گردید و حال آنکه تا پیش از آن، این امر صرفاً منحصر در مساجد جوامع اسلامی بود. لذا مسجد که از صدر اسلام تنها مرکز عبادی جامعه اسلامی محسوب می شد امتیاز انحصاری خود را از دست داد و در حوزه کارکرد عبادی و

ص: 120

1- همان، ص 78.

2- همان، ص 77.

دینی با يك رقیب سرسخت و جذاب برای مردم روبرو گردید.

دومین اثر منفی تصوف و خانقاه بر جامعه و مسجد، روش خاص عبادی حاکم بر خانقاه بود. «(صوفیان) نوعی نیایش انفرادی را ارایه و تکمیل کردند که نقطه مقابل عبادت اجتماعی که از ویژگیهای اسلام در ادوار قبل بود به شمار می رفت و پرستش زهاد منفرد برای دیگران منبع قداست شد... این امر همچنین موجب شد مساجد عظیم جمعه قرون اولیه اسلامی جای خود را به تعدادی حریمهای کوچک بدهد که بر نیایش فردی در محیطی آرام که منتهی به عبادت و مراقبت می شد تأکید داشت.»⁽¹⁾

به عبارت دیگر خانقاه بر خلاف مسجد که نماد روحیه جمعی مسلمین و پایگاه وحدت و اتحاد و جایگاه عبادت دسته جمعی بود، به سیر و سلوک فردی و گوشه نشینی و کنایه گیری از جمع تشویق می کرد. استقبال عمومی از این تفکر ضربه سنگینی بود بر کارکرد عبادی مساجد که بر جمع گرایی تأکید داشت.

نکته سوم در این زمینه مربوط می شود به روش تبلیغ صوفیه و خانقاه علیه مسجد و اهالی آن. همانطور که اشاره شد اهل سنت و جماعت و متشرعین از بزرگترین مخالفان صوفیه به شمار می آمدند و تا آنجا که دستشان می رسید از دشمنی با آنان کوتاهی نمی کردند و لذا صوفیه نیز مقابله به مثل می کردند و علیه آنها تبلیغ می نمودند و بخصوص پایگاه اصلی آنان را که مسجد بود هدف حملات تبلیغی قرار می دادند تا جایی که متشرع اهل ظاهر و ریاکار و اهل مسجد پیروان ظاهری دین و مسجد مأمّن زاهدان ریاکار معرفی می گردید. البته ما در مقام

ص: 121

قضاوت نیستیم و نمی‌گوییم که کدامیک حق داشتند و کدامیک صحیح می‌گفتند اما آنچه که بر آن تأکید داریم این است که این تبلیغات صوفیه که نفوذ فراوانی نیز در میان طبقات مردم داشتند منجر به تضعیف قداست مسجد این پایگاه اصیل اسلام شد و حتی در ادبیات رایج میان توده مردم نیز متأثر از همان تبلیغات به مسجد و اهالی آن طعنه زده می‌شد، بدین ترتیب صوفیه و مرکز آنها خانقاه اثرات منفی فراوانی بر جایگاه مسجد در جامعه اسلامی و کارکرد عبادی و دینی به عنوان ثابت ترین کارکرد آن بر جای می‌گذارد که عقبه آن تا دوران معاصر نیز بر جای مانده است.

مسجد مهد هنر معماری اسلامی

در دوران صدر اسلام مسجد محیطی بی‌آلایش و نوع معماری آن ساده و نزدیک به روح سادگی اسلام بود. اما به تدریج این سادگی جای خود را به تجمل داد و نوع معماری نیز تغییر کرد.

شیوه و سبک معماری مسجد بر اسلوبی که در زمان پیامبر و خلفای راشدین بود باقی نماند و همپای گسترش و شکوفایی تمدن اسلامی دگرگون شد. شکل کلی بنای مسجد نسبت به سابق تغییر کرد و به تناسب دولتهای جدید و ملتهای صاحب تمدن از عناصر جدیدتری برخوردار شد.⁽¹⁾

این تحول از دوران اموی آغاز شد. تا زمان عبدالملک و ولید، خلفا اشتیاقی به معماری و شکوهمند ساختن مساجد از خود نشان نمی‌دادند. این دو نفر مساجد

ص: 122

1- - حسین عرفانی «تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران» دو ماهنامه مسجد، ش 39، ص 67.

جدیدی را در بیت المقدس (قبه الصخره) و در دمشق (مسجد اموی) ساختند و دومی از آن جهت به این نام خوانده شده است که جانشینان ولید نیز در ساختن و آراستن آن سهیم بوده اند. این هر دو بنا به گونه ای متمایز از مساجد پیشین بود. (1) و تأسیس و ساختن آنها را باید نقطه آغاز تحول در معماری مساجد و ایجاد یک کارکرد جدید برای آنها یعنی کارکرد هنری و معماری تلقی کرد.

ماجرای ساختن قبه الصخره به دست عبدالملک خلیفه اموی از این قرار است که، «عبدالملک مردم شام را از حج بازداشت و آن بدان جهت بود که هرگاه به حج می رفتند (عبدالله) بن زبیر (که در مکه خروج کرده بود و مردم را به بیعت خویش می خواند) آنان را به بیعت می گرفت و عبدالملک که چنان دید، ایشان را از رفتن به مکه منع کرد. پس مردم به فریاد آمدند و گفتند: ما را از حج خانه خدا که بر ما واجب است خدایی، باز می داری؟ به آنان گفت: این پسر شهاب زهری است که برای شما نقل حدیث می کند که پیامبر خدا گفته است: «بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد، مسجدالحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس». و آن برای شما به جای مسجدالحرام است و این سنگی که بر حسب روایت پیامبر خدا چون خواست به آسمان بالا رود پای خویش بر آن نهاد برای شما به جای کعبه است. پس بر آن صخره قبه ای بنا نهاد و پرده های دیبا بر آن آویخت و خدمتگزارانی بر آن گماشت و مردم را گرفت تا چنانکه پیرامون کعبه طواف می کنند پیرامون آن طواف کنند و در دوران بنی امیه این رسم برقرار بود.» (2)

ولیدبن عبدالملک نیز مسجد دمشق را در سال 88 هجری بنیان نهاد و در

ص: 123

1- تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج، ص 154.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 204 _ 205.

ساخت آن هزینه بسیاری صرف کرد به طوری که برخی نقل کرده اند که ولید هفت سال مالیات کشور خود را بر آن خرج کرد. (1) به هر حال مسجد دمشق در نوع خود بی نظیر بود چرا که نخستین مسجد عظیم و پرشکوه در تاریخ تمدن اسلامی محسوب می شد و به واقع از معجزات هنر اسلامی به شمار می رفت و تاکنون نیز جلوه و زیبایی خود را حفظ کرده است.

محل مسجد امویان دمشق قرن‌ها معبد بت پرستان بود و سپس جایگاه کلیسای حضرت یحیی (2) شد. معمارانی که در خدمت ولید بودند کلیسا را خراب کردند. ولی دیوار خارجی و چهار برج مربع چهار گوشه و دوردیف ستونهای طاق‌دیس مقابل مدخل و درگاههای معبد رومی را باقی گذاشتند و مسجد را طوری بنا کردند که با این آثار بازمانده متناسب باشد. (3) بنای این مسجد حدود هشت سال زمان برد و در ساختن این مسجد ملیتهای مختلف خاورمیانه اشتراک مساعی کردند. ولی سبک ساختمان، بیزانسی است. دیوارهای پوشیده از موزائیک‌های شیشه‌ای و نقاشی به سبک رومی است. در ضمن آثار هنری ساسانی مثل نقش شیرهای بالدار و جانوران افسانه‌ای در آن وجود دارد. به علاوه ستونها و مقصوره و رواق و گنبد روی محراب، جامع دمشق را نخستین و عالیترین نمونه مساجد قدیم اسلامی ساخته است. (4)

بدین ترتیب مشاهده می کنید که رفته رفته با گسترش مرزهای تمدن اسلامی

ص: 124

1- ر. ک. تاریخ سیاسی اسلام، ج 1، ص 481.

2- در دایره المعارف تشیع، ج 2، ص 150 آمده است که کلیسای مزبور کلیسای یوحنا بوده است.

3- تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، ص 154.

4- دایره المعارف تشیع، ج 2، ص 150.

و تعدد قومیتها و ملیتهایی که در حوزه این تمدن واقع شدند، عناصر فرهنگی و تمدنی آنها نیز با فرهنگ اسلامی آمیخته شد و حتی در عرصه‌هایی مانند معماری اسلامی مساجد ظهور و بروز یافت. عناصر و اجزایی که از معماری قدیم اخذ می‌شد به تدریج با هدفهای دین جدید تطبیق می‌گشت و در تحول معماری اسلامی تأثیر بخشید. به طوری که سبک معماری بیزانس در مساجد دوره اموی رواج و نفوذ عمده داشت. البته این سبک در دوره‌های بعد به ویژه از اواسط دوره عباسی جای خود را به شیوه معماری ساسانی داد که در سراسر جهان اسلام تسری یافت. (1)

بعد از جامع دمشق مسجد عمروعاص در فسطاط مصر و مسجد الاقصی در بیت المقدس که به امر ولیدبن عبدالملک بر جای کلیسای ژوستی نین احداث گردید و سپس مسجد جامع قرطبه در اسپانیا که در 175 (ه ق) به وسیله امرای اموی اندلس ساخته شد همه از نمونه‌های مساجد عهد اموی هستند که باقی مانده اند. (2) که در این میان مسجد جامع قرطبه از اهمیت و شکوه خاصی برخوردار است چرا که در غرب جهان اسلام در اروپا ساخته شد. این بنا را عبدالرحمن اول خلیفه اموی اندلس در سال 168 (ه ق) بنیان نهاد و هشتاد هزار دینار در بنای آن خرج کرد. و فرزند وی به سال 177 (ه ق) آن را به پایان برد و از پس وی دیگران به تزیین آن پرداختند تا به شمار زیباترین مساجد دنیای اسلام درآمد. ردیف ستونهای مسجد از شرق به غرب نوزده و از شمال به جنوب سی و یک عدد بود و بیست و یک در داشت که آن را با مس صیقلی پوشانیده بودند.

ص: 125

1- - کارنامه اسلام، ص 146.

2- - دایره المعارف تشیع، ج 2، ص 150.

ستونهای محراب را از نقره ساخته و به خاتم کاری بدیع آراسته بودند. منبر مسجد را از عاج و چوبهای گرانقیمت ساخته بودند که سی و شش هزار قطعه چوب در آن به کار رفته و به میخهای طلا و نقره به هم پیوسته بود و با جواهر مزین شده بود. چهار محل شستشو در مسجد بود که از کوهستانهای اطراف به وسیله لوله آب بدان می رسید. در سمت غربی مسجد برای توقف مسافران و در ماندگان جاهایی ساخته شده بود. صدها شمعدان در مسجد نصب شده بود که شمعهای بزرگ شبانه روز در آن می سوخت. سیصد مرد به خدمت مسجد قیام می کردند و عنبر و عود می سوختند و هزاران قندیل را روغن می کردند.⁽¹⁾

مسجد النبی و مسجد الحرام در مدینه و مکه نیز از این کارکرد کلی و جدید مساجد در عرضه هنر معماری مستثنی نبودند و بلکه پس از صدر اسلام در هر دوره تحولات جدیدی می یافتند و بر وسعت و عظمت آنها و نیز زیبایی معماری آنها افزوده شد. به طوری که به زودی آن مسجد ساده جای خود را به مسجدی مجلل و عظیم داد.

مسجد الحرام نیز در دوران اموی و به دست ولید بازسازی شد. بنا بر نقل، وی سی هزار دینار نزد خالد بن عبدالله قسری فرماندار مکه فرستاد و آنها را به صورت تخته های نازک پهن درآوردند و بر در کعبه و ستونهای داخلی و ارکان کعبه و ناودان زدند. بدین ترتیب ولید نخستین کسی در اسلام بود که کعبه را زرنگار کرد.⁽²⁾

در دوران عباسی نیز در زمان منصور مسجد الحرام بازسازی شد و به اندازه

ص: 126

1- تاریخ سیاسی اسلام، ج 2، ص 317_318.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 238.

وسعت مسجدالحرام در آن زمان بر آن افزوده شد. شروع این کار در سال 138 (ه ق) و پایان آن سال 140 (ه ق) بود. (1)

آنچه که مسلم است معماری ساده اسلامی، شیوه های متعددی را از تمدنها و فرهنگهای دیگر اخذ نمود و همانطور که در عرصه علم و دانش، مسلمین به اقتباس گسترده دستاورد دیگران پرداختند؛ در عرصه هنر و به ویژه معماری نیز از این کار باز نماندند و بزرگترین شاهد این مدعا بنای مساجد در این دوران است. «مظاهر گونه گونه فرهنگ و هنر اسلامی در طی قرنهای دراز چنان در بنای مسجد مجال ظهور یافته است که امروز يك مورخ دقیق و روشن بین می تواند تنها از مطالعه در مساجد، تصویر روشنی از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند... اشتراك مساعی اقوام و امم مختلف اسلامی در تکمیل و تزین مساجد با وجود حفظ خاصیتهای ملی و محلی نوعی جهان وطنی را در معماری اسلامی سبب شده است که از مفاخر معنوی مسلمین بشمارست. (2)

به هر حال آنچه که مسلم است در طول نسلها و قرون در فاصله آفاق مختلف هنر اسلامی ملجأی پاك تر و نمایشگاهی امن تر از مسجد نداشته است. (3) به طوری که «در بنای بسیاری از مساجد هنرهای مختلف به هم درآمیخته است.

معماری در توازن اجزاء کوشیده است. نقاشی به نقوش و الوان، شعر موعظه ها و ماده تاریخها عرضه داشته است و موسیقی هم برای آنکه از دیگر هنرها باز نماند در صدای مؤذن و بانگ قاری و واعظ مجال جلوه گری یافته است. حتی

ص: 127

1- - همان، ص 358.

2- - کارنامه اسلام، ص 148.

3- - همان.

صنعت‌های دستی هم برای تکمیل و تزئین این مجموعه الهی به میدان آمده‌اند: فرش‌های عالی، پرده‌های گرانبها، قندیل‌های عظیم و درخشان، منبت کاری‌ها و مليله دوزیها نیز در تکمیل زیبایی و عظمت مسجد نقش خود را ادا کرده‌اند.»(1)

آنچه نباید از نظر دور داشت این که «درست است که بسیاری از اشکال ریشه در تمدن‌های قبل از اسلام دارند و حتی برخی معانی نمادین عناصر و راز و رمز معنویشان نیز مورد توجه بسیاری ملل و جهانبینی‌ها بوده است، اما باید توجه کرد که اولاً بنا به تأکید غالب محققان، فرم‌های اخذ شده از سایر ملل و تمدن‌ها توسط مسلمین به گونه‌ای استحاله یافتند که پس از مدتی هویتی کاملاً اسلامی به خود گرفتند. ثانیاً ابایی از این نیست که برخی اشکال یا مفاهیم از سایر تمدن‌ها که به هر حال به آیینی اکثراً در بنیان الهی معتقد بوده‌اند، اخذ شود و بازودن پیرایه‌های آنها و همچنین تکامل و تعالیش به عنوان عنصری اسلامی (معنوی و روحانی) و مورد پذیرش مسلمین بدل گردد. ثالثاً این توصیه اسلام است که در آثار پیشینیان غور و دقت کنید و ضمن رد بدیها و اشکالات، نیکیهای آنها را اخذ کنید.»(2)

بدیهی است که آثار هنری مسلمانان در زمینه‌های تصویری، تجسمی، معماری، خطوط هندسی و نقش و نگارها از يك مایه غیرمادی و ماورایی برخوردار است و این از متن تفکر مذهبی و لایه‌های مکتب شریف اسلام سرچشمه می‌گیرد. چرا که نگاه هنرمند مسلمان به هستی با نگرش يك انسان

ص: 128

1- - همان.

2- - «مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی» ص 131.

مادی متفاوت است. (1) بنا بر این هنرمند مسلمان طرحهایی را در مسجد اجرا می کند که در جهت تقویت معنویت و افزایش حضور قلب مؤمنین به هنگام حضور در مسجد و سوق دادن آنها به سوی مبدأ هستی باشد.

اگر در و ایوان مساجد منحنی است، اگر پیشانی محراب و سقف مساجد خمیده است، بیان کننده آن روح تعبد و تسلیم و رکوع بنده در برابر خالق است. (2) و اگر همه چیز در مناره و گنبد در شکلی دایره وار در نهایت به يك ختم می شود، نمادی از توحید ناب اسلامی است که مساجد منادی و پایگاه آن بوده است.

«از مهمترین ویژگیهای مساجد و بناهای دینی مسلمانان می توان به این سه امر اشاره کرد:

1_ رواقها و ایوانهای محیط بر صحن مسجد.

2_ به کار بردن خط کوفی و نقشهای نوشتاری برای تزئین دیواره ها و کنار و لبه سقفها.

3_ قوسی شکل بودن بالای درها و مدخلها و سقفها... حالت انحنای قوسی بودن در معماری اسلامی معنای عمیق و خاصی می تواند داشته باشد. این انحنای بیشتر در شکل گنبدها، محرابها، سردرها، ایوانها و قسمتهایی از رواق وجود دارد.» (3)

بدین ترتیب مساجد که بخش زیادی از کارکردهای مهم خود را در جامعه از دست داده بود و تا حدود زیادی از محتوا خالی شده بودند با به دست آوردن يك

ص: 129

1- - «تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران» ص 67.

2- - همان، ص 70.

3- - همان.

کارکرد جدید یعنی تبدیل شدن به «مهد هنر معماری اسلامی» مجدداً در عرصه جامعه توجهات را به سوی خود جلب نمودند؛ اما این بار از منظری دیگر و تاریخ اینچنین گواهی شد، برای تحقق پیش بینی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) درباره آینده امت اسلامی و سرنوشت مساجد.

علل ظهور این کارکرد جدید

در بیان علل ظهور این کارکرد جدید در مساجد، حداقل دو دیدگاه متفاوت و بعضاً متضاد وجود دارد. يك دیدگاه می گوید «در دوره امویان و با رشد روحیه تجمل پرستی و کاخ نشینی حاکمان و امیران نوعی رقابت با کلیساهای مسیحی و قصرهای حکومتی بیزانس و روم ایجاد شد. خلفای بنی امیه در ساختن قصرها، کاخها، قلعه ها و حتی مساجد مجلل بسیار کوشیدند... هنر بیشتر در خدمت حاکمان و اطرافیان آنان بود و امکان سرپیچی از فرمان خلفا و امرا در به استخدام درآوردن معماران هنرمند برای ساختن مدارس، مساجد و قصرها نبود. انگیزه غالب این حاکمان در ساختن مدارس و مساجد حك نام خویش بر پیشانی ساختمان بود.»⁽¹⁾

اما دیدگاه دیگر معتقد است که «[چه کسی] گفت که در اسلام، دین را با هنر سازگاری نیست. بر عکس این هر دو با یکدیگر ملاقات می کنند آن هم در مسجد... حقیقت آن است که معمار مسلمان در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می دید اگر آن را در خور عظمت و جلال خدا می یافت سعی

ص: 130

می کرد تا به هنگام فرصت برای آن در مسجد جایی باز کند.»⁽¹⁾

این دو دیدگاه گرچه در ظاهر متضاد به نظر می رسند اما در واقع چنین نیست. بلکه اختلافی که مشاهده می شود ناشی از تفاوت منظر هر يك از صاحب نظران است. در این صورت اگر منظر هر دیدگاه را درست تشخیص دهیم خواهیم دید که هر دو دیدگاه کاملاً صحیح و دقیق است.

منظر دیدگاه اول، حاکمان سیاسی جامعه و انگیزه های نفسانی در ساختن مساجد بوده است. بدون تردید خلفای اموی و عباسی درد دین نداشتند و لذا اینکه در پی رقابت یا جاودان کردن نام خود بوده اند سخن درستی است. اما منظر دیدگاه دوم، هنرمندان و معماران عاشق و مؤمنی است که نه به اجبار و اکراه و با بی علاقه‌گی بلکه با شور و اشتیاق که از يك انگیزه الهی و ایمانی ناشی می شد تلاش می کردند و لذا آنچه می آفریدند به راستی زیبایی بود که آن را به محضر باری تعالی تقدیم می نمودند. برای درک بهتر این دو منظر متفاوت لازم است هر يك را بیشتر توضیح دهیم. در باب حاکمان سیاسی و انگیزه های آنان باید گفت: «تا زمانی که مرکز حکومت اسلامی در مدینه بود، خلفای چهارگانه همچون پیامبر از اسراف و هر چه که مظهر اشرافیت بود پرهیز می کردند، ولی در زمان معاویه که حکومت به دمشق منتقل شد، این سنت تغییر یافت. در این زمان معاویه با مشاهده معابد بت پرستان و کلیسای مسیحیان اقدام به برپایی مساجدی پرشکوه تر از این ساختمانها کرد.»⁽²⁾

پس از معاویه نیز سایر خلفا از روش او پیروی کردند و بلکه آن را توسعه دادند

ص: 131

1- - کارنامه اسلام، ص 144.

2- - تلافی دین و هنر در معماری اسلامی، ص 66

ساخت بسیاری از مساجد مجلل در شام توسط خلفای اموی برخاسته از تأثیرپذیری از کلیساها و با انگیزه های سیاسی و رویارویی با پایگاه های دینی مسیحیت بوده است. (1)

این انگیزه ها گاه به قدری قوی بوده که حتی اگر خلیفه ای مصمم به جلوگیری از این تجمل گرایی می گردید او را متقاعد می کردند که به صلاح جامعه اسلامی نیست. به عنوان نمونه عمر بن عبدالعزیز وقتی به خلافت رسید کسانی را به مساجد فرستاد تا هر چه مرمر و کاشی و زر در آن است بردارند و از مسجد بیرون کنند و می گفت: «مردم با دیدن اینها از حضور قلب در نماز خود باز می مانند. به او گفتند. وسیله ای است برای زیونی دشمن، پس آن را رها کرد.» (2)

این دیدگاه که توانست خلیفه را متقاعد کند در واقع معتقد بود که مسجد بنایی سمبلیک است و نماد و نمود دین به شمار می رود و عظمت مسجد یادآور عظمت و عزت اسلام و مسلمانان است؛ و برعکس محقر بودن آن چه بسا ضعف و فقر و ناتوانی مسلمانان را در اذهان تداعی کند. (3)

البته همه انگیزه ها هم ناشی از رقابت و رویارویی با بیگانگان نبود. برخی از مساجد باشکوه توسط حاکمان به ظاهر مسلمانی بنا شده که قصد داشتند از این راه یاد و نام خود را جاودان سازند و یا با سفارش به دفن بدنشان در کنار مسجد گور خود را مصونیت بخشند و دارای موقعیتی ممتاز نمایند. گاهی هم پرداختن

ص: 132

-
- 1- - رحیم نوبهار، معماری مسجد از دیدگاه متون دینی، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج 2، ص 243.
 - 2- - تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 271.
 - 3- - معماری مسجد از دیدگاه متون دینی، ص 248.

به این کار ناشی از حس منفعت طلبی و کسب آبرو و حیثیت دنیوی بوده است. (1)

علاوه بر این انگیزه های فردی، با در نظر گرفتن مسایل جامعه شناختی یکسری انگیزه های اجتماعی را نیز می توان یافت که در واقع بازتاب شرایط روانی افراد در جامعه است.

به عبارت دیگر می توان روی آوردن به آراستن مساجد و پر زرق و برق کردن آن را به دلیل کنار نهادن ارزشهای حقیقی دانست. به دیگر سخن نوعی پیوستگی و همراهی میان گسستن از ارزشها و گرایش به آراستن مساجد و مظاهر دینی وجود دارد. به نظر می رسد نکته روانی همراهی میان این دو پدیده آن است که انسان هم در رفتار فردی و هم در رفتار اجتماعی هرگاه از پرداختن به اصالت ها و ارزشهای حقیقی دست برمی دارد، به آراستن ظاهر می پردازد. جامعه ای که در تضاد میان دین و دنیا در حقیقت دنیا را برگزیده است، هرگاه حس مذهبی خود را به طور کامل از دست نداده باشد برای پاسخ گفتن به ندای این حس به آراستن مظاهر دینی همچون مساجد روی می آورد. (2)

به هر حال مشاهده کردید که همه انگیزه ها و تمایلاتی که برشمرده شد در مسیر خواهشهای نفس و انحراف از دین خدا بود و هیچ یک در جهت تعظیم شعائر الهی و ارزشهای دینی نبوده است. لذا بدیهی است که این منظر، منظری قابل تقبیح و نکوهش است. اما آیا همه انگیزه ها در همین جا خلاصه می شود و حال آنکه هنرمندان نقشی اساسی تر و برجسته تر در احداث این مساجد داشته اند؟ بی شک پاسخ به این سؤال منفی است.

ص: 133

1- - همان، ص 243.

2- - همان.

«هنرمندان بی نام و ناشناس این مساجد که تمام هستی خویش را وقف خدمت به خداوند کرده بودند... می کوشیده اند تا بهترین تصویری را که از زیبایی می داشته اند در طی این آثار مقدس جلوه و تحقق بخشند.»⁽¹⁾

مسلمانان به دلیل عظمت و قداستی که برای مسجد قایلند و آن را منسوب به خداوند بزرگ می دانند تلاش می کنند تا خانه خدا را هر چه بهتر و با عظمت تر بسازند. در این زمینه شواهد فراوانی وجود دارد و حتی با یک نگاه سطحی و گذرا می توان پی برد که آفرینش بسیاری از این پدیده های هنری با پشتوانه عظیمی از عشق و ایمان بوده است.⁽²⁾

«در واقع این اسلام نبود که دعوت به تزئین مساجد و ساختن بناهای مرتفع و معماریهای شگفت و پرشکوه به نام مسجد کرد. زیرا با توجه به فلسفه وجودی مسجد (خانه خدا)، شکل مسجد اسلامی روشن است. این هنر بود که مسجد را به عنوان ظرفی مناسب و زمینه ای مستعد برای بروز و تجلی یافت و این هنرمندان بودند که روح تقاهم آمیز مکتب را در ارتباط با هنر متعهد شناختند. و به استقبال آن رفتند.»⁽³⁾

تردیدی نیست که پرداختن به زرق و برقه های غیر ضروری و تزئینات کاخها و قصرها در مساجد از مصادیق اسراف و تبذیر مال است و این از گناهان بزرگ است. چرا که ضمن اینکه رواج تجمل گرایی در ساخت و سازها را به دنبال دارد، فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت را که از ارزشهای مسلم اسلامی است، رفته رفته در

ص: 134

1- - کارنامه اسلام، ص 144.

2- - «معماری مسجد از دیدگاه متون دینی» ص 242.

3- - «تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران» ص 92.

علاوه بر این در شرایطی که طبقات فقیر در جامعه اسلامی به وفور یافت می شوند و رسیدگی به آنها وظیفه آحاد مسلمین است، هزینه کردن مالهای هنگفت برای ساختن مساجد به جای رسیدگی به وضع محرومین با هیچ معیار الهی و اسلامی قابل توجیه نیست.

اما به يك نکته مهم نیز باید توجه داشت و آن اینکه به کار بستن «هنر» در مسجد، الزاماً با ساده سازی آن منافات ندارد و مراعات همزمان هنر و سادگی هم خود نوعی هنر است. در واقع این رسالت هنرمند مسلمان است که با تکیه بر معیارهای مکتبی که یکی از آنها ساده سازی است، مسجد را جذاب و دلکش بسازد. به عبارت دیگر میان زیبایی و جمال با سادگی و بی پیرایگی تضادی وجود ندارد. می توان مسجد را در عین سادگی، زیبا و دل انگیز ساخت. بی گمان خداوندی که خود زیباست و دوستدار زیبایی، خواهان زیباسازی خانه خود نیز هست. انسان نیز موجودی است که روح الهی او از عالم تناسبات است و گرایش کامل به زیبایی دارد و مسجد هم خانه خدا و هم خانه مردم است. پس باید تلاش نمود تا زیبایی و دلکشی در خانه آن زیبای بی همتا جلوه گر شود. اما این زیبایی باید در چارچوب همان معیارهایی باشد که صاحب خانه تعیین نموده است. (2)

بدین ترتیب با رعایت همزمان هنر و سادگی و پرهیز از تزئینات اشرافی مآبانه و کاملاً غیر ضروری می توان مساجدی زیبا و سازگار با روح اسلام داشت و در کنار این مسأله که مربوط به ظاهر مساجد است باید به کارکردها و محتوای آن نیز

ص: 135

1- - معماری مسجد از دیدگاه متون دینی، ص 250.

2- - همان، ص 250 _ 251.

پرداخت تا این نهاد عظیم اسلامی ناقص نماند؛ چرا که مساجد هر چقدر هم زیبا باشند اگر نقش خود را در جامعه ایفا نکنند تنها موزه هایی برای تماشای عمومی و استفاده های هنری و تاریخی خواهند بود.

ص: 136

آنچه گذشت نگرشی گذرا و تاریخی بود بر جایگاه مسجد، این مقدسترین نهاد اسلامی در حوزه تمدن اسلامی و بررسی چگونگی تأسیس و کارکردهای آن و نیز فراز و نشیبهایی که در طول تاریخ پشت سر گذارده است.

بدون تردید پرداختن به تاریخ اگر به قصد درس آموزی و عبرت گیری نباشد از بیهوده ترین امور و در شکل خوشبینانه تنها يك تفنن علمی است. پس به تاریخ می نگرییم تا برای فردای خود برنامه ریزی نموده و از تجربیات گذشته برای مسیر خود استفاده نماییم. پرداختن به تاریخ تحولات مسجد به عنوان يك نهاد جامعه اسلامی نیز از این اصل کلی مستثنی نیست. آنچه مطرح شد برای این بود که بدانیم بر این نهاد چه گذشته است و چه دوره هایی را تجربه کرده است. چگونه در دوره ای مرکزی بدیل جامعه بوده و در دوره ای به حاشیه رانده شده است. تا از آن برای تکامل بخشیدن به مساجد دوران خود و جامعه اسلامی مان بهره مند

ص: 139

اگر امروز نظام جمهوری اسلامی پس از قرن‌ها بار دیگر داعیه دار حکومت دینی و منادی ارایه يك نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر احکام ناب اسلامی است باید همه لوازم و ضروریات این داعیه را نیز بپذیرد. «مسجد» در چنین جامعه و نظامی باید جایگاه واقعی خود را بیابد و در این مسیر «مسجد النبی» در مدینه صدر اسلام بهترین الگوست.

واقعیت آن است که هر چند مساجد امروزی ما پاره ای از شرایط سنتی خود را به ویژه در زمینه امور دینی حفظ کرده اند اما در مجموع به عنوان يك نهاد اثرگذار بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه معاصر مسلمانان اهمیت خود را به صورت فزاینده ای از دست داده اند.⁽¹⁾ و تلخ تر اینکه گرچه در دوران میانه تاریخ اسلام بر حسب آنچه در این نوشتار گذشت تحولات گسترده ای در کارکرد مساجد اتفاق افتاد و مساجد را تا حدود زیادی از جایگاه واقعی خود دور کرد؛ اما باید اذعان کرد که حتی شرایط آن دوره نیز از شرایط مساجد در دوران فعلی بهتر است و حداقل مساجد دارای اعتبار فراوانی در نزد افکار عمومی مردم بودند. گرچه امروزه با وقوع انقلاب اسلامی ایران و جوشش آن از کانون مساجد جامعه تا حدود زیادی در پیشرفت موقعیت مساجد تلاش شده است. اما هنوز تا رسیدن به مرحله متوسط برای جایگاه واقعی مساجد راه درازی در پیش است و این وظیفه آحاد جامعه و البته به طور خاص متولیان امور مساجد است که با الگوبرداری از مساجد صدر اسلام و تطبیق آن با شرایط زمان و مکان بر این مهم

ص: 140

امید است آنچه در این نوشتار آمد که تلاشی در همان راستا بود مقبول درگاه الهی افتد و نیز در مسیر تکامل مساجد جامعه اسلامی ایران و جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد تا شاهد بازگشت مساجد به جایگاه واقعی شان در حکومت اسلامی باشیم. ان شاء الله.

سخن را با سفارش و توصیه مصلح بزرگ جهان اسلام در عصر حاضر و بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، که اگر امروز فرصت یافته ایم پیرامون جایگاه مسجد در تمدن اسلامی و ضرورت تکامل آن در جامعه اسلامی سخن بگوییم همه از برکت وجود مقدس آن امام عظیم الشأن است به پایان می بریم که فرمود: «سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد.»

«وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

- 1_ قرآن کریم
- 2_ سیدرضی، نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، 1378.
- 3_ المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت: دارالمشرق، 1986 م.
- 4_ ابراهیم حسن حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان 1376.
- 5_ ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دارصادر، 1997 م.
- 6_ ابن هشام، سیره النبی، سید هاشم رسولی، تهران: کتابچی، 1375.
- 7_ بیهقی، احمدبن حسین، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- 8_ جمعی از نویسندگان، دایرة المعارف تشیع، تهران: نشر شهید محبی، 1375.
- 9_ حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، 1409، (ه ق).
- 10_ حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، تهران: موسسه فرهنگی آرایه، 1379.
- 11_ الحسینی الزبیدی، السید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1970 م.
- 12_ حکیمی، محمدرضا، دانش مسلمین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374.
- 13_ دورانت، ویل، تاریخ تمدن (عصر ایمان)، ابوالقاسم پاینده و...، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، 1371.
- 14_ دهخدا علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، 1377.
- 15_ زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام، تهران: سمت، 1378.
- 16_ زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر، 1377.
- 17_ زرین کوب عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر، 1376.
- 18_ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، محمد جواد غفاری، بی جا: نشر صدوق 1367.
- 19_ طباطبایی، سیدمحمدحسین، شیعه در اسلام، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، 1376.
- 20_ متقی هندی، کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله، 1413 (ه ق).

21_ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بی جا: المكتبة الاسلامیه، 1376.

22_ محمدی، سید کاظم و دشتی، محمد، معجم المفهرس نهج البلاغه، قم: نشر امام علی (علیه السلام)، 1374.

23_ مسعودی علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و

ص: 142

- 24_ مسلم، صحیح مسلم، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- 25_ معادینخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، تهران: نشر ذره، 1373.
- 26_ نویری، شهاب الدین احمد، نه‌ایة الارب فی فنون الابد، محمود مهدوی دامغانی، تهران: امیرکبیر، 1364.
- 27_ واقدی، محمد بن سعد، طبقات الکبری، محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه، 1374.
- 28_ هولت پی.ام و... تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کمبریج)، احمد آرام، تهران: امیرکبیر، 1378.
- 29_ هیل درک و گرابر اولگ، معماری و تزئینات اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: علمی و فرهنگی، 1375.
- 30_ یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، 1378.

فهرست مقالات

- 1_ حسین عرفانی، «تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران»، دو ماهنامه مسجد، ش 39، محمدرضا امیری تهرانی، تهران: مرکز رسیدگی به امور مساجد، مرداد و شهریور ماه 77.
- 2_ عباسعلی فراهتی، «فعالیت مساجد در عصر پیامبر» دو ماهنامه مسجد، ش 39، مرداد و شهریور ماه 77.
- 3_ م.ا.مٹان، «تحول مسجد در گذر تاریخ» عباس امام، دو ماهنامه مسجد، ش 49، فروردین و اردیبهشت ماه 79.
- 4_ حسین مونس، «پیدایی مساجد»، سید سعید حسینی، دو ماهنامه مسجد، ش 37_ 38، فروردین_ تیر 77.
- 5_ محمد نقی زاده، «مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، محمد قره چمنی، تهران: دانشگاه هنر، 1378.
- 6_ رحیم نوبهار، «معماری مسجد از دیدگاه متون دینی» مجموعه مقالات همایش معماری مسجد.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

